





مطالعات اسلام پژوه

دوفصلنامه علمی

مدرسه علمیه حضرت آمنه علیها السلام

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت آمنه علیها السلام

مدیر مسئول: سلیمه سائری

سر دبیر: هاجر شعبانی موسی کلایه

مدیر اجرایی: مریم حامدی

ویراستار: هاجر شعبانی موسی کلایه

صفحه آرا: نیره السادات محمدی

اعضای هیئت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

معصومه اسماعیلی، طاهره حیاتی، سهیله خائفی، سلیمه سائری، فاطمه فرخنده، نسرین میانجی

سال دوم، پیش شماره دوم، پاییز ۱۳۹۹

هیئت تحریریه در تلخیص، اصلاح و ویرایش علمی و ادبی مقالات آزاد است. دیدگاه های مطرح شده در مقالات، نماینده ی دیدگاه نویسندگان محترم آنهاست. کلیه ی حقوق مادی و معنوی پژوه نامه آمنه علیها السلام محفوظ است.

نشانی: میدان بسیج، خیابان شیخ عباس قمی، مدرسه علمیه حضرت آمنه علیها السلام

پست الکترونیکی: Amene qom@whc.ir

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۳۹۸۸۴

فهرست مطالب

۷.....	سرمقاله
	مقالات

۹.....	نقش مادر در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی
۲۳.....	موانع فرزند آوری در عصر حاضر و راه‌کار برون‌رفت از آن
۴۳.....	آسیب‌شناسی عدم محبت به فرزندان
۶۵.....	راه‌های نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودک
۹۱.....	پیامدهای اجتماعی تک‌فرزندى در جامعه
	مصاحبه

۱۰۸.....	خانم طاهره لباف بانوى نخبه
	معرفى كتاب

۱۱۰.....	زن وبازیابی هویت حقیقی
	معرفى تحقيق پایانى
۱۲۲.....	آسیب‌های فضای مجازی بر تربیت نوجوانان
	چکیده

۱۲۵.....	خلاصه المحتويات
۱۳۲.....	Abstract

سرمقاله

خانواده مقدس ترین نهاد اجتماعی است که نقشی بی بدیل در انتقال فرهنگ ها و عقاید به نسل ها و تأثیری شگرف بر صحت روحی و روانی جامعه و پرورش سرمایه های انسانی دارد. بدون تردید، سلامت اجتماعی و صلابت اجتماع، مرهون سلامت خانواده است و پرداختن به این بنای مقدس و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه ضلالت و هلاکت بوده است.

اسلام به عنوان کامل ترین آیین تکامل بشر، بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به اصلاح و فساد این بنا می داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش بر می شمارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: محبوبترین بنیاد نزد خداوند، را بنیاد خانواده معرفی می نمایند؛ چراکه زمینه آرامش را برای سایر بنیادهای اجتماعی اعم از آموزشی، اقتصادی و فرهنگی فراهم می کند و استحکام خانواده در بردارنده استحکام جامعه است. رابطه متقابل خانواده و جامعه باعث شده است که مخالفین برای تزلزل ساختار فرهنگی و نظام اعتقادی و مقابله با انقلاب و ارزش های اسلامی، کانون مقدس خانواده را هدف قرار دهند و سیاست ها و برنامه های ضد فرهنگی خویش را متوجه بنیان خانواده کنند. از این رو برنامه ریزی، سیاست گذاری و پژوهش در حوزه خانواده و تقویت این نهاد مقدس بایسته ای است که معاونت پژوهش مدرسه علمیه حضرت آمنه علیها السلام؛ در جهت گسترش و تعمیق ارزش های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسئول و مؤثر در رشد خود، خانواده و جامعه مورد توجه قرار داده است و دومین پیش شماره نشریه علمی مطالعات اسلام پژوه را به این مهم اختصاص داده است. مسأله تولید علم و نظریه پردازی های جدید به ویژه در حوزه ی زن و خانواده که از چالش های جدید عصر حاضر به شمار می رود، ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روان شناختی و فرهنگی دارد و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این امور با نهاد خانواده و زن، ضرورت تعمیق پژوهش های اسلامی را دوجندان می کند. نشریه حاضر، ره آوردهای پژوهش محققان علوم دینی در حوزه زن و خانواده باهدف تولید و بازتولید اندیشه در گستره زن و خانواده، با رویکرد اسلامی است.

خداوند متعال را شاکریم که با عنایت حضرت ولی عصر (عج)، تلاش محققین محترم با حمایت مادی و معنوی مسئولین مدرسه علمیه حضرت آمنه علیها السلام به ثمر نشست و دومین پیش شماره نشریه مطالعات اسلام پژوه فراروی تشنگان معارف اسلام عزیز قرار گرفته است. توفیق استمرار و تداوم فعالیت های علمی در توسعه و نشر مطالعات و پژوهش های اسلامی را در شماره های آتی از خداوند متعال خواستاریم.

والحمد لله رب العالمین

هاجر شعبانی موسی کلایه

پاییز ۱۳۹۹



مقالات



نقش مادر در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی

اکرم کریمی^۱

چکیده

خانواده اولین نهاد اجتماعی و مادر رکن اساسی آن بوده، نقش اساسی مادران در تربیت و هدایت فرزندان موجب شده است که همواره در تمام جوامع به مادران توجه خاصی شود، زیرا آنان در تحکیم پیوند خانوادگی و چگونگی شکل‌گیری روابط اجتماعی فرزندان و جلوگیری از آسیب‌ها نقش سازنده‌ای داشته، نقش مادری مهارتی بوده که همراه با مبانی دقیق از وجود زن گرفته‌شده، مادری فضیلتی ملکوتی بوده که ناشی از عالم قدس در وجود انسان خاکی تجلی کرده و در آن به عالی‌ترین درجه خود رسیده و در راه خیر و سعادت خانواده صرف شده است. مادر نقش ویژه‌ای در پرورش بر عهده داشته که دیگران از آن محروم بوده و هیچ‌کس جایگزین آن نبوده و حال که آسیب‌های اجتماعی آسیبی بوده که مادر نقش اساسی در پیشگیری آن داشته، در مقاله پیش رو به اهمیت نقش مادر در تربیت اجتماعی (سال‌های اول زندگی کودک، وابستگی‌های عاطفی فرزند، احاطه داشتن به ابعاد زندگی کودک، اجتماعی کردن کودک) و همچنین به جایگاه مادری در کلام مقام معظم رهبری (وظایف مادر، برنامه مادر برای جلوگیری از آسیب اجتماعی، عدم افراط و تفریط در بحث فعالیت اجتماعی) و نیز به تقویت نهاد خانواده و جایگاه مادر در آن از بیانات رهبری (یافتن نابسامانی‌ها، مسائل رسانه‌ای، ارتباط با مسجد، امنیت روانی و ...، پرهیز از زندگی تجملاتی) و در پایان نقش مادر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌شده، این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، اجتماع، راه‌های مبارزه، مادر

۱. دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت آمنه علیها السلام: fatemehsadat937@gmail.com.

خانواده بنیاد اجتماع سلول سازنده زندگی انسان، خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت‌ها و ... آسیب‌های اجتماعی است و شالوده استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی و کانونی برای بروز و ظهور عواطف انسانی و رشد اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌ها است. خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید و آغاز پیدایش خود و حریمی امن زندگی انسان را در برمی‌گیرد.^۱

اما متأسفانه امروز نسبت به گذشته به این نهاد کوچک اجتماعی بهایی کمتر داده می‌شود. شاید از همین روست که هم‌روزه در جامعه پیش از پیش شاهد افزایش مشکلات اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی هستیم که بیشترین این آسیب‌های اجتماعی، متوجه کودکان است.

مادر جایگاه ویژه‌ای به‌عنوان اولین و مهم‌ترین جایگاه مرتبط به فرزندان نقش خصوصی در تربیت فرزندان و حفظ آن‌ها از انواع آسیب‌های اجتماعی را دارد. مقام معظم رهبری رحمته‌الله در بیانات خود تربیت را دارای ابعاد و جلوه‌های مختلفی عنوان نموده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن تربیت اجتماعی است و مادر در شکل‌گیری اندیشه‌ها و گرایش‌ها و تمایلات و عادت‌های اجتماعی فرزندان نقش کلیدی ایفا می‌کند.

آسیب‌های اجتماعی (Social Pathology) عبارت است^۲ از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی، شامل ناهنجاری‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و ... همراه با علل و شیوه‌های درمان و پیشگیری از آن‌ها که درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که نقش و جایگاه مادر در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی در کلام مقام معظم رهبری رحمته‌الله کدام است؟

در این پژوهش از کتاب‌هایی مانند آسیب‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی گینس و زن و بازیابی هویت حقیقی، سخنان و بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله و همچنین مجموعه آثار و کتاب‌های دیگر موردبررسی قرار گرفته شده است.^۳

۱. کفاشی، ۱۳۸۹: ۷۵-۱۰۸.

۲. پایگاه جمعیت همیاران، سلامت روان اجتماعی ایران.

۳. دهقانی سانچ، ۱۳۹۲: ۳۲۲-۳۲۵؛ بی بی اقدس: ۱۳۹۲، بررسی جامعه شناختی فاکتورهای زمینه ساز خانواده و مدرسه، فصلنامه خانواده پژوهش سال ششم، شماره ۲۳.

مفهوم شناسی

۱. نقش

نقش در لغت به معنی رنگ آمیزی کردن به شکل و صورت کسی یا چیزی را کشیدن که روی زمین یا چیزی باقی مانده باشد.^۱ و در اصطلاح دانش، نقش عنوان یا برجسی است که با آن جایگاه و الگوهای رفتاری شخص در بین جامعه تعیین می گردد. نقش ها ممکن است توسط شرع، عرف یا قانون تعیین گردند.

در تعیین و تعریف نقش ها، توافق و تأثیر جامعه ضروری است. آشنایی با نقش و تمرین نقش مراحل نقش پذیری هستند. مستحکم کردن زندگی اجتماعی و هماهنگی و نظم بخشیدن به عمل، از پیامدهای نقش در زندگی اجتماعی است، نقش هایی که از هنگام تولد با انسان همراه هستند و حذف آن ممکن نیست، نقش های انتسابی نامیده می شوند؛ که شخص در طی زندگی اجتماعی برای خود برگزیده است و می تواند از پذیرش آن نقش ها انصراف دهد، نقش ها اکتسابی خوانده می شوند. عمل به نقش با خشنودی روانی همراه است در حالی که عدم ایفای درست نقش می تواند باعث اختلاف ها، ناسازگاری ها، کشمکش ها، دشمنی ها در زندگی اجتماعی شود.^۲

۲. آسیب اجتماعی

آسیب اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری های عضوی و آسیب های اجتماعی (کج روی ها) قائل می شوند و واژه آسیب اجتماعی نیز به فرایند ریشه یابی بیماری ها هم گفته می شود.^۳ بر اساس تعریف آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه رو می گردد.

۱. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۰۳۰.

۲. رفیع پور، مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، ص ۲۰.

۳. مقالات جامعه شناسی.

اصطلاح آسیب‌شناسی از جمله واژه‌های است که بسیاری از آن را در مفهوم مترادف با کج‌روی به کار برده‌اند و در بیانی دیگر می‌توان آسیب‌شناسی را به معنای مطالعه ناهنجاری‌ها و دردهای موجود در جامعه بیان کرد که باعث ایجاد نقصان و زیان به پیکره جامعه یا خانواده می‌شود که می‌توان اعتیاد، بیکاری، فقر، خودکشی، طلاق، ولگردی و ... را از جمله این ناهنجاری‌ها نام برد، آسیب‌شناسی وظیفه ریشه‌یابی بیماری‌های جسمی را نیز بر عهده دارد.

آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه نابسامانی‌ها و اختلالات و عدم هماهنگی و تعادل در کارکردهای مربوط به کالبد حیات اجتماعی انسان‌هاست. اصطلاح آسیب‌شناسی از دیدگاه کارکردی، از علوم زیست‌شناسی به عاریت گرفته شده است.

اما در مباحث جامعه‌شناختی، هدف آسیب‌شناسی اجتماعی را با تسامح شناخت کج‌رفتاری، علل و عوامل، انواع پیامدهای آن را می‌دانند به دلیل آن‌که عمل فردی و روانی در بروز جرم و انحراف نقش اساسی دارد، آسیب‌شناسی اجتماعی ناگزیر از ارتباط با روان‌شناسی و نیز روان‌شناسی اجتماعی است.^۱

در کشورها، می‌توان عامل رشد آسیب‌ها را به دودسته اقتصادی و اجتماعی دسته‌بندی نمود. هرچند که سازمان‌های متوالی امر پیشگیری اجتماعی تلاش‌های مجدانه‌ای انجام می‌دهند؛ اما هنوز تعریف دقیقی از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی که بتواند مصدر حرکت‌های اصولی شود وجود ندارد. در زمان‌های گذشته در جامعه ما فرض به این گذاشته می‌شد که مسائل صرفاً اقتصادی عامل آسیب اجتماعی است ولی با رشد فرهنگ مصرف‌گرایی که موجبات رشد آسیب‌ها در خانواده را منجر شده است و نیز با عوض شدن الگوهای ارتباطی و آمدن وسایل ارتباطی جدید نظیر اینترنت، ماهواره، فیلم و ... که خود در تغییر اساسی ارزش‌های جامعه سنتی نقش داشته‌اند، به یک دیدگاه اقتصادی و اجتماعی در بررسی علل و عوامل آسیب‌های اجتماعی می‌رسیم.^۲

۱. عمید، فرهنگ عمید، ص ۶۸.

۲. ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۹.

اهمیت نقش مادر بر تربیت اجتماعی

عوامل و کارگزاران متعددی در جامعه وجود دارند که به نحوی در تربیت اجتماعی آدمیان مؤثرند. عوامل تربیت اجتماعی یا به تعبیر جامعه‌شناسان، عوامل جامعه‌پذیری، عبارت‌اند از: «گروه‌ها یا زمینه‌های اجتماعی که فرایندهای مهم جامعه‌پذیری در درون آن‌ها رخ می‌دهد»^۱

از قبیل خانواده، مراکز آموزشی، گروه‌های همسالان، گروه‌های شغلی، رسانه‌های جمعی، سازمان‌های سیاسی و دولتی؛ اما در این میان، مادر نقش اساسی در تربیت فرزندان یک جامعه در دوره کودکی دارد. هرچند بافاصله گرفتن از جامعه ساده سنتی و نزدیک شدن به جامعه صنعتی و مدرن تا حدی از قدرت و نفوذ خانواده کاسته شده است، اما باوجوداین، امروزه اهمیت مادر در تربیت فرزندان ازجمله تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیر نمودن آنان در دوره کودکی کاملاً آشکار است. اساساً فرایند اجتماعی شدن کودک از آغوش مادر شروع می‌شود.

می‌توان دلایل ذیل را درباره اهمیت نقش مادر در تربیت کودکان و ازجمله تربیت اجتماعی آنان برشمرد:

۱. مادر مسئولیت اصلی تربیت و اجتماعی کردن کودکان را در سال‌های اولیه و حیاتی زندگی بر عهده دارد که فشرده‌ترین دوره یادگیری است. در همین ایام است که کودکان در یک فضای صمیمی، زنان و الگوهای اساسی رفتار را می‌آموزند که پایه و اساس آموزش‌های بعدی آنان قرار می‌گیرد.

جامعه‌شناسان از این دوره تحت عنوان جامعه‌پذیری اولیه یاد می‌کنند. جامعه‌پذیری اولیه یا نخستین، همان نخستین مرحله اجتماعی شدن فرد است که در کودکی صورت می‌بندد و فرد از آن طریق به عنوان عضو جامعه درمی‌آید.^۲

به عبارتی، جامعه‌پذیری نخستین، فرایندی است که میان فرد و گروهی که با او در تماس بسیار نزدیک و صمیمی هستند به وقوع می‌پیوندد؛ مانند خانواده و دوستان، بنابراین خانواده و در وهله اول مادر اصلی‌ترین کارگزار اجتماعی شدن در این مرحله است.

۱. گینز، جامعه‌شناسی، ص ۱۰۳.

۲. برگر و لوکمان، ذهن بی خانمان، نوسازی و آگاهی، ص ۱۷۹.

بدون تردید، جامعه‌پذیری اولیه نقش مهم‌تری در زندگی فرد دارد، چه اینکه ساختارهای اساسی جامعه‌پذیری ثانویه ناگزیر است با ساختار اساسی جامعه‌پذیری اولیه شباهت داشته باشد.

دنیایی که در جریان جامعه‌پذیری اولیه در درون فرد جای می‌گیرد، پایه‌های بسیار محکم‌تری دارد تا دنیایی که در ضمن «جامعه‌پذیری ثانویه» به درون او منتقل می‌شود.^۱ جامعه‌پذیری ثانویه، هریک از فرایندهای بعدی است که فرد قبلاً جامعه‌پذیر شده را با بخش‌های تازه‌ای از دنیای عینی جامعه‌اش سوق می‌دهد.^۲

۲. نقش مادر در خانواده جایی است که کودکان نخستین وابستگی‌های عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در آن برقرار می‌سازند، زبان را یاد می‌گیرند و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها را در آن آغاز می‌نمایند.^۳

۳. مادر به همه ابعاد زندگی کودکان خردسال احاطه دارد، به عبارتی تجربه کودکان خردسال کم‌وبیش منحصرأ در درون خانواده به‌ویژه مادر شکل می‌گیرد.^۴

۴. دلیل دیگر این است که مادر دارای موقعیت ویژه‌ای در ساخت اجتماعی است،^۵ بدین ترتیب مادر در تربیت و اجتماعی کردن کودکان نقش اصلی را بر عهده دارد. کودک رشد خود را از مادر خود آغاز می‌کند، حتی استمرار تربیت کودک در نهادهای رسمی همچون مهر کودک و مدرسه و استفاده از تلویزیون نیز با انتخاب و هدایت‌های مادر انجام می‌گیرد.

مادر و اطرافیان کودک میانجی گرانی‌اند که واقعیت‌ها را با دو صافی موقعیت اجتماعی و خصوصیات روحی‌شان گزینش و به کودک منتقل می‌کنند.

«مادر و اطرافیان کودک، در جریان میانجی بودنشان، جهان را جرح و تعدیل می‌کنند. آنان بر طبق جایگاهی که در ساختار اجتماعی دارند و نیز برحسب خصایص فردی خود که از سیر تاریخچه زندگی‌شان نشست می‌گیرند، جنبه‌هایی از آن جهان را برمی‌گزینند. دنیای اجتماعی از «صافی» این گزینش دوگانه، می‌گذرد و به او می‌رسد.»^۶

۱. همان، ص ۱۷۹ و ۱۸۴.

۲. همان، ص ۱۷۹.

۳. همان، ص ۱۰۸.

۴. رابرتسون، درآمدی برجامعه، ص ۱۰۸.

۵. همان، ص ۱۲۸.

۶. برگر و لوکمان، ذهن بی خانمان، نوسازی و آگاهی، ص ۱۸۰.

جایگاه مادری در کلام مقام معظم رهبری دامنه

در نگاه رهبر انقلاب، مادری جایگاه ویژه‌ای دارد. جایگاهی بی‌بدیل که به‌سادگی از کنار آن نمی‌گذرند و در این باره می‌فرمایند:

«یکی از وظایف مهم مادر عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، بادل دادن و رعایت و دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.»

رهبر انقلاب بی‌توجهی و محروم کردن فرزندان از موهبت محبت مادر را، ضرر فردی و اجتماعی می‌داند و در این زمینه می‌گویند:

«بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زن آن‌که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کند اشتباه می‌کند هم به ضرر خودش و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام این اجازه را نمی‌دهد.»

توجه به نقش مادری و فرزند آوری در نگاه رهبری دارای چنان جایگاهی است که ایشان خودداری از تولد فرزند را مخالف رضایت خداوند می‌دانند و می‌گویند:

«از جمله وظایفی که بر عهده زنان در داخل خانه و خانواده است، مسئله تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطف بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آن‌هم نیست رها می‌کنند و دچار اشتباه شده‌اند.»^۱

۱. بیانات در دیدار در گروهی کثیری از بانوان در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام ، ۸۶/۴/۱۳.

در این زمینه اغلب افراد به نفع یکی از دو جنبه نقش زنان، نقش دیگر را مصادره می‌کنند؛ یعنی اگر قرار است که زنان به نقش مادری خود توجه و تمرکز داشته باشند و بالعکس؛ اما رهبر فرزانه انقلاب با هرگونه نگاه افراطی و مصادره یکی از نقش‌های زنان به نفع نقش دیگر مخالفت می‌کنند و می‌فرمایند:

«بعضی افراط می‌کنند و بعضی تفریط می‌کنند. بعضی می‌گویند به خانه و شوهر و فرزند برسیم پس فعالیت اجتماعی نباید بکنیم. بعضی می‌گویند چون خانه و شوهر و فرزند اجازه نمی‌دهد فعالیت اجتماعی بکنیم، پس شوهر و فرزند را باید رها کنیم. هر دو غلط است، نه این را به خاطر آن، نه آن را به خاطر این، نباید از دست داد.»^۱

به نظر می‌رسد رهبر انقلاب با وجود تأکید فراوان بر ایفای نقش مادری برای زنان و تأکید بر انجام آن، هیچ اعتقادی به حذف یک نقش برای ایفای نقش دیگر ندارند؛ بلکه اتفاقاً بر کیفیت این نقش اعتقاد ویژه‌ای دارند. به عبارتی آنچه رهبر در زمینه‌ی اشتغال مادران (و نه بر عهده گرفتن پست‌های مدیریتی) مورد تأکید قرار می‌دهند، باید‌ها و نبایدهایی دارد که برخی از آن‌ها این است:

اولاً آسیب نرسیدن به نقش‌های اصیل زن، یعنی مادری و همسری و بحث رعایت حریم محرم و نامحرم و پرهیز از اختلاط و تأکید بر نقش‌های همسری و مادری به گونه‌ای که کودک، آسیب نبیند. ثانیاً ایشان معتقدند باید برای حفظ ظرفیت بانوان در جامعه و نقش‌آفرینی آنان، تلاش شود و به بهانه مادری، نباید نقش اجتماعی آنان را در جامعه نادیده بگیریم.

تقویت نهاد خانواده و جایگاه مادر در آن از سخنان رهبری

در این دو، سه دهه قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد و دیگر نداشت. وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است.

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان، ۷۹/۶/۳۰.

مادر در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده، - یعنی مادر - زیر سؤال و متزلزل است، در آنجا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. این‌ها بحث‌هایی است که واقعاً باید روی آن‌ها خیلی تأمل و تحقیق بشود.^۱

تقویت نهاد خانواده و جایگاه مادر در آن در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان، اهتمام به موضوع «جوانان» ایجاد زمینه‌هایی مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی و مسئولیت‌پذیری و تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده شغلی علمی آنان.^۲ تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان.^۳ و می‌توان راهکارهای تقویت نهاد خانواده و آنجایی که گاهی مادر می‌تواند در آن داشته باشد را این‌گونه نام برد:

۱. یافتن ریشه‌های نابسامانی‌های خانواده و برنامه برای رفع آن‌ها.
۲. برقراری و استحکام رابطه مسجد با خانواده از نوزادی تا ازدواج هست.
۳. دقت داشتن به رسانه‌های اجتماعی که چه مسائلی را مربوط به خانواده مطرح می‌کنند.
۴. امنیت فکری، معنوی و روانی در محیط زندگی خانواده می‌تواند تأثیر به سزایی در تقویت نهاد خانواده داشته باشد.^۴ یعنی وقتی کوچک‌ترین مشکلی برای کشور به وجود می‌آید چه در محیط کار و چه در محیط خانواده و چه در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نمی‌کنند پس امنیت داشتن می‌تواند اساسی‌ترین راه برای تقویت خانواده باشد که مادر در وهله اول نقش به سزایی دارد.^۵

مادر این قدرت را دارد ذهن افراد خانواده را بر مسائل روحی و معنوی نیز تقویت کند و بر آن برنامه داشته باشد. مادر در داخل خانواده عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است.

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۶۹/۱۰/۱۶.

۲. همان.

۳. پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم، ۷۸/۲/۳۰.

۴. ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه رهبر معظم انقلاب، ۸۷/۱۰/۲۱.

۵. بیانات در دیدار با بانوان نخبه، در تاریخ ۹۰/۳۰/۰۱.

۵. مادر می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق از زندگی متجملانه و مسرفانه پرهیز کند یعنی زندگی تجمل آمیز به یک فرهنگ تبدیل نشود وقتی به یک فرهنگ تبدیل شود بقیه نگاه می‌کنند و یاد می‌گیرند و به تبع آن از او تقلید می‌کنند و وقتی مادر یک زندگی ساده را به زندگی مسرفانه ترجیح دهد و باعث این می‌شود که خانواده قوی‌ای داشته باشیم.

۶. مادر عضو اصلی خانواده و دارای جایگاه اساسی در خانواده هست به همین خاطر وقتی اصل خانواده زیر سؤال برود در آنجا هیچ چیزی در جای خودش قرار نخواهد گرفت.^۱

به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی مادر - زیر سؤال و متزلزل است، در آنجا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. این‌ها بحث‌هایی است که واقعاً باید روی آن‌ها خیلی تأمل و تحقیق بشود.^۲

در مسئله مادر آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، مسئله خانواده است؛ نقش مادر به عنوان عضوی از خانواده، به نظر من از همه نقش‌هایی که مادر می‌تواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی‌ها این‌طور حرف‌ها را در همان نظر اول با شدت رد می‌کنند و می‌گویند آقا شما می‌خواهید زن را در خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت بازدارید؛ نه به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواست.^۳

«مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه و نوازش و لالائی خواندن است؛ بازندگی کردن است. مادران بازندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند.»^۴

۱. خطبه عقد، مورخ ۷۹/۶/۲۸.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۳. بیانات در دیدار گروهی از بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (علیها السلام)، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۴. بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۲/۱۱.

نقش مادر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

خانواده را مادر به وجود می‌آورد و اداره می‌کند، این را بدانید که عنصر اصلی تشکیل خانواده مادر است نه مرد. بدون مرد ممکن است خانواده‌ای باشد.

مادر خانواده اگر عاقل و باتدبیر و خانه‌دار باشد خانواده را از هر نوع آسیبی حفظ می‌کند؛ اما اگر مادر از خانواده گرفته شد مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند؛ بنابراین خانواده را مادر حفظ می‌کند^۱. نقش‌آفرینی مادر در خانواده توأم با اجتماع است اگر گفته می‌شود که مسئولیت‌های خانوادگی دارند یعنی مسئولیت امور داخلی خانه این به معنای این نیست که مسئولیت اجتماعی از دوش این‌ها برداشته است.

بایستی این مسئولیت را هم حفظ کنند و هر مقداری که باوجود حفظ این مسئولیت توانایی دارند، آن توانایی را به مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی هم ضرب کنند.^۲

خانواده و مادر عاملی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فرزندان است. خانواده مبنای جامعه انسانی است. درست مثل سلول که مبنای پیکره آدمی است.

جوامع سرافراز مستقل، سخت‌کوش، ارزش‌مدار و دانا قطعاً دارای خانواده‌هایی که اصل آن مادر هستند، این موضع آن‌قدر ارتباط مستقیم و مستمر و مستحکم باهم دارد که امام خمینی (ره) در فرازی راه بلند این رابطه منطقی را کوتاه می‌کند و می‌فرماید: سعادت و شقاوت ملت‌ها به وجود مادران بستگی دارد و این مطلب را می‌رساند که مادر محور خانواده است، خانواده محور جامعه و جامعه سرنوشت بشریت را در یک برهه از تاریخ و جغرافیایی مشخص معلوم می‌کند.^۳

بنابراین با توجه به سخنان مقام معظم رهبری رحمته‌الله مادر در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی نقش اساسی و مهمی در خانواده ایفا می‌کند.

۱. سخنان در جمع خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی، ۶۳/۱۴/۱۲.

۳. سایت ترویج فرهنگ مشاوره.

نتیجه گیری

مسئله نقش مادر در آسیب‌های اجتماعی در سخنان مقام معظم رهبری دام‌الله یک مبحث مهم است و همچنین خانواده کانونی است برای جلوگیری از آسیب‌ها و بروز عواطف انسانی و رشد اجتماعی هست اما متأسفانه امروزه نسبت به گذشته به این نهاد کوچک اجتماعی بهایی کمتر داده شده، از این روست که به این موضوع پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم:

۱. آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد.

۲. مادری و جایگاه آن تأثیر بسزایی در برخورد با آسیب‌ها علی‌الخصوص آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند و اولین نهاد برای اجتماعی کردن صحیح کودکان خانواده و نقش مادر است که در ابتدا مادر بایستی به همه ابعاد مادری مشرف باشد و ابعاد این نقش را در کنار یکدیگر و در کنار هم داشته باشد و روش صحیح اجتماعی شدن را با توجه به تربیت دینی به فرزند خود آموزش دهد.

۳. در کلام مقام معظم رهبری دام‌الله در رابطه بر این بُعد از ابعاد تأکیدات فراوانی یافت می‌شود و ایشان تأکید بسیاری بر تربیت دینی در اجتماعی کردن کودکان و تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن و مادر در آن در صحنه اجتماعی با اهتمام به موضوع جوانان که بیشترین آسیب را در اجتماع متوجه آن‌هاست دارند.

۴. می‌توان نتیجه گرفت: راهکارهای تقویت نهاد خانواده و آن جایگاهی که مادر در آن دارد این گونه گفت که مادر می‌تواند ریشه‌های نابسامانی‌های خانواده را پیدا کند و آن را رفع کند؛ و امنیت فکری، معنوی و روانی در خانواده را تقویت کند و مادر می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق از زندگی مسرفانه پرهیز کند و به‌طور کلی مادر عضو اصلی خانواده و دارای جایگاه احساسی در خانواده هست.

۵. خانواده را مادر به وجود می‌آورد و اداره می‌کند و عضو اصلی تشکیل خانواده مادر است. مادر خانواده اگر عاقل و باتدبیر و خانه‌دار باشد خانواده را از هر نوع آسیبی حفظ می‌کند؛ بنابراین خانواده را مادر حفظ می‌کند و مادر نقش اساسی و مهمی در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند.

۱. ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام.
۲. برتر و لوکمان، ذهنی بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، نشر نی، ۱۳۸۱.
۳. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۴. بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴.
۵. بیانات در دیدار بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۳/۰۱.
۶. پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست‌های کلی برنامه، ۱۳۷۸/۲/۳۰.
۷. پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم، سال ۹۸/۲/۳۰.
۸. خطبه عقد، ۱۳۷۹/۶/۲۸.
۹. دهقانی، سانچ / بی‌بی اقدس، بررسی جامعه‌شناختی برگ خریدهای زمینه‌ساز خانواده و مدرسه، فصلنامه خانواده پژوهش سال ششم، شماره ۲۳، آبان ۱۳۹۲.
۱۰. رابرت سون، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسن بهراوان، ویراستار میر جلال پور میر، ویراستان محمد صباحی، ناشر انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. رفیع پور، فرامرز، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، ناشر: شرکت سهامی انتشار، آبان ۱۳۹۷.
۱۲. زمینه‌ساز خانواده در مدرسه، فصلنامه خانواده، پژوهش سال ششم، شماره ۲۳، آبان ۱۳۹۲.
۱۳. سایت ترویج فرهنگ مشاوره.
۱۴. ستوده، هدایت الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: ناشر آوای نور، ۱۸ فروردین ۱۳۹۸.
۱۵. سخنان رهبری در جمع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۳/۲۰.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
۱۷. قریب، محمد، واژه‌نامه نوین، تهران: ناشر بنیاد، زبان فارسی، ۱۳۶۷.
۱۸. کربلایی نظر و جمعی از محققین انتشارات انقلاب اسلامی، محسن، زن و بازیابی هویت حقیقی، مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای علیه‌السلام، رهبر معظم انقلاب اسلامی.
۱۹. کفاشی، مجید، آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان، فصلنامه پژوهش حقوق سال سوم، شماره ۶، ۱۳۸۹.
۲۰. گینس (گیونز)، آتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، منبع ایران پی پر.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ج ۹۲.
۲۲. مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی، ۶۳/۱۲/۰۴.

موانع فرزند آوری در عصر حاضر و راه کار برون رفت از آن

زهرا مجاوری^۱

چکیده

فرزند آوری، افزایش جمعیت و داشتن کشوری با جمعیت جوان به عنوان مسئله‌ای اساسی از جهات دینی، فردی، خانوادگی و کشورداری حائز اهمیت است؛ اما در ایران اسلامی عوامل مختلفی باعث کاهش فرزند آوری در سال‌های اخیر گشته است. بنابر گفته متخصصان اگر جلوی روند این رکود گرفته نشود به بحرانی تبدیل می‌گردد که آثار سوء فراوانی بر روی کشور و مذهب تشیع بر جای می‌گذارد؛ بنابراین جهت جلوگیری از آن، باید موانع فرزند آوری بررسی و راه‌هایی برای رفع آن اندیشیده شود. موانع در بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی قابل طرح بوده و برای رفع هر یک راه حل‌های متعددی، وجود دارد که گاهی تک‌بعدی هستند، مثل اعطای وام؛ و گاهی یک‌راه حل با ابعاد مختلف، مانند ایجاد یک ستاد ملی را در هدف دارد که محورهای اصلی این پژوهش است که به روش توصیفی - تحلیلی؛ به شیوه کتابخانه‌ای به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: جمعیت، فرزند آوری، اقتصادی، فرهنگ سازی.

مقدمه

فرزند آوری موضوعی است که با طبیعت بشر آمیخته و هر زوجی پس از ازدواج با آن روبه‌رو می‌شود. هیچ‌کسی نیست که با خود صادقانه بنگرد و مزایای داشتن فرزند را رد کند. فرزند در مضامین اسلامی از نعمات الهی برشمرده شده^۱ و بر فرزند آوری تأکید ویژه شده است؛ برای مثال رسول خدا ﷺ فرمودند: «چه چیز مؤمن را بازمی‌دارد از اینکه همسری را اختیار کند بدان امید که خداوند فرزندی به او روزی دهد که زمین را به لا اله الا الله سنگین کند؟»^۲

فرزند آوری با عباراتی همچون جوان بودن جمعیت یک کشور گره خورده است. متخصصان روز نیز داشتن کشوری جوان را باعث کارآمدی، رشد و بالندگی آن می‌دانند؛ اما فرزند آوری و ازدیاد جمعیت در هر دوره از زمان درگذر تاریخ به علل گوناگون دستخوش تغییرات بوده است. برخی از این تغییرات طبیعی و برخی بر اساس برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های بشر به‌خصوص توسط رهبران یک جامعه، بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز همچون سایر کشورها از این تغییرات مصون نبوده است. آمارها نشان می‌دهد در چند سال اخیر، میزان رشد جمعیت به‌شدت در ایران کاهش یافته به‌طوری‌که به زیر حد جانشینی رسیده و با ادامه این روند ایران در چند سال آینده جزء پیرترین کشورهای جهان خواهد شد.

پیر شدن جمعیت یک کشور و عدم رشد جمعیت آن، علاوه بر ایجاد تأثیرات منفی در کشور، بر روی جهان اسلام و مذهب تشیع هم اثرات سوئی بر جای خواهد گذاشت. حال باوجود اینکه متخصصان و مسئولین چند سالی است که خبر از این بحران داده‌اند، آمارها تغییر چندانی در رشد جمعیت را نشان نمی‌دهند؛ بنابراین سؤال اینجاست که چه عواملی باعث شده فرزند آوری میان مردم کاهش یابد؟ و چه راه‌هایی برای از میان بردن این موانع وجود دارد؟ قطعاً برای جلوگیری از بحران سالمندی که مضرات مختلفی برای میهن اسلامی ما دارد، نیاز است که این عوامل شناسایی و رفع شود. مقاله حاضر بر آن است که با روش کتابخانه‌ای، به بررسی موانع فرزند آوری پرداخته و سپس پیشنهادهایی برای رفع این موانع ارائه دهد.

۱. نحل، ۷۲.

۲. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳؛ ص ۳۸۲.

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در کاهش نرخ رشد جمعیت ایران، اجرای سیاست کنترل جمعیت از سال ۱۳۶۸ بوده است.

همان‌طور که اشاره شد مقوله فرزند آوری از ابتدای خلقت بشریت مورد توجه بشر بوده و مقوله ازدیاد یا کاهش آن پس از شکل‌گیری جوامع رواج یافته است؛ اما اهمیت آن برای ایران اسلامی، یک‌بار در همان سال ۱۳۶۸ جهت ایجاد سیاست کنترل جمعیت و یک‌بار هم از حدود سال ۱۳۹۰ برای جلوگیری از کاهش نرخ رشد، توسط متخصصین روشن شد.

از آن سال تحقیقات گوناگونی بر روی این مسئله صورت گرفته و برخی کتب هم به چاپ رسیده است. مثل کتاب «ایران جوان بمان»، نوشته محسن عباسی ولدی که در نه بخش با عناوینی همچون تاریخچه کنترل جمعیت، کاهش جمعیت و عواقب سالمندی و غیره، در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسید.

از دیگر کتبی که می‌توان به آن اشاره کرد، «یک نان‌آور بیشتر» نوشته صالح قاسمی که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است؛ این کتاب در ۵ فصل و یک فصل الخطاب به پاسخ ۳۳ پرسش پرداخته است، از جمله پرسش‌های اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی و غیره.

اما آنچه این مقاله را از سایرین متمایز می‌کند شیوه گردآوری مباحث و اشاره به برخی نکات ناگفته و همچنین پرداختن به راه‌حل‌های کاربردی است.

مفهوم شناسی

۱. جمعیت

معانی لغوی متفاوتی برای آن ذکر شده از جمله: مردم یا موجودات زنده‌ای که در یکجا گردآمده باشند؛ گروهی از مردم؛ انبوهی از مردم.^۱ و معنای اصطلاحی آن به مجموعه افرادی از یک گونه که در یک مکان و زمان زندگی میکنند، جمعیت گفته می‌شود.^۲ منظور ما اینجا از جمعیت، تعداد افراد حی و حاضر در ایران است.

۲. فرزند آوری

فرزند آوری یکی از سفارش‌ها مورد تأکید دین اسلام است. قرآن کریم در چندین آیه به نحوه‌های مختلف به فرزند و فرزند آوری پرداخته است؛ مثلاً در آیات مختلف از فرزند به مثابه نعمت^۳، زینت^۴، متاع^۵، امتحان^۶ و بشارت^۷ یاد شده است. روایات نیز در این زمینه متعدد است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: رسول خدا فرمودند^۸: بر تعداد فرزندان بی افزایید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم.^۹

فرزند آوری و افزایش جمعیت، آثار و فواید بسیاری برای جامعه اسلامی دارد؛ از جمله: حفظ قدرت نظامی، سیاسی و مذهبی، پویایی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«من در صحبت‌های اخیر چند بار تکرار کرده‌ام که کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛

۱. فرهنگ فارسی عمید.

۲. <https://fa.wikipedia.org/جمعیت>.

۳. نحل (۱۶)، ۷۲.

۴. کهف (۱۸)، ۴۶.

۵. آل عمران (۳)، ۱۴.

۶. انفال (۸)، ۲۸.

۷. هود (۱۱)، ۱۱.

۸. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا».

۹. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲.

هر چه می‌توانید قوّت را زیاد کنید. حالا این قوّت در وهله ی اوّل، در نگاه اوّل، ممکن است قوّت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنهی قوّت نظامی است. ابعاد قوّت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوّت اقتصادی، قوّت علمی، قوّت فرهنگی، قوّت سیاسی - که زمینه‌ساز قوّت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوّت تبلیغی.

باگذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید. فرض کنید امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوّت است؛ اینکه بنده زیاد روی مولید تکیه می‌کنم، به خاطر این است. کشور ما امروز کشور جوانی است؛ اگر چنانچه مولید در این کشور به قدر لازم و به قدر کافی تولید نشوند - که الآن به قدر کافی نیست - چند صباح دیگر، چند سال دیگر نسل جوان در کشور کمیاب خواهد شد. آن وقت کشوری که در آن جوان کم است، پیشرفتش [هم] کم است. یکی از ابزارهای قدرت حفظ اکثریت جوان در جامعه است»^۱.

اما آمارها نشان می‌دهد که طی چند سال اخیر فرزند آوری با کاهش بیش‌ازاندازه روبه‌رو بوده و حتی به زیر سطح جانشینی رسیده است و اگر این روند ادامه یابد ایران به یکی از پیرترین کشورهای جهان تبدیل خواهد شد که این خود مضرات و آفات بسیاری به همراه دارد.

ازجمله معضلات می‌توان به این موارد اشاره کرد: هزینه نگهداری از سالمندان چه برای فرد چه جامعه بالا می‌رود، کم شدن نیروی کار و در نتیجه کاهش تولید - و افزایش وابستگی به بیگانه، مهاجرت و در پی آن تغییر فرهنگ، ضعیف شدن نیروی دفاعی کشور، کاهش جمعیت جوان، نخبه و نیرومند و در نتیجه مختل شدن بسیاری از فعالیت‌هایی که فقط به واسطه جوانان می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد^۲.

بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۷۵ متوسط رشد سالانه جمعیت روند کاهشی به خود گرفته به طوری که به ۹۶/۱ درصد رسیده است و این روند کاهشی تا سال ۱۳۹۵ نیز ادامه داشته است. متوسط رشد جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ به میزان ۰۵/۰ درصد، نسبت به سال ۱۳۸۵ به میزان ۳۸/۰ درصد، نسبت به سال ۱۳۷۵ به میزان ۷۲/۰ درصد و نسبت به سال ۱۳۶۵، ۶۷/۲ درصد کاهش داشته است^۳.

۱. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳، <https://farsi.khamenei.ir>.

۲. برگرفته از: ولدی عباسی، ایران جوان بمان.

۳. مرکز آمار ایران، بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی، ص ۲.

در بررسی‌هایی که چند سال اخیر به‌خصوص پس از هشدار رهبر انقلاب صورت گرفته، علل متعددی که باعث این اتفاق گشته، مطرح شده است؛ اما باوجود همه این هشدارها از جانب مسئولین هنوز هم تغییر چشم‌گیری در روند رشد فرزند آوری صورت نپذیرفته است؛ بنابراین برای خروج از این بحران باید به‌دقت بررسی شود که چه موانعی بر سر راه فرزند آوری واقع شده و راه‌حل و گشایش این موانع چیست.

در طی بررسی‌ها موانع متعددی مشخص شد که گره خوردگی و رابطه خاصی میان آن‌ها مشاهده می‌گردد؛ به همین خاطر ممکن است در نگاه اول قابل تمییز نباشند اما تفاوت زیادی به‌خصوص در راه حل آن‌ها وجود دارد.

در این نوشتار ابتدا مشکلاتی که به نظر می‌رسد در سطح جامعه ممکن است وجود داشته باشد مطرح و سپس راه‌حل‌هایی پیشنهادی ارائه می‌شود. این که کدام یک از این مشکلات بیشتر جامعه را درگیر خودکرده، نیازمند کار کارشناسی و آمارگیری‌های دقیق و جامع است که از عهده این نوشتار خارج هست.

موانع فرزند آوری

۱. مشکلات مالی و اقتصادی

در چند سال اخیر با افزایش مشکلات مادی در سطح کشور همچون افزایش روند گرانی‌ها، تعطیلی بسیاری از مراکز کاری مثل کارخانه‌ها و به تبع آن‌ها افزایش بیکاری و فقر، فکر کردن به فرزند آوری و یا افزایش تعداد فرزند برای بسیاری از خانواده‌ها مشکل گشته است.

مهم‌ترین مشکلاتی که استان‌های مختلف کشور با آن مواجه هستند، عبارت‌اند از: توزیع نابرابر درآمدها، ناعادلانه بودن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و محروم جامعه از یارانه‌ها (غیر هدفمند توزیع شدن یارانه‌ها)، عدم بهره‌مندی مطلوب اقشار کم‌درآمد جامعه از امکانات عمومی (اجتماعی، فرهنگی و آموزشی)، فقدان یک نظام جامع و فراگیر تأمین اجتماعی و غیره^۱.

۱. ارضروم چیلر، ابعاد گوناگون فقر در ایران، ص ۸۸.

در این روند برخی خانواده‌ها به‌طورکلی فرزند آوری یا افزایش آن را حداقل برای چندین سال کنار گذاشته‌اند و برخی دیگر اما در صورت بهبود شرایط، حاضر و یا مشتاق به این امر مبارک هستند.

نکته دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است، آن است که این مانع گاهی به‌طور حقیقی برای افراد وجود ندارد؛ بلکه به‌صورت یک مانع فکری است؛ یعنی برخی خانواده‌ها مشکل مالی به شکل واقعی ندارند بلکه یک تفکر نادرست و یا یک ترسی دارند و با خود می‌اندیشند اگر فرزند بیاورند چگونه زندگی او را به بهترین شکل ممکن اداره و نیازهای وی را فتح و رفع کنند. در این خصوص باید بر روی عقاید افراد کار شود. در دین اسلام از این‌که از ترس فقر، ازدواج یا فرزند آوری ترک شود به‌شدت نهی شده است؛ چراکه بندگان طبق مبانی توحیدی، باید بر رزاق خداوند و درعین حال رحمانیت و رحیمیت وی اعتماد داشته باشند.

چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ^۱ «فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم» ^۲.

۲. مشکلات جسمی و پزشکی

بسیاری از زوجین هستند که مشتاق فرزند آوری می‌باشند اما ازلحاظ جسمی توانایی باروری ندارند و بدن یکی از زن یا مرد با مشکلات پزشکی همراه است. میزان ناباروری در جهان حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد گزارش شده است. این در حالی است که در ایران این آمارها بیش از ۲۰ درصد است. در تهران میزان ناباروری حدود ۲۱ درصد و در گزارش‌های دیگر حدود ۲۶ درصد ثبت شده است که این مقدار از معدل جهانی بسیار بالاتر است. همچنین حدود ۵/۱۳ میلیون زوج در کشور وجود دارد. بر این اساس حدود ۲ تا ۵/۲ میلیون زوج نابارور در کشور وجود دارد. اگر ۳۰ درصد از این زوج‌ها به خدمات درمان ناباروری در پروتکل‌های لقاح خارج رحمی نیاز داشته باشند می‌توان گفت حدود ۵۰۰ تا ۷۵۰ هزار زوج به این خدمات نیاز دارند. درمجموع بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار زوج به درمان‌های سالانه ناباروری نیاز دارند.^۳

۱. «... وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ. نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ...».

۲. انعام (۶)، ۱۵۱.

۳. روزنامه جام جم، دوشنبه ۹ دی ۱۳۸۷، شماره ۲۴۶۴، ص ۵.

در بسیاری از موارد این مشکلات قابل درمان هستند اما عللی مثل گرانی پروسه درمان، نبود بیمارستان‌های درمانگر نازایی در دسترس، عدم حمایت بیمه‌ها از نازایی، عدم آگاهی یا پذیرش عیب از سوی مردان و غیره مانعی برای آغاز یا پیشرفت روند درمان هستند.

۳. انواع سقط جنین

درباره سقط جنین و رابطه آن با کاهش فرزند آوری باید گفت سقط در انواع مختلف خود موجب کم شدن موالید می‌شود. برخی از سقط‌ها طبیعی است که به خاطر سیستم بدن مادر انجام می‌شود، این سقط‌ها معمولاً بر اثر ناآگاهی مادران از مواظبت‌های حین بارداری و یا ناآگاهی خانواده‌ها در این زمینه است. برای جلوگیری از این‌گونه سقط‌ها باید آموزش‌های لازم برای بارداری، پیش از بارداری به خانواده‌ها داده شود؛ اما سایر سقط‌ها گاهی درمانی و گاهی غیرقانونی هستند. در سال‌های اخیر آمار سالیانه سقط رشد بیش از اندازه داشته است.

آماري که پزشکی قانونی از تعداد مراجعات در اختیار رسانه‌ها قرار داده است، نشان می‌دهد که آمار مراجعات برای سقط جنین به مراکز پزشکی در طول ۱۰ سال گذشته رشد صعودی داشته و از ۲ هزار و ۹۲۹ مورد در سال ۸۵ به ۹ هزار و ۹۵۵ مورد در سال ۹۴ رسیده است. همچنین آن‌طور که سازمان پزشکی قانونی اعلام کرده است در این مدت استان‌های تهران با ۱۵۳۷ مراجعه و ۸۰۵ مجوز سقط درمانی، خراسان با ۶۳۹ مراجعه و ۵۵۲ مجوز و خوزستان با ۵۸۰ مراجعه و ۴۷۸ مجوز، بیشترین و استان‌های سمنان با ۳۳ مراجعه و ۱۸ مجوز، ایلام با ۶۴ مراجعه و ۴۳ مجوز و خراسان شمالی با ۷۷ مراجعه و ۳۸ مجوز، کمترین آمار مراجعین سقط درمانی را داشته‌اند. این آمار نشان می‌دهد رشد سقط جنین در ایران با سرعت بیشتری رو به افزایش است و این موضوع می‌تواند زنگ خطری مهم برای کشور باشد.^۱

سقط‌های درمانی، فرای در نظر گرفتن سقط‌های غیرقانونی، اغلب اوقات بر اثر اهمال والدین مبنی بر اتخاذ تصمیم درست برای سقط یا نگهداری جنین صورت می‌گیرد. با توجه به این‌که سقط در شرع مقدس اسلام عملی حرام و موجب ناخوشنودی پروردگار است و حتی از لحاظ فقهی دیه قتل به همراه دارد، باید گفت متأسفانه در دستور کار پزشکان قرار گرفته است.

نظر امام خامنه‌ای در این باره: «سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست مگر اینکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح، اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، مگر آنکه استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد»^۱.

این در حالی است که دستورات سقط، طبق مصوبات سازمان بهداشت جهانی است که این نکته را درباره آن باید مطمع نظر قرارداد که اکثر اوقات دستورات آن‌ها همسو با دستورات اسلام نیست. در صورتی که با یقین می‌توان گفت فقط هر آنچه خداوند متعال برای بشریت به عنوان قانون برای وی فرستاده به صلاح دنیا و آخرت اوست. خداوند در قرآن کریم خطاب به والدین می‌فرماید^۲: «کسانی که از روی بی‌خردی و نادانی، فرزندان خود را کشته‌اند و آنچه را خدا روزی‌شان کرده بود - از راه افترا به خدا - حرام شمرده‌اند، سخت زیان کردند. آنان به راستی گمراه شده و هدایت نیافته‌اند»^۳؛ این کشتن شامل سقط جنین که روح در بدن او دمیده شده و به مثابه یک انسان نیز است نیز می‌شود؛ بنابراین ناآگاهی یا اهمال زوجین در این باره و وجود قوانین نادرست از سویی سقط‌ها را به بهانه‌های واهی - مثل منگلی - افزایش داده است. در حالی که وجود موارد بسیاری نادرستی آزمودن‌های تشخیصی - مثل غربالگری - را تأیید می‌کند.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و پرسش‌نامه‌های مستند اخذ شده از مادران حاضر در طرح غربالگری، در بسیاری از مواردی که پس از غربالگری صورت گرفته، رأی به سقط جنین صادر شده است و مادران به دلایل مختلف از انجام سقط جنین، استنکاف داشته‌اند، پس از تولد نوزاد مربوطه و سلامت همه‌جانبه مادر و نوزاد، تشخیص غلط غربالگری و حکم صادره مبنی بر لزوم سقط به اثبات رسیده است!^۴

۱. خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتانات، ص ۲۷۹.

۲. انعام (۶)، ۱۴۰.

۳. «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ».

۴. جنین خود را به بهانه تشکیل نشدن قلب نکشید. <https://ravazadeh.com>.

۴. مشکل درآمیزش

تعدادی از زوجین وجود دارند که از جهات گوناگون پذیرای فرزند آوری هستند اما مشکل درآمیزش جنسی مانع از این امر در آنان می‌گردد. این مشکل گاهی به خاطر عدم آگاهی و گاهی به خاطر یک مشکل توأمان جسمی-فکری است که قابل درمان هست.

۵. مشکلات روان‌شناسی

در میان هر زوجی تنش و اختلاف دیده می‌شود اما گاهی زوجین داشتن اختلاف را به‌خصوص اگر شدید و همراه با دعوا باشد مانع از فرزند آوری می‌دانند؛ حتی گاهی ایجاد شرایط مناسب برای باروری مثل آرامش و عدم استرس، با این دعوا و بگویموها از بین می‌رود.

۶. مشکلات تربیتی

نگرانی درباره تربیت فرزند به نحو شایسته، هم برای زوجینی که به‌تازگی ازدواج کردند و می‌خواهند فرزند اول را متولد کنند و هم برای زوجینی که فرزند دارند و تربیت چند فرزند را دشوار می‌دانند، ممکن است پیش بیاید. در این باره نباید نظر متخصصین تربیت فرزند را از یاد برد که تربیت یک فرزند به مراتب سخت‌تر از چند فرزند است؛ زیرا: یکم: همه‌چیز در تربیت فرزند والدین نیستند؛

دوم: آنچه هم در دست والدین است خیلی بر اثر گفتار انتقال داده نمی‌شود بلکه فرزندان از روی رفتار والدین الگوبرداری می‌کنند؛

سوم: کودکی که خواهر و برادرانی داشته باشد، برای بسیاری کارها از آن‌ها کمک می‌گیرد و خود را با آنان مشغول می‌سازد و بنابراین از مشغله والدین کم می‌شود.

چهارم: تک‌فرزندان دارای خصائص بدی می‌شوند که در زندگی آینده آن‌ها نیز اثرگذار خواهد بود؛ مثل عدم استقلال و یا وابستگی بیش از حد به والدین و غیره.^۱

۱. برگرفته از: دهنوی، نسیم مهر.

۷. ایجاد محدودیت

این مانع که درواقع یک مانع فکری است، در ابعاد متفاوتی ممکن است رخ نشان دهد. به طور مثال زوجین در ابتدای ازدواج فکر می کنند اگر زود فرزند بیاورند روابط و یا شادی آن ها با مشکل مواجه می شود. یا زنان فکر می کنند با فرزند آوری و یا افزایش تعداد فرزندان آزادی و انجام کارهای فردی، همیشگی و موردعلاقه شان ازجمله شغل و درس از بین می رود. این موانع اغلب به خاطر نداشتن تجربه و آگاهی لازم ایجاد می شود.

۸. مشکلات عرفی

گاهی اوقات مسائلی در عرف یک جامعه گسترش می یابد و اصطلاحاً جا می افتد که نادرست است. درباره فرزند آوری هم چنین مسائلی وجود دارد که در برخی عوام به غلط جاافتاده و گاهی زوجین هراس این رادارند که اگر زود، پشت هم یا زیاد فرزند بیاورند مورد تمسخر و اذیت دیگران قرار بگیرند؛ به خصوص اگر خانواده یکی از طرفین چنین تفکراتی داشته باشد.

۹. ازدواج

یکی از محوری ترین و مهم ترین عللی که جلوی رشد فرزند آوری را گرفته، مشکلاتی است که باعث شده ازدواج صورت نگیرد. این مورد به تنهایی خود بسیار جای بحث و تأمل و پیگیری دارد، زیرا علاوه بر ایجاد خلل در مسئله مهم فرزند آوری، زیان های بسیاری برای افراد، خانواده و به تبع جامعه برجای می گذارد.

۱۰. ترس از زایمان و عواقب آن

یکی از مسائلی که پیش روی زنان است ترس از درد و مشکلات زایمان و همچنین آثار پس از آن مثل تغییر شکل اندام هست. این مشکلات تا حدی به طور حقیقی ایجاد می شود؛ اما بخشی از آن به علت عدم آگاهی کامل و درست از مراحل، نحوه، چگونگی و در یک کلام نداشتن آمادگی و مهارت کافی برای زایمان است و یا داشتن اطلاعات نادرست از افرادی که به طور خاص و در شرایط ویژه دچار مشکل شدند اما گفتنی است که بسیاری از آن ها قابل حل و درمان است. درباره ترس از زایمان در سنین بالا که به اشتباه در میان مردم جاافتاده که بارداری ایمن فقط بین ۲۰ تا ۳۵ سال است، باید گفت آنچه خداوند در بدن مادران قرار داده قطعاً مطابق توانایی و سلامت مادر و کودک است. فقط مادران باید مراقبت های ویژه از خود و کودک را بیاموزند و به کارگیرند.

۱۱. اجرای سیاست‌های نادرست

در سال ۱۳۶۷ نگرانی از افزایش انفجاری جمعیت و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن، مسئولان را واداشت سیاست‌های جلوگیری از مولید اتخاذ کنند. پس از پایان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و هم‌زمان با آغاز ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ سیاست کنترل جمعیت در ایران با شعار «دو بچه کافی است» و «فرزند کمتر، زندگی بهتر» از سر گرفته شد.^۱

این برنامه را اگر نتوان به‌طور کلی مردود دانست، باید گفت حداقل فقط در مقطعی از زمان می‌توانست درست باشد؛ اما تا زمان بسیار طولانی به درازا انجامید به‌طوری‌که رشته کنترل آن از دست رهبران رها شد. این سیاست‌ها در موارد اقتصادی مثل عدم تعلق کوپن معیشتی به خانواده‌های دارای بیش از سه فرزند و نیز عدم بیمه آن‌ها، درمانی، آموزشی، رسانه‌ای، تبلیغاتی پزشکی و غیره صورت گرفت؛ بنابراین در دوران حاضر که عدم فرزندآوری معضلات بسیاری برای کشور به وجود خواهد آورد، این سیاست‌ها باید به نحو احسن تغییر یابند.

۱۲. فرهنگ‌سازی غربی

دنیای غرب با سرکردگی کفار و یا یهودیان و مسیحیان منحرف‌شده از دین واقعی، همیشه دنبال به کرسی نشاندن افکار شیطانی خود در سطح جهان هستند و در این راه از هیچ وسیله‌ای ابا ندارند و نیز از بهترین و کارآمدترین روش‌ها بهره می‌برند. یکی از اهداف شوم آنان کاهش زادوولد در جهان به علت‌های گوناگون مثل کنترل بهتر مردم و بهره‌برداری بیشتر از منابع طبیعی است. این هدف در بین مسلمانان به‌خصوص ایرانیان بیشتر دنبال می‌شود. به‌طوری‌که با تبلیغات سوء غرب، فرزندآوری ضد ارزش و عدم فرزندآوری به ارزش تبدیل گشته است. در این دیدگاه حتی بهتر است تنهایی و حس پدری و مادری با حیوانات خانگی جبران شود اما فرزندآوری صورت نگیرد. علاوه بر تبلیغات رسانه‌ای و در فضای مجازی، در فضای حقیقی هم به نحوه‌های مختلف این هدف دنبال شده است.

۱. کنترل جمعیت: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

مثلاً محصولات خوراکی یا بهداشتی توزیع، صادر یا توصیه شدند که به‌مرور زمان توسط پزشکان و یا متخصصان ضد سلامت و به‌طور خاص ضد بارداری بوده است. متأسفانه بسیاری از این‌ها مورد پذیرش و اجرای مسئولین و مردم واقع شده است.

راه‌های برون‌رفت از موانع فرزند آوری

برای خروج از این بحران بزرگ، کارکرده بر روی یک بعد به‌طور مثال فرد یا اجرای سیاست‌های دولتی به‌تنهایی کافی نیست. در این‌گونه موارد نیاز به مشارکت و فعالیت همه‌جانبه از سوی مردم و مسئولین است. همان‌طور که اشاره خواهیم کرد برخی از راه‌حل‌ها به مردم و یا سازمان‌های مردم‌نهاد و برخی به مسئولین بازمی‌گردد. درواقع هر مسلمان ایرانی که سرنوشت کشور و آیینش برای وی مهم است، در این راه هر تلاشی می‌تواند انجام دهد نباید مضایقه نماید. در این مقاله به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اقتصادی

- اعطای وام و تسهیلات توسط بانک‌ها و ترجمان‌ها - حداقل برای زیرمجموعه‌های خودشان، جهت مقوله فرزند آوری و ازدواج.
 - قرار گرفتن درمان ناباروری در اولویت اول بیمه‌ها.
 - رایگان و یا حداقل ارزان شدن ویزیت، سونوگرافی و زایمان زنان در بیمارستان‌ها.
 - افزایش حقوق به ازای هر فرزند.
 - افزایش یارانه سرپرست خانوار به ازای هر فرزند.
 - اعطای بن معیشتی متناسب با تعداد فرزندان.
- در نظر گرفتن خدمات بیمه و پزشکی رایگان از چند فرزند به بالا - بنا به مصلحت - برای فرزندان و حتی والدین، جهت تشویق و تسهیل امر فرزند آوری و رفع یکی از نگرانی‌های خانواده‌ها که مانع از فرزند آوری می‌شود.

۲. فرهنگی

• تشکیل کارگروه تحقیقاتی متشکل از متخصصان مختلف برای تأیید یا رد سلامت محصولات خوراکی و بهداشتی ناظر بر مسئله فرزند آوری و نازایی، برای جلوگیری از تولید، واردات و یا حداقل اطلاع و آگاهی بخشی به عموم مردم جهت عدم استفاده، حداقل تا سنین امکان بارداری.

• از بین بردن ارزش کار زنان به واسطه پذیرفتن اکثر آنان در مشاغل رسمی و غیر ضروری دولتی و غیره. این امر نه تنها ظلم و بی عدالتی محسوب نمی شود بلکه متناسب کرامت و منزلت زن است. طبق آموزه های اسلامی، زن ریحانه است و نه قهرمان، بدان معنا که وظیفه سخت کار بیرون از منزل و تهیه معاش خانواده به عهده مردان است و زنان با این کارها از وظایف اصلی خود که تربیت نسلی متعالی است باز می مانند. احساس به وجود آمده برای اشتغال در زن یا بر اثر کمبودهایی است که متحمل شده که با آموزش صحیح به مردان از طرق مختلف و فرهنگ سازی حل می شود؛ و یا بر اثر چشم و هم چشمی ها است که در این صورت اگر جامعه ای یکدست داشته باشیم، چنین احساسات منفی ایجاد نخواهد شد. باید دقت داشت که این امور دفعی صورت پذیرفته و دفعی نیز از بین نمی رود و تلاش و جدیت می طلبد.

• شاید نیاز باشد آموزش دروسی که متناسب با زن نیست برای زنان برداشته شود تا نیاز کاذب به اشتغال متناسب با درسی که خوانده شده از بین برود.

• این که گفته شد مشاغل غیر ضروری، منظور مشاغلی است که فرقی نمی کند یک خانم آن را انجام دهد یا آقا، در غیر این صورت مشاغلی وجود دارد که بهتر است و یا حتی گاهی واجب و ضروری است که خانم ها آن را بر عهده گیرند مانند پزشکی و مشاغل وابسته آن، تدریس و نظامی.

• اما یک نکته مهم هم باقی می ماند و آن زنان بی سرپرست و سرپرست خانوار است. در این باره باید تدابیر ویژه اندیشیده شود تا در صورت ممکن اشتغال رسمی از سوی این بانوان انجام نگیرد؛ مثلاً وام های تأسیس مشاغل خانگی به آنان تعلق پذیرد.

• حداقلی ترین شرط موارد ذکر شده این است که در سنینی که زنان می توانند باردار شوند و مشغول تربیت فرزند هستند، به کار گرفته نشوند.

• به طور مثال در یک تحقیق آمده است: «تفکیک شاغلان اضافه شده بر حسب جنسیت نشان می دهد که از مجموع ۶/۷۹۰ هزار شغل ایجاد شده در سال

۱۳۹۶، تعداد ۲/۴۷۶ هزار شغل به موجودی اشتغال مردان و ۳/۳۱۴ هزار شغل به موجودی اشتغال زنان اضافه شده است. با اضافه شدن موجودی اشتغال زنان در سه سال اخیر، سهم اشتغال زنان از کل شاغلان کشور از ۵/۱۴ درصد در سال ۱۳۹۳ به ۹/۱۷ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است؛ پس می‌توان گفت تحولات بازار کار در سه سال اخیر به نفع اشتغال زنان بوده است.^۱

• بنابراین رعایت این نکات می‌تواند فرصت‌های شغلی بسیاری برای مردانی که در اصل باید سرپرست خانواده باشند و اکنون در فقر به سر می‌برند فراهم آورد.

• به‌کارگیری و ابلاغ دستورالعمل‌هایی توسط وزارت بهداشت برای پزشکان و ماماها جهت همکاری هرچه بیشتر و بهتر در راستای فرزند آوری، چه به‌صورت روانی و چه به‌صورت حقیقی؛ و نیز در صورت لزوم تشکیل کارگروهی برای تولید محتوای لازم در این زمینه و پخش آن بین این قشر مهم و مؤثر.

• ایجاد ستاد ملی فرزند آوری برای اندیشیدن، تولید و نشر هر آنچه برای افزایش فرزند آوری و جلوگیری از پیر شدن جمعیت لازم است.

• فرهنگ‌سازی از طریق وسیله‌ی بسیار مؤثر صداوسیما، برای تبیین اهمیت و ضرورت فرزند آوری و نیز اطلاع‌رسانی درباره خدماتی که برای آن در کشور ارائه می‌شود، با همکاری سایر نهادها؛ همواره شاهد آن بوده‌ایم که آنچه از طریق این رسانه در معرض استفاده عموم قرار گرفته در ایجاد تغییر نگرش و رفتار آحاد جامعه اثرگذار بوده است، بنابراین ساخت فیلم، مستند، ارائه اخبار از وضعیت کشور در این زمینه، ساخت تیزرهای تبلیغاتی و غیره می‌تواند اثرگذار خوبی برای تغییر نگرش‌های اشتباه باشد. برای شاهد اثرگذاری می‌توان به موضوع نام‌گذاری اشاره کرد؛ پس از پخش سریالی بانام «ستایش» فراوانی این نام به رده سوم اسامی در سال ۱۳۹۰ رسید.^۲

• ایجاد یک‌نهاد یا گروه توسط طلاب علوم دینی برای تتبع و گردآوری هر آنچه در این مسیر موردنیاز مردم جامعه است؛ مثلاً استخراج عوامل تقویت اعتقادات مردم درباره رزاق خداوند؛ یا استخراج یک روش تربیت دینی واحد مانند علم فقه که به‌طور جداگانه به مسئله فرزند آوری و تربیت فرزند و سایر موضوعات وابسته پیردازد؛ به‌گونه‌ای که تشویش‌ها و سردرگمی مردم برای رجوع به یک منبع دینی استخراج‌شده

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۶، ص ۲۲.

از آیات و روایات را خاتمه دهد و آرامشی در این زمینه میانشان گسترش یابد؛ و یا پرداختن به مبحث سقط و بروت آن به صورت ویژه و غیره.

• دستور کار قرار گرفتن گسترش مباحث فرزند آوری و منافع دنیوی و اخروی آن در نهادهایی مثل نماز جمعه و ائمه جماعات سراسر کشور. برخی از سازمان‌های مؤثر وجود دارند که با آموزش یا ابلاغ تأکید بر روی مسئله فرزند آوری می‌توان به‌طور غیرمستقیم از طریق آنان بر روی اعتقادات مردم کارکرد؛ که از جمله، دو نهاد مزبور هست.

• بهره‌مندی از فرصت‌های موجود در شهرداری برای فرهنگ‌سازی مثل برنوشته‌های تبلیغاتی، دیوار نگاشت‌ها، فضا‌های فرهنگی و حتی تفریحی و غیره.

• ایجاد فرصت‌های علمی مطالعاتی مختلف توسط وزارت مربوطه؛ مثلاً فراخوان جذب و انتشار کتاب و مقاله در موضوعات مربوطه.

• پررنگ کردن روز ملی جمعیت و ایجاد یک فرهنگ عمومی به‌واسطه ایجاد شادمانی‌ها یا اعطای جوایز و یا تسهیلات به فرزندآوران برتر و مواردی از این دست برای ماندگار شدن اهمیت این قضیه در اذهان.

• گسترش هم‌دلی و مواسات از طریق فرهنگ‌سازی در ابعاد مختلف؛ در این طرح مردم به مشکلات مادی و معنوی هم به‌خاطر انسانیت و وظیفه برادری کمک می‌کنند؛ بنابراین بسیاری از موانع فرزند آوری حل خواهد شد.

۳. نظارتی

• جلوگیری از پخش قانونی و آزاد قرص‌ها و وسایل ضدبارداری و نیز نظارت بر انجام عمل‌های بستن و جلوگیری کننده از بارداری. خیلی از اوقات جلوگیری از بارداری به گفته علم تجربی باعث ناباروری می‌شود. پروسه درمان ناباروری هم طولانی است و هم پیچیدگی‌های خود را دارد و این‌طور نیست که با خوردن مثلاً یک قرص درمان شود، لذا گاهی اگر والدین نازا باشند یا مشکل در بارداری داشته باشند و بارداری را به تعویق بی‌اندازند و دیر متوجه مشکل خود شوند، درمان سخت یا غیرممکن خواهد شد. مراجع تقلید هم چنین جلوگیری‌هایی را دارای اشکال می‌دانند:

• «... جلوگیری از باردارشدن «ذاتاً» از نظر اسلام کار خوبی نیست - مگر در مواقعی که به‌راستی مشکلات اجتماعی و تربیتی به وجود آید - ... در حقیقت اسلام راه را برای مسلمانان باز گذاشته است که اگر ضرورتی ایجاب کند که از باردارشدن زن جلوگیری شود - مانند ضعف و ناتوانی زن و یا مشکلات دیگر - مسلمانان بتوانند

از این قانون استفاده کنند و از آن جلوگیری به عمل آورند. ولی باید توجه داشت که این‌ها همه در صورتی است که نطفه منعقد نشده باشد، ولی اگر نطفه منعقد شود سقط کردن آن مسلماً حرام است؛ یعنی پس از انعقاد نطفه در رحم - حتی اگر نطفه یک‌روزه باشد - ساقط کردن آن مطلقاً ممنوع است»^۱.

• اهتمام و نظارت جدی بر زایمان‌ها از جهت طبیعی و یا سزارین، چراکه سزارین عوارضی دارد که مادر گاهی نمی‌تواند، پس از یک یا چند سزارین، دیگر زایمان کند و یا همراه سختی بسیار است. در این مورد باید پزشکان هم از لحاظ قانونی آزاد و هم از جهت اخلاقی و ضرورت روز کشور توجیه باشند تا هر آنچه واقعاً برای سلامت مادر و کودک لازم است صادر کنند و بهانه‌های واهی یا کم‌اهمیت را کنار بگذارند. یک قسمت از مبحث هم مرتبط با مادران باردار است که باید آگاهی و امکانات لازم برای ایجاد مقدمات زایمان طبیعی و نیز گرفتن تصمیم درست در شرایط ویژه را داشته باشند. ایجاد کارگاه‌های آموزشی بارداری و مراکز تخصصی بارداری و زایمان می‌تواند بار بزرگی از دوش خانواده‌ها و حتی پزشکان و ماماها بردارد.

• تشکیل کارگروه نظارتی از سوی قوه قضائیه برای برخورد با متخلفین این موضوعات به صورت جدی، خاص و ویژه.

• بررسی و نظارت بر مسئله اجاره‌نشینی و هزینه‌ها از سوی مسئولین و رعایت هرچه بیشتر آن از سوی مردم.

۴. تسهیلاتی

• ایجاد بیمارستان‌های مخصوص در هر استان و یا اختصاص یکی از

بیمارستان‌های هر استان به مقوله فرزند آوری و نازایی با ارائه این خدمات تا حد ممکن به صورت رایگان و یا حداقل ارزان.

• حمایت بیشتر از کارآفرینی برای افزایش مشاغل و بر سرکار رفتن عده افرادی که بی‌کاری و عدم درآمد کافی مانع فرزند آوری آنان شده است.

• ایجاد مراکز تخصصی مشاوره و درمان روان‌پزشکی و روان‌شناسی رایگان یا ارزان و در دسترس برای رفع آن دسته از مشکلات که به روح و روان آدمی وابسته است. مثل مشکلات آمیزشی، دعوای خانوادگی نگرانی‌های تربیتی.

۱. مکارم و سبحانی، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، ص ۳۸۳.

• ایجاد یک سازمان برای ازدواج آسان که مطمئن و کارآمد باشد، جهت تسهیل ازدواج برای خانواده‌های مختلف از جمله کم بضاعتان.
• در نظر گرفتن عفو و بخشش جرائم با اولویت بالا برای آن دسته از افرادی که دارای فرزندان بیشتر هستند.

• همکاری با سپاه و بسیج برای فرهنگ‌سازی و ارائه خدمات.
• ایجاد مراکز محلی نگهداری از کودک و همکاری با مادر؛ یکی از دغدغه‌های هر مادری آن است که به امور روزمره، اجتماعی و متعالی خود برسد، اگر مراکز ایجاد شود که زنان در آنجا به همکاری باهم در اداره امور بپردازند، بسیاری از دغدغه‌ها حل خواهد شد. محلی بودن مراکز بدین جهت است که افراد بتوانند روی هم شناخت داشته باشند و کودکان با آن محل و افراد آخت داشته باشند تا اگر نیاز باشد مثلاً یک ساعت از روزبه آنجا بروند ممکن باشد. مثل طرح مادران شریف^۱.

۵. تقنینی

• حذف قوانین نادرستی که منجر به سقط جنین می‌شود مثلاً اجرای آزمایش غربالگری جز در موارد نادری که به تشخیص پزشک ضرورت جانی ایجاد می‌کند انجام نگردد چراکه نتیجه آن اگر سالم بودن بچه باشد هزینه اضافی است و اگر بیمار بودن بچه باشد دستور به سقط داده می‌شود که انجام این‌ها نادرست و حرام شرعی است. گفتنی است پزشکان در پاسخ به این سؤال که چرا این آزمودن را برای همه بیماران پیشنهاد می‌کنید می‌گویند قوانین ما را مجبور به این کار کرده است.

• ارائه فرصت بیشتر برای مرخصی به زنان در شرایط بارداری، زایمان و شیردهی در مراکز آموزشی و نیز ادارات کشور می‌تواند آسایش خاطر را برای زنان جهت فرزندآوری رقم بزند.

• ایجاد کتاب درسی یا یک واحد درسی برای سنین مختلف متناسب باسن آن‌ها برای پذیرش اصل قضیه مادری و پدری، مسئولیت‌پذیری و مهارت بخشی در اداره زندگی و تربیت فرزند، با توجه به اصول و عقاید بومی، دینی و فرهنگی ایران اسلامی.

نتیجه گیری

کاهش فرزند آوری و پیر شدن جمعیت مضرات فراوانی برای کشور و شیعه به دنبال دارد؛ چندین سال است که نرخ رشد فرزند آوری در ایران اسلامی کاهش شدید داشته است. پس از دانستن این مطالب، مقاله حاضر بران شد، جهت جلوگیری از ایجاد بحران در میهن اسلامی، ایران، به بررسی موانع فرزند آوری پرداخته و راهکارهایی برای آن پیشنهاد دهد.

۱۲ مانع در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، جسمی، روانی، فکری و فرهنگی ذکر شد؛ که به ترتیب موضوع، موارد زیر را شامل می شود:

سیاست گذاری نادرست مبنی بر کاهش جمعیت در سال ۱۳۶۸، مشکلات مالی، حقوقی و شغلی، عدم سهولت در ازدواج، معضلات نازایی، سقط و آمیزش، اختلافات خانوادگی و نگرانی درباره تربیت فرزند، ترس از محدودیت، زایمان و تحقیر و در نهایت قرار گرفتن در معرض فرهنگ سازی های غربی.

۳۲ راه حل برای موارد ذکر شده بیان شد؛ بخش اقتصادی: اعطای وام و بن، بیمه ناباروری، ویزیت و بیمه رایگان، افزایش حقوق و یارانه. بخش فرهنگی: تشکیل ستاد ملی، کارگروه تحقیقاتی و گروه اعتقادی طلاب، کاهش ارزش کار زنان، توجیه کادر پزشکی، فرهنگ سازی از طریق رسانه، شهرداری، ائمه جماعات و جمعه، جذب تألیفات علمی کاربردی و گسترش موسسات. بخش نظارتی: نظارت بر پخش وسایل و عمل های ضدبارداری، نظارت و تدبیر بر سزارین، نظارت بر اجاره ها و نظارت همه جانبه از طریق قوه قضائیه. بخش تسهیلاتی: ایجاد بیمارستان، مراکز روانشناسی، سازمان ازدواج و مراکز همکاری با مادر، حمایت از کارآفرینی، عفو زندانیان با تعداد فرزند بالا، همکاری با سپاه. بخش تقنینی: حذف قوانین نادرست سقط، افزودن مرخصی زنان، تألیف کتب درسی همسو.

در پایان مشخص می شود که هرچند بحرانی با پیچیدگی موانع بر سر راه ایران اسلامی قرار دارد، اما با همکاری مسئولین و مردم می توان از طرق متعدد به آسانی اما با صبر و تلاش مشکلات را حل نمود.

قطعاً موفقیت در این زمینه نیازمند کار تخصصی بیشتر و آمارگیری های دقیق تر هست و هنوز راه حل های گوناگونی وجود دارد که قابل طرح و بررسی است که از عهده این نوشتار خارج است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند و مکارم.
۲. ارض روم چیلر، ابعاد گوناگون فقر در ایران، [/https://www.sid.ir](https://www.sid.ir).
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۶، <https://www.cbi.ir>.
۴. خامنه‌ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات، تهران: پنجاه و پنجم، ۱۳۸۸ هـ-ش.
۵. دهنوی، حسین، نسیم مهر، قم: خادم الرضا، یک‌صد و چهاردهم، ۱۳۹۶ هـ-ش.
۶. روزنامه جام جم، دوشنبه ۹ دی ۱۳۸۷، شماره ۲۴۶۴.
۷. فرهنگ فارسی عمید.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ هـ-ق.
۹. مرکز آمار ایران، بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی، <https://www.amar.org.ir>.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و سبحانی، جعفر، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۱ هـ-ش.
۱۱. ولدی عباسی، محسن، ایران جوان بمان، قم: آیین فطرت، اول، ۱۳۹۶ هـ-ش.
۱۲. <https://faradeed.ir>
۱۳. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۴. <https://fa.wikipedia.org>
۱۵. <https://ravazadeh.com>
۱۶. <https://sabteahval.ir>
۱۷. <https://yjc.ir>

آسیب‌شناسی عدم محبت به فرزندان

نجمه ادیبی لاریجانی^۱

چکیده

یکی از نیازهای مهم کودک، احساس امنیت عاطفی است که از طریق محبت کردن به کودک و تأیید او حاصل می‌شود. کودک باید احساس کند که پدر و مادر و اطرافیان او را صمیمانه دوست دارند و او را به عنوان یک فرد تأیید می‌کنند. او در صورتی می‌تواند نگرشی مثبت و پایدار نسبت به زندگی داشته باشد که محبت و تأیید پایدار و یکنواختی از طرف خانواده دریافت کند؛ بنابراین پدر و مادر و سایر اعضای خانواده، باید مراقب باشند این نیاز کودک را برآورده سازند و با بذل محبت به کودک، امنیت روانی و نیاز عاطفی او را برطرف سازند. عدم رفع نیازهای طبیعی کودک آسیب‌های روحی و روانی زیادی به همراه دارد. از راه‌های جلوگیری از آسیب‌های عدم محبت به فرزندان شناخت علل این آسیب‌ها، عوارض و مشکلاتی است که در زمینه‌های مختلف برای فرزندان ایجاد می‌شود. هدف این مقاله بررسی تأثیر خانواده‌ها در تربیت کودکان و نقش آن‌ها در محبت به فرزندان و پیشگیری از عدم محبت و عوارض ناشی از آن هست. در این زمینه به نقش خانواده در محبت به فرزند و توصیه به محبت در تربیت فرزند در اسلام و علم روانشناسی پرداخته شده است. در برخی از یافته‌های این بررسی بر محبت در تمام مراحل رشد خصوصاً کودکی تأکید شده و محبت به عنوان عامل رشد عاطفی و عزت نفس فرزندان بیان شده و عدم محبت عامل مشکلات جسمی، روانی، اجتماعی و کاهش عزت نفس مطرح شده است. والدینی که خود رشد عاطفی مناسبی داشته و بینشان صمیمیت و محبت بوده، فرزندان‌شان را با روش صحیح تربیت کرده و این فرزندان در زمینه‌های تحصیلی، اخلاقی، رفتاری آسیب ندیدند و همچنین به راه‌های پیشگیری از ایجاد چنین آسیب‌هایی به روش توصیفی - تحلیلی؛ به شیوه کتابخانه‌ای پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، عدم محبت، خانواده، فرزندان

۱. دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت آئمه (علیهم‌السلام) : anvarishayan@gmail.com



اهمیت و ضرورت تربیت آدمی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. نخستین و مهم‌ترین دوران تربیت در کودکی هست به همین دلیل است که در اسلام توصیه‌های متعددی در زمینه تربیت فرزند صورت گرفته است. یکی از موارد مهم در تربیت کودک، مسئله تربیت عاطفی و محبت به فرزندان هست. به دلیل اهمیت زیاد تربیت فرزند و نقش محبت در زمینه سازی تربیت در اسلام به این امر تأکید فراوان شده و پاداش‌های بی‌شماری برای محبت به فرزند مطرح شده است که در این باره آیات و روایات متعددی وجود دارد. با توجه به توصیه‌های صورت گرفته در مورد محبت به فرزند، سؤال اصلی این است که عدم محبت به فرزند سبب به وجود آمدن چه آسیب‌هایی می‌گردد راه‌های پیشگیری از این آسیب‌ها چیست؟

عدم محبت از طرف خانواده‌ها موضوع مهمی است که ذهن روانشناسان و مسئولان تربیتی را به خود مشغول کرده است زیرا خانواده یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین کانون تأمین این نیاز و از عوامل تأثیرگذار محیطی در تربیت فرزندان هست و تعالی خانواده، تکامل انسان موحد را به همراه دارد، بنابراین ایجاد خانواده‌ای که کانون محبت بوده و آگاه به روش‌های صحیح تربیتی باشد بسیار اثرگذار است. در دنیای کنونی که هجمه‌های شدیدی علیه کانون خانواده در جهت فروپاشی این کانون حیاتی صورت می‌گیرد و همچنین انحرافات که در جنبه‌های مختلف در تمام سنین در فرزندان به چشم می‌خورد، مسئولین تربیتی را برای مقابله با این هجمه‌ها برانگیخته است.

کتاب‌ها و مقالات تربیتی متعددی در زمینه ی محبت در تربیت فرزند نگاشته شده است از جمله مقاله بررسی رابطه عوامل پیش‌بینی کننده خطر و اختلال‌های عاطفی رفتاری جوانان توسط خانم‌ها مریم وفایی و مریم روشن نوشته شده است ولی این مقاله به صورت وسیع‌تر و کاربردی به بررسی جایگاه و اهمیت خانواده، اهمیت محبت از نظر اسلام و از نظر روانشناسان، رعایت اعتدال در تمام زمینه‌های تربیتی و محبت و ایجاد عزت نفس و عوارض ناشی از عدم محبت در جنبه‌های جسمی، روانی، رفتار و اخلاق، عاطفی، اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، آسیب‌های اجتماعی مانند بزهکاری پرداخته است و در پایان، راه‌های پیشگیری مانند اصلاح کانون خانواده از طریق اصلاح روابط زوجین آموزش روش‌های صحیح تربیتی به والدین و معرفی بهترین روش تربیتی بر اساس مبانی اسلام و روانشناسی مطرح شده است.

جایگاه فرزند در اسلام

پیامبر بزرگوار اسلام به ابن عباس فرمود: ای ابن عباس خانه‌ای که در آن کودکی نباشد خیر و برکت ندارد.^۱ همچنین سکونی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند: مهر ورزیدن به فرزندان راه دستیابی به درجات بهشت است.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: فرزندان خود را ببوسید زیرا هر بوسه‌ای که به فرزندان می‌زنید یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است.^۳

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که فرزند عطیه و موهبتی الهی است و نعمتی است که خود، منشأ نعمت‌های بی‌شمار دیگر است. وجود فرزند در خانه فضای آن را از خیر و برکت و مهر و مودت لبریز می‌کند. رابطه معنوی والهی والدین و فرزندان، هر دو را از نعمت‌ها و رحمت‌های واسعه ربوبی بهره‌مند می‌گرداند. داشتن فرزند صالح آرزویی است که حتی پیران فاقد فرزند هم آن را در سر می‌پروراند همچنان که حضرت ابراهیم علیه السلام در سن ۹۰ سالگی از خدای متعال طلب فرزند نمود و دعایش به استجاب رسید، آری فرزند پاره تن والدین و گلی از گل‌های بهشت است که در خانه آن‌ها روییده مایه بخشودگی در درگاه الهی و مفتوح ماندن نامه اعمال نیک و سبب برداشته شدن عذاب‌های برزخی از آن‌ها در عالم قبر است، با چنین نگرشی به فرزندان چگونه می‌توان نسبت به شخصیت و نیازهای آن‌ها و تربیت و شکوفایی استعدادهایشان غفلت و کوتاهی و سستی و سهل‌انگاری نمود؟

روایات گذشته پدران و مادران را بر آن می‌دارد که در باب پرورش فرزند احساس وظیفه کنند، وظیفه‌ای سنگین و مسئولیتی بزرگ که هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت و نسبت به آن کوتاهی نمود.^۴ در حقیقت این والدین هستند که با تربیت صحیح شالوده زندگی بچه‌هایشان را بنا می‌نهند و سرنوشت آنان را رقم می‌زنند. اهتمام و عنایت هر چه بیشتر والدین به امور فرزندان آثار سودمند و پربرکتی در زندگی دنیا و سرنوشت اخروی هر دو پدید خواهد آورد و کوتاهی در آن آثار تباہ‌کننده‌ای در پی خواهد داشت.^۵

۱. کنز الامال، جلد ۱۶، ص ۲۸۱.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۴. محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۴.

۵. محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۶.

نقش خانواده در تربیت

یکی از عناصر اساسی شکل‌گیری هر جامعه خانواده است اگرچه تحولات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر تأثیرات بی‌شماری بر عملکرد خانواده ایجاد کرده و کار به جایی رسیده که برخی کشورهای پیشرفته صنعتی برداشت‌های جدیدی از مفهوم خانواده پیدا کرده و رسانه‌های جمعی به این برداشت‌ها دامن زده‌اند اما اکثر مردم بر ضرورت وجود خانواده طبیعی به عنوان نهاد اساسی زندگی اجتماعی انسان تأکید می‌کنند. خانواده از عوامل اثرگذار محیطی در تربیت فرزندان است، روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و سازگاری فرزندان با شرایط مختلف اجتماعی مؤثر است.^۱

اهمیت دوران کودکی در بنیان‌گذاری شخصیت انسان و همراهی و حضور کودک در خانواده، نقش تربیتی خانواده را در میان دیگر نهادهای تربیتی به نقشی بی‌بدیل تبدیل کرده است. تا پیش از بلوغ در مجموع بیشتر این بخش عمر فرزندان در کانون خانواده و تحت نظارت آنان سپری می‌شود، روانشناسان و جامعه‌شناسان بر این اعتقاد هستند که ریشه بسیاری از انحراف‌های شخصیتی و اجتماعی فرزندان را باید در روش مای تربیتی والدین با فرزندان جستجو کرد.

اهمیت روش‌های تربیتی والدین در حدی است که می‌تواند رشد روانی فرزندان را در زمینه‌های مختلف تضمین نماید و یا بالعکس زمینه‌ساز انواع اختلالات روانی و ناهنجاری‌های فرزندان و معضلات اجتماعی شود. یکی از عوامل ایجاد مشکلات عدم آگاهی والدین نسبت به روش‌های مطلوب تربیتی و ایجاد ارتباط با فرزندان است، این عدم آگاهی به شکل اختلال در روش مای تربیتی والدین به صورت کنترل‌های افراطی محبت یا به تعبیر دیگر عدم محبت متجلی می‌شود^۲، از این رو مطالعه عملکرد خانواده یکی از موضوعات مهم و حساس است که بازنگری تمام افراد و سرنوشت آنان ارتباط تنگاتنگ دارد و هرگز نمی‌توان آن را در ردیف قضایای دست‌دوم قرارداد که در پیشرفت جامعه نقش نداشته باشد چراکه خانواده به عنوان هسته نخستین تشکیل ساختمان جامعه به شمار می‌رود.

۱. مریم وفایی، مریم روشن، بررسی رابطه عوامل پیش‌بینی‌کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی‌ها و اختلال عاطفی- رفتاری نوجوانان، ص ۳.

۲. معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، ج ۲.

خانواده به عنوان یک کانون و مهم ترین کانون تربیتی مرکب از مؤلفه هایی است که یکی از این مؤلفه ها روش های تربیتی والدین یا به عبارتی روش های مطلوب و نامطلوب والدین در برخورد با فرزندان است که نقش مهم و قابل توجهی بر رشد روانی و یا بالعکس ایجاد اختلال روانی ایفا می کند^۱، به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیازهای اساسی جسمی و روانی مانند نیازهای عاطفی ارضاء نشود به احتمال فراوان در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست می زند^۲.

خانواده نخستین مدرسه فضیلت است و با وجود مسموم شدن روزافزون فرهنگ ها در جوامع گوناگون والدین هنوز هم افراد قدرتمندی هستند که می توانند در رشد فرزندان تأثیرات عمیقی بگذارند^۳، ابعاد گوناگون اختلال های عاطفی - رفتاری کودکان سبب شده که دیدگاه ها و پژوهش های علمی زیادی در این باره متمرکز گردند، کودکانی که در معرض خطر مشکلات رفتاری، سازگاری و عاطفی هستند درصد زیادی از جوانان امروز را تشکیل می دهند^۴.

از سال ۱۳۷۴ مطالعه در مورد اختلالات عاطفی - رفتاری کودکان و جوانان بیشتر شده و مطالعات نشان داده که مداخلات خانوادگی در این زمینه مؤثرتر از مداخلات و درمان های فردی است که این امر دال بر شکل گیری هسته این مشکلات در خانواده هست. عوامل خطرزای خانوادگی آسیب پذیری کودک را در برابر اختلال های عاطفی - رفتاری ایجاد می کند و آسیب پذیری به نوبه خود استعداد کودک را در بروز پیامدهای منفی تحت شرایط پرخطر را توصیف می کند^۵. از این رو اسلام که یک دین اجتماعی است و به تمام جوانب زندگی بشر پرداخته در این زمینه نیز پیش قدم بوده، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در تعالیمی که برای نجات بشریت داشته اند به این جنبه مهم و حیاتی که تربیت فرزند و محبت به فرزند هست پرداخته اند.

۱. علی قائمی، خانواده و نیازمندی های کودکان، ص ۱۲۰.

۲. فردوس میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.

۳. معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

۴. مریم وفایی، مریم روشن. بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی - رفتاری نوجوانان، ص ۳.

۵. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۱۴.

از نظر اسلام خانواده اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است زیرا تشکیل خانواده سبب ادامه نسل، برقراری آرامش و تأمین نیازهای بشری هست، تعالی خانواده، تکامل انسان موحد را به همراه دارد، از این رو است که در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده: بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده که نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج باشد.^۱

محبت

یکی از موارد مورد توجه در تربیت فرزند توجه به نیازهای عاطفی فرزندان است، بی‌شک یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی نیاز به محبت است به گونه‌ای که اگر این نیاز برآورده شود کودک تا حد بسیاری در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده آن را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد، از این رو اسلام که دین اجتماعی است و به تمامی جوانب زندگی بشر پرداخته در این زمینه نیز به اهمیت و جایگاه محبت به فرزندان پرداخته است.

به نظر بسیاری از دانشمندان کمبود محبت منشأ بسیاری از عقده‌های روانی می‌شود به همین سبب در مکتب تربیتی اسلام به عامل تربیتی محبت تأکید بسیار زیادی شده است، در برخی روایات آن قدر روی اهمیت آن تأکید شده که محبت را مساوی دین معرفی کرده‌اند،^۲ سیره عملی پیامبر و معصومین علیهم السلام نشان می‌دهد که توجه ویژه و مهرورزی و محبت به کودکان داشته‌اند و این توجه نه تنها به کودکان خود، اصحاب و مسلمانان بوده حتی به کودکان غیرمسلمان نیز محبت داشته‌اند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله مرا در کودکی بر دامن خود می‌نشاند، به سینه خود می‌چسباند و در بستر خویش در کنار خود می‌خواباند، بدنش را به بدن من تماس می‌داد و بوی خویش را به مشام من می‌رساند.^۳

سیره تمامی ائمه در برخورد با فرزندان حاکی از اهمیت محبت به فرزندان هست. این گونه رفتار پیامبر و اهل بیت ناظر به اصل تربیتی محبت ورزی به کودک به طور عام است. مالک می‌گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دیدار انصار می‌رفت و بر کودکان آن‌ها سلام می‌کرد و دست‌برسر آن‌ها می‌کشید و برای آن‌ها دعا می‌کرد.^۴

۱. مجلسی، بحار الانوار، جلد ۴۳، ص ۵.

۲. همان

۳. معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

۴. سیدعلی حسینی زاده، تربیت فرزند.

بنابراین محبت پیامبر تنها اختصاص به فرزندان معصوم خود نداشته تا بگوییم این محبت برای هدایت امت و بیان شأن و منزلت آنها بوده و حاکی از این مطلب است که انسان موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند به صورت فردی و بدون توجه به نیازهای زیستی و روانی مثل نیاز به محبت به حیات خود ادامه دهد^۱ از سوی دیگر محبت کافی به کودک موجب رشد کافی جسمی، روحی و روانی او شده و قابلیت‌های بسیاری را در کودک ایجاد خواهد کرد. متخصصان روانشناسی بر محبت کردن به فرزندان تأکید می‌کنند و محبت را از مؤلفه‌های اصلی و ضروری برای تربیت موفقیت‌آمیز و صحیح می‌دانند. اشتاین رگ می‌گوید هر قدر به فرزندان محبت کنید زیاد نیست. او در تبیین این اصل بر محبت خالصانه تأکید می‌کند و معتقد است لوس شدن کودک نتیجه ابراز محبت زیاد نیست بلکه ناشی از دادن چیزهای دیگر به جای محبت به اوست مثل چشم‌پوشی از خطا، دادن چیزهای جورواجور و مورد توقع کودک^۲.

فقدان محبت و حتی کمبود محبت علاوه بر اینکه مانع رشد و پیشرفت انسان می‌شود عوارض زیان‌بار روحی، روانی و جسمی را به دنبال دارد. محبت را باید از دل به زبان و عمل آورد تا کودک آن را با تمام وجود لمس کند. یکی از راه‌های عملی محبت تکریم فرزندان و شخصیت دادن به آنان است.

رعایت اعتدال در محبت

رفتارها و عملکردهای تربیتی در صورتی به ما کمک می‌رساند که تابع اعتدال باشد. تربیت خردمندانه تربیتی است که مبتنی بر حفظ اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در همه امور باشد^۳، چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: نادان را نبینید جز اینکه کاری کند که آن کار را از اندازه فراتر کشانده و یا بد آنجا که باید نرساند.

در تربیت اندازه شناختن امری دشوار است و جز با خرد ورزی در تربیت نمی‌توان اندازه‌ها را دریافت. بهترین نظام تربیتی نظامی است معتدل که در آن نه امید بیش از اندازه و نه بیم بیش از اندازه حاکم باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: بهترین کارها اعتدال امید و بیم است. در اینکه اعتدال راهی ستوده است جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست، سیرت و سنت ائمه اطهار (ع) بر اعتدال بوده چنانکه حضرت علی (ع) درباره این راه و رسم

۱. سیدحسین اسحاقی، سلوک علوی.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۳. سیدحسین اسحاقی، سلوک علوی.

می‌فرمایند: راه و روش ما میانه‌روی است.^۱ استفاده از محبت مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی است. محبت جاذبه می‌آفریند و انگیزه خلق می‌کند، انسان‌های پرتلاطم و مضطرب را آرامش می‌بخشد و فرزندان نابهنجار و ناسازگار را رام می‌کند، محبت شیوه‌ای است که به مرحله‌ای خاص از تربیت اختصاص ندارد اما کودکان و نونهالان بیشتر به آن نیازمندند. اگر انسان به‌ویژه در کودکی از محبت سیراب نشود در بزرگسالی معمولاً با ناهنجاری‌هایی مواجه می‌شود.^۲ گروهی از روانشناسان مانند با مریند برک و جان بزرگی فرزند پروری مقتدرانه را بهترین سبک فرزند پروری می‌دانند، فرزند پروری مسئولانه و مقتدرانه مناسب‌ترین روش برای تربیت فرزندان است، این فرزند پروری در دو بعد کنترل و محبت متعادل و به‌دور از افراط و تفریط است.^۳

تکریم و شخصیت کودکان

علاوه بر نیازهای روانی که پایه ارتباط و رفتار اجتماعی ما قرار می‌گیرند عوامل دیگری نیز وجود دارند که بر رفتار اجتماعی ما اثر می‌گذارد و از رفتار اجتماعی دیگران نیز تأثیر می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین این عوامل به‌ویژه در دوره کودکی و ابتدایی احساس کفایت و عزت نفس است.^۴ هرکدام از ما تصویری از خود دارد، به این تصور خودپنداری یا مفهوم خود گفته می‌شود. علاوه بر خودپنداری ما مفهوم دیگری را نیز در ذهن داریم و آن عبارت است از خود ایده آل یا آرمانی و آن تصویری از خودمان است که می‌خواهیم باشیم. وجود خود ایده آل نشانگر آن است که ما پیوسته نوعی نارضایتی از وضعیت موجود داریم و مایلیم آن را تغییر داده و به وضعیت بهتری برسیم، فرد فاقد کفایت احساس حقارت می‌کند و خود را کوچک شمرده و فاقد توانایی غلبه بر مشکلات می‌داند.

۱. فردوسی میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.

۲. استادان طرح جامعه آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی.

۳. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

۴. همان

عزت نفس و احساس کرامت خو پنداره مثبت است و به شکلی بارز از نوع واکنش محیط نسبت به انسان ناشی می شود. در محیط خانوادگی که به تربیت و محبت کودک اهمیت داده می شود به کودکان به عنوان یک موجود باارزش و الهی می نگرند و او را دارای توانایی هایی بی حد و حصر می شناسند و توجه دارند که خداوند متعال برای وجود این کودک تا چه حد ارزش قائل است و با او به گونه ای رفتار می کنند که احساس کند فردی عزیز و کریم است ولی محیطی که از کودک چنین تصویری را ندارند او را لایق بدترین تنبیه ها و روش های تأدیبی می دانند و به او تصویری منفی از خودش ارائه می کنند و او را از داشتن عزت نفس و کرامت دور می دارند. عزت نفس را نباید با خودبزرگ بینی یکی دانست، کفایت و کرامت نفس موجب می شود که انسان از جهات بسیاری متعادل باشد و بر اساس ارزش ها و اصول انسانی عمل کند.^۱

حضرت علی علیه السلام می فرماید: آنکه دارای کرامت نفس است امیالش برای او پست خواهند شد ولی کسی که شخصیتش برای وی کم ارزش است از شر او در امان مباش.^۲

توصیه های القای کرامت نفس

هرگز شخصیت کودک را خرد نشمردید، کودک به ظاهر خرد امروز، احتمال دارد بزرگ قوم خویش در فردا باشد لذا باید با احترام و محبت با کودکانمان برخورد کنیم. با عمل نادرست کودک در حد همان عمل برخورد کنید مبدا که شخصیت و انسانیت کودک را به خاطر یک عمل نادرست قربانی کنید. کودک را متوجه توانایی هایش کنیم و به او بگوییم که انسان هر قدر ناتوان باشد باز هم می تواند به اوج افتخارات دسترسی پیدا کند، چه بسیار افراد معلولی که در رشته های مختلف ورزشی و علمی قهرمان شده اند. فرزندانمان را پیوسته بر آنچه دارند متوجه کنیم نه آنچه ندارند.

کودک را تنبیه کنیم نه تحقیر. عمل نادرست او را ارزیابی کنیم و نمره ای که به او می دهیم هرگز به شخصیت و انسانیت او نباشد. هرگز کودک را با الفاظ و توصیفات پست و نادرست نخوانیم و پیوسته طوری رفتار کنیم که نشان دهیم او در چشمان ما بزرگ است و در قلب ما به عنوان یکی از ارزشمندترین موجودات جا دارد.^۳

۱. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

۲. نهج البلاغه حکمت ۴۴۹.

۳. همان.

اهانت، تحقیر، به کار بردن الفاظ طعن آلود و سرکوفت زدن از عواملی هستند که باعث از میان رفتن احساس شخصیت در فرزندان می‌شود. برای اصلاح معایب فرزندان از روش‌های غیرمستقیم استفاده کنیم و اگر لازم شود که خطایی را بخواهیم به‌طور مستقیم یادآوری و بیان کنیم بهتر است این تذکر به‌صورت علنی و آشکار در حضور دیگران نباشد.

رشد عاطفی

رشد عاطفی پیچیدگی خاصی دارد و در سایر جنبه‌های رشد فرد مانند رشد بدنی، رشد عقلانی و اجتماعی تأثیر فراوان دارد. در جریان رشد عاطفی به‌تدریج عواطف مختلف ظاهری گرد و شرایط و اوضاع و احوال محیط نیز در پیدایش عواطف مختلف مؤثر است.

رشد عاطفی زمانی صورت می‌گیرد که فرد در معرض عواطف و احساسات قرار گیرد، اگر محبت ببیند این رشد عاطفی صورت گرفته و سبب می‌شود که هیجانات خود را بتواند به‌خوبی بروز دهد و به رفتارهای دیگران پاسخ درست و مناسبی بدهد. روانشناسان بر این باورند کودکی که از لحاظ عاطفی رشد نیافته توانایی تحمل رنج و عذاب یا به تعویق انداختن ارضای مستقیم تمایلات خود را ندارد و این محرومیت عاطفی از مهم‌ترین علل بزهکاری است. پاسخگو نبودن به نیازها، نشان دادن بی‌حوصلگی در ناراحتی نگه داشتن کودکان و نوجوانان تأثیرهای مخربی در آنان به‌جای می‌گذارد. هر عاملی که در برابر رشد سالم جسمانی و عاطفی کودک قرار گیرد می‌تواند موجب اختلالات عاطفی شود که همواره ریشه جرائم است.

جنبه عاطفی افراد تحت تأثیر عوامل ارثی و محیطی نیز قرار دارد بر همین اصل حالات عاطفی در افراد به‌صورت مای مختلف ظاهر می‌گردد. رشد عاطفی وقتی نمایان می‌شود که بچه بتواند احساسات و عواطف خود را تحت نظر قرار دهد و آن‌ها را به‌نحوی که مورد قبول جامعه است ابراز دارد.

عوارض ناشی از کمبود محبت

محبت حکم مغناطیس را دارد که افراد را به سوی خود جلب و جذب می‌کند و آن‌کس که از محبت محروم است همانند کسی است که به جایی وصل نیست و این خود منشأ بسیاری از شقاوت‌ها، فجایع، بی‌بندوباری‌ها و خصومت‌هاست. بررسی‌ها نشان داده کودکی که در خردسالی از محبت اعضای خانواده برخوردار باشد و با اعضاء انس داشته باشد به احتمال قریب به یقین فردی مهربان خواهد شد و بالعکس اغلب افرادی که به‌دوراز محیط محبت و انس رشد کرده‌اند و نتوانستند نسبت به دیگران محبت کنند در بزرگسالی دچار خشونت و گمراهی خواهند شد.^۲

عوارض زیستی جسمانی

بررسی‌های روان‌پزشکان نشان داده کودکانی که از نظر محبت دچار کمبود و نارسایی هستند به عوارضی مبتلا می‌شوند که ازجمله آن‌ها بی‌اشتهایی است و این امر آن‌چنان است که گویی اصلاً میل به غذا ندارند بی‌خوابی عارضه دیگری برای این کودکان است آن‌چنان دچار اضطراب و دلواپسی هستند نمی‌توانند به خواب روند. فریاد در خواب در این کودکان زیاد دیده می‌شود.

شب‌اداری جلوه دیگری از این نابسامانی برای آن‌هاست. این کودکان افرادی هستند بی‌حرکت و بی‌حالت فعالیت آنان در حال توقف و رکود است در گوشه‌ای نشسته یا کز می‌کنند و دوست ندارند به جست‌وخیز پرداخته و به گفتگو و خندیدن بپردازند. چهره‌شان براق و شفاف نیست و مشکلاتی مانند تنفس نامنظم، ناراحتی‌های معده و روده‌ای که منجر به اسهال و استفراغ می‌شود در آنان دیده می‌شود.^۳

۲. همان.

۳. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

اختلالات روانی و حتی ابتلائات روانی آنان را رنج می‌دهد. احساس بی‌ارزشی نخودکم بینی کرده و به خود و دیگران بی‌اعتماد خواهند شد دچار افسردگی و تزلزل روانی هستند سیری قهقراپی در پیش گرفته و دوست دارند به دوران کودکی خود برگردند حتی اگر پنج‌ساله هستند می‌خواهند به دوران ۲-۳ سالگی خود برگشت کنند.

در سنین بعدی حتی در جوانی ممکن است میل به خودکشی در آنان تقویت شود و به بهانه‌ای پوچ بدان امر اقدام کنند در برخی از آنان حالت بی‌تفاوتی ناشی از دوران رنجوری (پسیکوپاتی) به چشم می‌خورد، طوری که کمترین احساسی در رابطه با آنچه برایشان پدید می‌آید ندارند، در نزد آنان شادی و غم، خشم و محبت یکسان می‌شود وضعیتی شبیه به وضعیت معتادان پیدا می‌کنند که به نظر، غیرقابل درمان می‌رسند برخی از روان‌پزشکان بر این عقیده‌اند که کمبود محبت در دوران کودکی سبب عقده روانی در آن‌ها شده و در دوران بلوغ به صورت‌های مختلف در آنان متجلی می‌گردد. ابتلا به بیماری‌های روانی مانند اسکیزوفرنی و یا هیستری نموداری از این حالت است.^۱

عدم محبت به فرزندان فضای تربیتی خانواده را مسموم و امکان تنفس آزاد فرزند را از او سلب می‌کند. فرزند اعتماد به نفس خود را ازدست داده و به دره ناتوانی، بی‌شخصیتی، ضعف اراده سقوط کرده و درمانده می‌شود.^۲

جنبه اخلاق و رفتار

امام صادق علیه السلام به تأثیر والدین در بهداشت روانی فرزندان تأکید نموده و مصونیت از ابتلا به ناهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل‌های بعدی آنان را به نوع عملکرد آموزشی و تربیتی والدین منوط دانسته‌اند

کودکان گرفتار کمبود محبت، به اصول اخلاقی پایبندی ندارند و حتی در صورت لقاء هم نمی‌توانند رفتار و اخلاق مناسب بروز دهند. میل به ضرب و جرح، آسیب رساندن حرکت علیه خود و دیگران، بدگمانی نسبت به دیگران در آن‌ها زیاد است. اصل ولگردی را انتخاب کرده، احساسات خانوادگی و دل‌رحمی نسبت به اعضای خانواده ندارند.

۱. همان

۲. همان

ارتکاب جرم و جنایت را در خود تقصی به حساب می‌آورند و از اینکه آرامش جامعه را به هم می‌زنند نارضایتی ندارند. از زورگویی سرقت و انحراف سر درآورده‌اند زیرا کمبود محبت، یکی از عوامل بسیار قوی است که اطفال و نوجوانان را به سوی بزهکاری سوق می‌دهد.^۱

روانشناسان و متخصصان به این نتیجه رسیده‌اند که بعضی از کودکان به علت اینکه در محیط خانواده مورد بی‌مهری و بی‌اعتنائی پدر و مادر خود قرار گرفته‌اند، در واکنش به این کمبود محبت شروع به سرقت یا آزار دیگران کرده‌اند.^۲

محرومیت از محبت زمینه را برای بدبینی‌ها، بی‌اعتنایی‌ها و خصومت‌ها و زمانی هم طغیان و عصیان در برابر دیگری فراهم می‌سازد و بددلی و بدبینی را فراهم می‌آورد و نمی‌تواند رابطه پسندیده‌ای با دیگران داشته باشد.^۳

کودکی که از محبت گرم پدر و مادر محروم بوده و یا نیاز او درست اشباع نشده، در نفس خودش احساس محرومیت می‌کند. نسبت به پدر و مادر و دیگر آن‌که او را دوست ندارند، عقده نفسانی پیدا می‌کند و چنین انسانی در معرض هرگونه انحراف و فساد خواهد بود. اکثر تندخویی‌ها، خشونت‌ها، لجبازی‌ها، زورگویی، بدبینی، اعتیاد، افسردگی، گوشه‌گیری، ناامیدی و ناسازگاری‌های افراد، معلول عقده حقارتی است که در اثر محرومیت از محبت در آن‌ها به وجود آمده است.

در اثر عقده حقارت ممکن است دست به دزدی یا قتل نفس بزند تا از پدر و مادر و مردمی که او را دوست ندارند انتقام بگیرد و با خودکشی از وحشت محبوب نبودن نجات پیدا کند.

دزدی، جنایت و طغیان‌هایی که به وسیله کودکان و نوجوانان و جوانان به وجود می‌آید غالباً معلول همین عقده روانی است. بسیاری از کودکان و نوجوانانی که از منزل و شهر و دیار خود فرار کرده‌اند، انگیزه فرار خود را کم‌مهری پدر و مادر بیان کرده‌اند. در اثر همین کمبود محبت و احساس بی‌پناهی است که دختران جوان در مقابل چند جمله محبت‌آمیز یک جوان فریبکار خود را می‌بازند و تسلیم هوس‌بازی‌های او می‌گردند و آینده خود را تباه می‌سازند.

۱. ملک فرودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

۲. هوشنگ شامبیانی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، ص ۱۹۶

۳. علی قائمی، خانواده و نیازمندی‌های کودکان

اظهار محبت را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل مهم جلوگیری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی معرفی نمود.^۱

محرومیت از محبت سبب می‌شود که روابط فی‌مابین والدین و فرزندان سرد شود، دیگر به سخنان آنان توجهی نکند، حرف آن‌ها را به‌حساب نیاورد، در درون وجودش جایی برای والدین و دیگران باز ننماید.^۲

جنبه عاطفی

کمبود محبت بر عاطفه کودکان اثر می‌گذارد. لمبروزو در کتاب مرد جنایتکار می‌نویسد: اولین شور و احساسی که از این افراد محو می‌شود احساس رحم و عطوفت در برابر رنج دیگران است، مسئله ترس، وسواس و عقده حقارت بلایی دیگر برای این گروه است. پیدایش حالت بی‌تفاوتی نسبت به تمام امور و سستی پیوند عاطفی با دیگران همراه است با تکان دادن یکنواخت بدن و در مواردی آویزان کردن سر. این افراد گاهی حساسیت عاطفی خود را از دست می‌دهند و رفتاری توأم با خشونت و بی‌رحمی شدید در آنان به وجود می‌آید تا حدی که هم خود را آزار داده و هم دیگران را آزار می‌دهند. افرادی که در کودکی مزه محبت را نچشیده‌اند در بزرگسالی نمی‌توانند افرادی باعاطفه و گرم و صمیمی باشند.^۳

جنبه اجتماعی

کودکی که در خانه محبت نمی‌بیند یا دچار کمبود عاطفی است فردی ناپایدار شده و نمی‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد، او حاضر نیست تعهدی را در جامعه بپذیرد بنابراین از جامعه، همه‌چیز را دریافت کرده ولی حاضر نیست چیزی به جامعه بدهد، نسبت به هموعان خود سرد بوده و از غم و ناراحتی دیگران نه تنها ناراحت نمی‌شود حتی در مواردی خوشحال هم شده و این نوع رفتارش زمینه را برای رنج و شکنجه دیگران فراهم می‌کند، این افراد امیدوار نیستند که کسی آن‌ها را دوست داشته باشند و نسبت به بزرگسالان به آن‌ها محبت نکرده‌اند کینه‌ای در دل دارند. احساسات نوع‌دوستانه مانند

۱. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

۲. علی قائمی، خانواده و نیازمندی‌های کودکان.

۳. معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

عشق، ترحم و احترام در آنان بسیار ضعیف است.^۱
از نظر با مریند کمبود محبت موجب می‌شود فرزندانی خام پرورش یابند که غالباً
ازلحاظ اجتماعی ناشایست و فاقد خویشتن‌داری هستند، این کمبود محبت زمینه‌ساز
پیدایش نارسایی‌های تربیتی در بزرگسالی می‌شود.^۲

جنبه پیشرفت تحصیلی

چنین افرادی در امر تحصیل دچار رکود و عقب‌ماندگی هستند، پیشرفت فراوانی
ندارند، تحقیقی نشان داده اغلب کسانی که در مدرسه، خواندن را دیر یاد می‌گیرند (به‌غیر از
عقب‌مانده‌های ذهنی) از کسانی هستند که در خانه مورد محبت والدین قرار نگرفته‌اند،
آنها در زندگی امیدی ندارند تا به خاطر آن درس بخوانند، احساس خوشبختی ندارند
تا بدان خاطر حرکتی از خود بروز دهند، فکر و ذهن آنها متوجه گرفتاری و بی‌محبتی
است و همه مسائل و امور را از یاد می‌برند.^۳

بر اساس آماری حدود ۴۴ درصد مردودان مدارس آلمان کسانی بوده‌اند که از مهر
و محبت پدری نصیبی نداشته‌اند، این‌گونه افراد حتی ممکن است علیه مقامات و صاحب
آن‌قدرت بایستند و مقاومت کنند.^۴ کمبود محبت در کودکان اثر منفی دارد و این اثر به
هنگامی شدیدتر است که این نارسایی‌ها پردوام‌تر باشد که در چنین صورتی ادامه اختلال
و قطعی شدن آن حتمی‌تر است.

آسیب روحی در دوران کودکی کل شخصیت فرزند را به‌طور عمیق و بنیادین تحت
تأثیر قرار داده و کودک شادی و نشاط خود را از دست می‌دهد و زندگی او دچار مخاطره
خواهد شد.^۵

۱. ملک فره‌دف‌ر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.
۲. فردوس میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از
منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.
۳. هوشنگ شامیبانی، بزهکاری اطفال و نوجوانان.
۴. علی قائمی، خانواده و نیازمندی‌های کودکان.
۱. اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۹۴.

بزهکاری

بزهکاری اطفال و نوجوانان امروزه یکی از مسائل گریبان گیر جوامع بشری هست. بزهکاری تن‌ها منحصر به یک عامل خاص نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک طفل یا نوجوان به رفتارهایی دست بزند هرچند به‌ظاهر و به‌واقع جرم نیستند اما با توجه به این رفتارها در دوره تکامل رشد وی مرتکب جرائمی خواهد شد و این رفتارها زمینه‌ساز ارتکاب انواع جرائم خواهند بود. خانواده است که می‌تواند تمام ویژگی‌های مثبت و سازنده یا منفی و مخرب در کودکان به وجود آورد و تمام حالات و رفتارهای دوران بلوغ چه اجتماعی و چه ضداجتماعی را نهادینه کند، چنانچه کودک از خانواده محبت ببیند و به محبتی که از بزرگ‌ترها دیده اطمینان داشته باشد در این صورت به محیط پیرامونش نیز اطمینان خواهد داشت ولی در غیر این حالت همه‌چیز برای او خطرناک خواهد بود و سبب اضطراب او می‌شود. اگر فرزندان از محبت والدین سیراب نشوند و احساس کمبود محبت کنند و آن‌ها را تکیه‌گاهی امن و مورد اطمینان برای خود به شمار نیاورند ممکن است جذب کسانی شوند که نسبت به آن‌ها اظهار محبت و علاقه کاذب کرده و این آغازگر انحرافات بعدی آنان است، این در حالی است که اگر به نیازهای عاطفی افراد در محیط خانواده توجه شده و پاسخ درست داده شود خویشتن‌داری می‌کنند و از فریب‌ها مصون خواهند ماند.^۱

به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیازهای جسمی و روانی مانند نیازهای عاطفی ارضاء نشود احتمال دارد که در آینده‌ای نه‌چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضداجتماعی دست بزند.^۲

کودکانی که برای مدتی طولانی مورد محبت و نوازش والدین قرار نگیرند دچار یأس و ناامیدی از زندگی شده و خود را قبول ندارند و در تمام عمر دیگر به درون خویش نگاه نخواهند کرد و هر آنچه برایشان اتفاق چون از سرچشمه محبت والدین سیراب نمی‌شوند به‌عنوان انتقام و به خاطر جلب‌توجه والدین خود به ارتکاب چنین اعمالی دست می‌زنند تا جنجال برانگیخته و مورد توجه واقع شوند.^۳

۱. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

۲. علی قائمی، خانواده و نیازمندی‌های کودکان.

۳. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

مهم‌ترین عامل مؤثر در بزهکاری روش تربیتی نادرست و اختلال در شبکه خانواده است. تقریباً تمام پژوهش‌ها نشان داده‌اند والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند بیشتر احتمال دارد فرزندان بزهکار داشته باشند حتی والدینی که در کودکی خود دچار مشکلات عاطفی شده‌اند بیشتر احتمال دارد که کودکان بزهکار داشته باشند زیرا محرومیت‌های عاطفی علت بروز انواع انحرافات می‌گردد. روانشناسان گاهی بزهکاری را نتیجه ناکامی و تعارضات شدید می‌دانند که کودک در حال رشد به شدت از آن‌ها رنج می‌برد. آن‌ها اهمیت زیادی به روابط بین مادر و فرزند داده و مادر را منبع محبت به کودک مطرح کرده‌اند.

بزهکاری با صفات روان‌شناختی مختلفی همراه بوده که یکی از این صفات عزت نفس پایین است. عامل کاهش عزت نفس کمبود محبت هست و عامل بسیاری از انحرافات کمبود عزت نفس است زیرا کسی که عزت نفس کافی ندارد و برای خودش ارزش و شخصیتی قائل نمی‌شود به هرگونه انحراف و اشتباهی دست می‌زند. عدم وجود محبت، ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده از جمله عواملی هستند که در وقوع بزه توسط نوجوانان و اطفال مؤثر هستند.^۱

پاره‌ای از تحقیقات آسیب شناسان اجتماعی نشان داده است که ریشه بسیاری از انحرافات و لغزش‌ها حتی انواع لغزش‌های جنسی را باید در مسئله کمبود محبت جستجو کرد تا حدی که طبق آمار ۹۱ درصد مجرمین بر اساس یک بررسی که بر روی آن‌ها انجام گرفته علت جرم خود را نارسایی در محبت عنوان کرده‌اند.^۲

در صورتی که فرد از سوی والدین خود محبت کافی دریافت نکند ممکن است برای جبران آن درصدد انتقام‌جویی برآمده و اعمال خطرناکی برخلاف قانون و هنجارهای اجتماعی مرتکب شود.

۱. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی

۲. فردوسی میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.

نگاه پیشگیرانه

در اسلام پیشگیری همیشه مقدم بر درمان بوده است، روش‌های درمانی بسیار زیادی برای کاهش بزهکاری مورداستفاده قرار گرفته و اعتقاد عمومی بر این است که گسترش برنامه‌های اجتماعی نظیر بالا بردن سطح آموزش خانواده‌ها برنامه‌های تربیت صحیح فرزند و مطالعه کتاب از مناسب‌ترین راه‌ها برای پیشگیری از ارتکاب بزهکاری اطفال و نوجوانان است.

برای ایجاد محیطی آرام و سالم رعایت نکاتی ضروری است، برای مثال برقراری دوستی و تفاهم بین والدین. برای انجام این امر ابتدا باید روابط بین پدر و مادر را در خانواده‌ها اصلاح کرد، در صورت اصلاح روابط و ایجاد عشق و محبت بی زوجین کانون خانواده تبدیل به کانون گرم همراه با عشق و محبت شده و فرزند آن‌هم که یکی از عضوهای چنین خانواده‌های سالمی هستند از این کانون بهره کافی می‌برند.

یکی دیگر از این راه‌ها احترام متقابل بین زوجین، شناخت زن در خانواده و تشکیل زندگی مبتنی بر عشق، انس، الفت و تعاون و بر اساس تفکر اسلامی است که آموزش‌های قبل از تشکیل خانواده و تربیت بر اساس آن را الزامی می‌سازد، لذا کار فرهنگی بسیار وسیعی ضروری است در این رابطه انجام گیرد و بخشی از تحقیقات اجتماعی باید معطوف به همین مسئله باشد تا بی‌اطلاعی به چنین امر مهمی مبدل به آگاهی شده و خانواده‌هایی سالم شکل بگیرد.^۱

مسئولان باید بخصوص به صورت روزمره در جریان وضعیت خانواده‌ها و خطرهایی که موجب درهم‌ریختگی توازن آن به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی می‌شود قرار گیرند و به موقع و با ابزار فرهنگی مسیر رشد طبیعی خانواده‌ها را هموار سازند، با توجه به این اصل یقیناً نا به سامانی‌ها و معضلاتی که دامن‌گیر جوامع متجدد شده به ما شرایط نخواهد کرد و کودکان که دارای فطرتی پاک هستند در چنین خانواده‌هایی رشد خواهند کرد.^۲

۱. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

۲. مریم وفایی، مریم روشن، بررسی رابطه عوامل پیش‌بینی‌کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی‌ها و اختلال‌های عاطفی - رفتاری نوجوانان، ص ۵.

خانواده جایگاه شکل‌گیری شخصیت افراد و درونی شدن مفاهیم اخلاقی است، خانواده‌ای که با معیارهای صحیح همسرگزینی تشکیل شده باشد و زن و شوهر خود به ارزش‌های اخلاقی و دینی پایبند باشند با درونی شدن آن ارزش‌ها در خانواده شرایطی فراهم می‌شود که افراد نیازی به تبهکاری ندارند و به‌صورت خودجوش بر گرایش‌های فطری همچون فضیلت جویی، حقیقت‌خواهی و کمال طلبی پای می‌فشارند.^۱

یکی دیگر از نکات که رعایتش بسیار ضروری است بررسی شیوه‌های صحیح فرزند پروری و انتخاب روش صحیح و کاربردی کردن آن در جامعه هست که در این زمینه نظر گروهی از روانشناسان بر فرزند پروری مسئولانه که مطابق به ا همان فرزند پروری اسلامی است قرار گرفته و بارزترین مسئله در فرزند پروری اسلامی عشق و علاقه به فرزند و محبت و مهربانی نسبت به او و حفظ شخصیت و کرامت فرزندان هست.^۲

جوانان و نوجوانان دوست دارند شخصیتشان مورد توجه و احترام قرار گیرد، به همین سبب به‌صورت‌های مختلف به ابراز شخصیت می‌پردازند. والدین باید به این نکات توجه کرده و با کودکان و نوجوانان ارتباط گرم و عاطفی برقرار کنند و از به کار بردن صفاتی که بر بی‌ارزشی حمل می‌شود و باعث القای بی‌ارزشی بر آنان می‌شود پرهیز کنند، از تنبیه خصوصاً برای نوجوانان پرهیز کرده و از پاداش‌های مناسب در مقابل رفتارهای مطلوب استفاده کنند. یک‌راه مهم پیشگیری از آسیب‌های عدم محبت، ابراز محبت هست که در اسلام و روایات متعدد بر آن تأکید شده و از عدم محبت به کودکان نهی فراوانی صورت گرفته و این امر مورد نکوهش واقع شده. در روایتی آمده گروهی از عرب‌های بادیه‌نشین خدمت پیامبر خدا رسیدند و به ایشان عرض کردند: آیا شما کودکان را می‌بوسید؟ پیامبر فرمودند: آری! آنگاه گفتند: ولی ما به خدا سوگند هرگز آن‌ها را نمی‌بوسیم. پیامبر خدا فرمودند: من چه کنم اگر خداوند مهر را از دل شما برکنده است.^۳

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: هرگز کودکی را نبوسیده‌ام. وقتی آن مرد بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این شخص کسی است که در نظر من از اهل آتش است. این روایات و روایاتی که اشاره به محبت به کودکان دارد این مطلب را برای ما روشن می‌سازد که دین مبین اسلام به محبت به فرزندان توصیه و سفارش فراروان کرده و محبت را عامل رشد، هدایت و سعادت کودک شمرده است.

۱. ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

۲. علی قائمی، خانواده و نیازمندی‌های کودکان.

۳. صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۰۸ ح ۶۴.

نتیجه گیری

محبت به فرزند از طرق مختلف مانند مدرسه، معلمین، همسالان صورت می گیرد که اگر این محبت درست و بر مبنای اعتدال باشد می تواند از بروز بسیاری از آسیب های جسمی، روانی، تحصیلی و اجتماعی پیشگیری کند و در مقابل، عدم محبت و یا محبت ناصحیح منجر به مشکلات فردی و اجتماعی فرزندان در آینده خواهد شد.

در اسلام و روانشناسی بر محبت به فرزندان بسیار تأکید شده و محبت خالصانه عامل تربیت صحیح فرزندان مطرح شده است. خانواده ها از مهم ترین و اصلی ترین کانون های ابراز محبت به فرزندان هستند و در صورتی که با معیارهای صحیح و اسلامی همسرگزینی تشکیل شده باشند و روابط محبت آمیز و سرشار از احترام بینشان برقرار باشد در پیشگیری از آثار سوء عدم محبت به فرزندان مؤثر هستند زیرا در صورت تشکیل چنین خانواده هایی اصول و نکات صحیح تربیتی رعایت می شود و فرزندان از آثار و عواقب سوء عدم محبت از طرف خانواده ها و در به دام افتادن محبت های دروغین در امان خواهند ماند و به طبع آن فسادها و جرائم و بزه کاری ها در جامعه کاهش یافته و سطح امنیت اجتماعی افزایش پیدا می کند.

منابع و مأخذ

۱. اسحاقی سید حسین، ۱۳۸۷، سلوک علوی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. اعرافی علیرضا، ۱۳۹۵، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۳. حاجی ده آبادی محمدعلی، ۱۳۹۱، حقوق تربیتی کودک در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. حسینی زاده سید علی، ۱۳۸۹، تربیت فرزند، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. طبسی محمدجواد، ۱۳۷۶، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. قائمی علی، ۱۳۸۴، خانواده و نیازمندی های کودکان، قم، امیری.
۷. میریان فردوس، پرچم اعظم، ۱۳۹۵، تأثیر روش فرزند پروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.
۸. معاونت پژوهشی گروه روانشناسی، ۱۳۸۶، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، جلد ۲، قم، انتشارات موسسه امام خمینی.
۹. فرهود فر ملک، محمدی علی، ۱۳۸۷، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی، قم، یاس زهرا.
۱۰. وفایی مریم، روشن مریم، ۱۳۸۶، بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی - رفتاری نوجوانان.

راه‌های نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودک

مریم مرتضایی نسب^۱

چکیده

شهادت به‌عنوان والاترین ارزش‌های انسانی در دین مبین اسلام مدنظر بوده و همواره بر آن تأکید شده است. این مفاهیم عمیق در طول تاریخ همواره سرنوشت بشر را تعیین کرده و او را از نابودی معنوی نجات داده است. در فرهنگ اسلامی ما توجه به این مفاهیم همواره رایج بوده و پس از انقلاب اسلامی و در هشت سال دفاع مقدس به اوج خود رسید. این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و دینی علاوه بر اینکه در دوره معاصر بر ضرورت آن تأکید می‌گردد، به لحاظ مصداقی نیز از همان دوران نزول قرآن به اهمیت آن اشاره شده است؛ به‌طوری‌که واژه شهادت و مشتقات آن ۱۵۰ بار در قرآن تکرار شده است که این نشانه ارزش والای شهادت است. در این بین کودکان به‌عنوان آینده‌سازان فردای بشر، نیازمند آشنایی با این مفاهیم و حتی میل به تحقق آن در جهت ساختن جامعه‌ای آزاد و اسلامی‌اند. فرهنگ شهادت انسان‌ساز است و برای این فرهنگ‌سازی باید از پایه و اساس، آن را در وجود کودکان نهادینه کنیم تا بتوانیم فرزندان شهادت‌طلب و مقاوم تربیت کنیم. تحقیق حاضر باهدف بررسی راه‌های نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان صورت گرفته است. نگاه بنیادی به مقاومت و شهادت در کودکان، موانع این فرهنگ‌سازی، راهکارهای مقابله با این موانع و عوامل مؤثر بر این فرهنگ‌سازی را که شامل عوامل فردی، اجتماعی و عوامل معنوی، محورهای اصلی این پژوهش است که با روش توصیفی-تحلیلی، به شیوه کتابخانه‌ای به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مقاومت، شهادت، کودک

هر جامعه‌ای دارای مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که نقشی تحکیم‌بخش در آن ایفا می‌کنند. این ارزش‌ها از مهم‌ترین اجزای یک فرهنگ به شمار می‌آیند، زیرا از باورهای یک ملت سرچشمه می‌گیرند و در عرصه‌های گوناگون تأثیر می‌گذارند.

یکی از ارزش‌های اساسی جوامع اسلامی، فرهنگ مقاومت و شهادت است. مهم‌ترین سرمایه هر ملت نیز، جوانان و کودکان آن کشور هستند؛ اگر ایشان پایه‌های فکری مستحکم و صحیحی داشته باشند، در آینده به فرد مفیدی تبدیل خواهند شد و اگر از پایه‌های سست فکری و فرهنگ غلط پیروی کنند به فردی بی‌هویت و سربار جامعه تبدیل خواهند شد.

بنابراین فرهنگ مقاومت و شهادت با اثرگذاری بر فضای فکری و ذهنی کودکان، باعث می‌شود دو نسل قدیم و جدید درک مشترکی از جامعه و فلسفه زندگی پیدا کنند و در زمانه‌ای که دشمنان با تهاجم فرهنگی سعی دارند کودکان و جوانان را از باورهای ارزشی خود دور سازند، تربیت فرزند در پرتو فرهنگ مقاومت و شهادت و نهادینه کردن آن می‌تواند ضامن رشد و تعالی اخلاقی و معنوی آنان باشد. نخستین راه در نهادینه‌سازی این فرهنگ در کودکان تعلیم و تربیت است.

آیا ما در تربیت کودکان، در دنیای امروز، توجهمان به آشنایی او با فرهنگ مقاومت و شهادت هست؟ آیا فرهنگ مقاومت و شهادت صرفاً برای زمانی است که کشور در ناامنی و جنگ است و جنگ در زندگی شخصی کودک تأثیر بسزایی دارد؟ چند درصد از والدین امروزی در پی راهی برای نهادینه کردن این فرهنگ در کودک خود هستند؟ اساساً ما آشنایی چندانی با فرهنگ مقاومت و شهادت، ضرورت‌ها و پیامدهای آن نداریم و تمام دغدغه ما این است که کودکان خوب درس بخواند و به مدارج بالای علمی برسد؛ درحالی‌که اگر می‌خواهیم فردی تربیت کنیم که برای خود و جامعه مفید باشد و روحی بزرگ و سالم داشته باشد علاوه بر درس خواندن و تشویق و تنبیه او باید به مسائل دیگر نیز اهمیت دهیم.

آموزش درست فرهنگ مقاومت و شهادت، به کودک ما می‌آموزد که دشمن کیست در برابر چه کسانی و چه چیزهایی باید مقاومت کرد. ما در این مقاله سعی می‌کنیم نشان دهیم که چگونه می‌توانیم باتریت کودکان مبتنی بر فرهنگ مقاومت و شهادت، جامعه‌ای داشته باشیم که افراد آن همیشه برای یاری هموعان و کوشش برای پیشرفت جامعه از یکدیگر سبقت می‌گیرند. همین‌طور سعی داریم بیان کنیم که چطور می‌توان کودکی را با فرهنگ مقاومت و شهادت آشنا کرد و این دست مفاهیم را با توجه به روح حساس کودک، به صورتی به او آموخت که به سلامت روانی او لطمه‌ای وارد نشود.

فرهنگ مقاومت و شهادت در تمام جوامع دارای ارزش و جایگاه ویژه‌ای است. در این زمینه مطالب گسترده‌ای به صورت سخنرانی، کتاب و مقاله وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌شود.

نورانی، حسین؛ آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۳۷۸؛ به این نتیجه رسیده است که پرهیز از غلو، جعل، بی‌قانونی و همچنین تبلیغ نمودن، آغاز یک ترویج مناسب است و این توفیق زمانی نهادینه می‌شود که معضلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جامعه برداشته شود.

بوداقي، اشرف؛ ایثار و شهادت در سال ۱۳۸۸؛ به این نتیجه رسیده است که ایثارگران باید به عنوان پرچمدار به آیندگان معرفی شوند.

رحیمی، محمود، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در سال ۱۳۸۵؛ به این نتیجه رسیده است که ترویج صحیح فرهنگ ایثار و شهادت تضمین‌کننده استقلال و آزادی یک ملت است و توسعه آن هر نوع بردگی و اسارت و استثمار را از بین برده و ریشه‌کن کرده است.

مفهوم شناسی

۱. فرهنگ

فرهنگ در لغت، واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «نگ» است. «فر» به معنای شکوه و عظمت است و اگر به‌عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است و «نگ» از ریشه اوستایی سنگ به معنای کشیدن سنگینی و وقار است. واژه مرکب فرهنگ به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است.

در اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متنوع است و در سیر تاریخی خود معانی مختلفی را به خود گرفته است؛ ازجمله، ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت. به‌طورکلی فرهنگ عبارت است از عقیده برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی و ملی.^۱

بر اساس اندیشه‌های رهبر انقلاب، فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت، عبارت است از ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی.^۲

۲. مقاومت

معنای لغوی «مقاومت» در زبان عربی از ریشه «قوم» است که به معنای برپا شد، برپا ایستاد، از جای بلند شد است. این ریشه بر وزن مفاعله به معنای رو درروی دشمن ایستادن، در برابر تهاجم دشمن مقاومت کردن است.^۳

و در اصطلاح قرآنی و فرهنگ آن مقاومت به معنای ایستادگی به حالتی گفته می‌شود که شخص برای انجام کارها و تحقق اموری اقداماتی را انجام می‌دهد که شامل ایجاد مقتضی و از میان بردن مانع و ایستادگی در برابر فشارهاست. علت اینکه چنین حالتی را مقاومت می‌گویند، شباهتی است که میان عمل ایستادن باحالت ایستادگی و مقاومت وجود دارد؛ زیرا وقتی انسان بخواهد به بهترین وجه کاری را انجام بدهد و یا بخواهد از خود در برابر دیگری دفاع نماید یا حرکتی داشته باشد به پا می‌خیزد، می‌ایستد و قیام می‌کند.^۴

۱. صاحبی، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، ج ۱، ص ۶۰

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با علما و روحانیون تبریز ۱۳۷۲/۰۵/۰۵

۳. لوئیس معلوف، المنجد، ج ۲، باب حرف قاف

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ذیل واژه قوم

۳. شهادت

شهادت در زبان عربی از ریشه لغوی «شهد» است. در لغتنامه «المنجد» شهد مطابق بامعنای ذیل آمده است: گواهی، شهادت، گواهی دادن، مرگ در راه خدا، شهادت در راه خدا؛^۱

راغب اصفهانی نیز در «مفردات الفاظ قرآن»، ذیل واژه شهود و الشهادة چنین آورده است: حاضر بودن و گواه بودن با مشاهده با چشم یا با اندیشه و بصیرت. در اصطلاح رایج شهادت به معنای کشته شدن و قتل در راه خداوند است. در فرهنگ قرآنی از «شهادت» با تعبیر: «قتل فی سبیل الله» (کشته شدن در راه خدا) یاد شده است چنانکه خداوند فرموده است: به آنان که در راه خداوند کشته می شوند، مرده نگوئید؛ بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید.

۱. عوامل مؤثر در نهادینه کردن فرهنگ شهادت و مقاومت در کودکان

سعادت یا شقاوت هر یک از انسان ها در گرو تربیت است. از دیدگاه اسلام تربیت فرزندان و نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در آنان نه تنها از لحظه تولد مورد توجه است بلکه به زمینه های تربیت، شرایط مادر و جنین قبل از تولد و حتی شرایط والدین قبل از انعقاد نطفه نیز توجه خاص شده است. نهادینه کردن فرهنگی صحیح به عواملی مانند عوامل فردی، عوامل اجتماعی و عوامل دینی بستگی دارد که در ادامه هر یک از آنها را به طور مفصل شرح خواهیم داد.

۱-۱-۱. عوامل فردی

۱-۱-۱. ضرورت انتخاب صحیح همسر در امر تربیت

زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می روند و خانواده مهم ترین نقش را در تربیت فرزند ایفا می کند از این رو با توجه به اهمیت همسرگزینی و تأثیر بسیار حساس آن در شکل گیری شخصیت فرزند در منابع روایی از قول پیشوایان معصوم علیهم السلام توصیه هایی در این باره بیان شده است. از جمله آنها از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرموده اند: «اختاروا لنطفکم فان الخال احد الضجیعین»؛ برای نطفه های خود جایگاهی مناسب انتخاب کنید که ویژگی های دایی در شکل گیری شخصیت فرزند اثرگذار است.^۲

۱. لويس معلوف، فرهنگ المنجد، ماده شهد

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۸

از منظر اسلام اهمیت انتخاب زن از نظر تربیتی بیش از اهمیت انتخاب شوهر است زیرا تأثیر زن در فرزند بیشتر از مرد است. این مطلب را از روایات معصومان علیهم السلام به خوبی می توان برداشت کرد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد انتخاب زن می فرماید: «تزوجوا فی الحبز الصالح فان العرق دساس»؛ با خانواده صالح ازدواج کنید که رگ و ریشه در فرزند اثر می گذارد.^۱ همچنین در روایت دیگری آمده است که شخصی از امام حسن علیه السلام درباره ازدواج دخترش سؤال کرد و امام فرمودند: «زوجها من رجل تقی فانه ان احبها اکرمها و ان ابغضها لم یظلمها».^۲

بنابراین شرایطی که در روایات برای مرد بیان شده به احتمال زیاد به جهت فراهم آوردن آسایش همسر است، اما شرایطی که برای زن بیان شده غالباً با بلکه تماماً مربوط به تأثیر آن ها بر فرزند است. با توجه به نکات به دست آمده از روایات می توان این طور نتیجه گرفت که غالباً درباره انتخاب شوهر تنها صفت دیانت، اخلاق و امانت را شرط کرده اند و این سه صفت بیشتر در ارتباط با خود همسر است و از عوامل محیطی در تربیت است نه وراثتی. در حالی که تأثیری که مادر بر فرزند خود می گذارد تأثیری وراثتی است. او با انتقال خصائل و روحیات انسانی خود به کودک به جامعه بشری فرزندی مقاومت و شهادت طلب تحویل می دهد؛ چنانکه امیر مؤمنان علی علیه السلام پس از رحلت حضرت فاطمه علیها السلام هنگامی که قصد ازدواج کردند به سراغ برادر خود عقیل می روند و از او می خواهند همسری برای ایشان پیدا کند که زاده‌ی شجاعان باشد و فرزندی شجاع و دلیر برایشان بیاورد. عقیل با بررسی در قبائل عرب فاطمه کلایه را به ایشان پیشنهاد می کند و با این ازدواج پیرمردانی چون حضرت ابوالفضل علیه السلام و برادرانش متولد می شوند که شجاعت آنان تا ابد بر صفحه تاریخ نقش بسته است.

بنابراین برای نهادینه سازی فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان باید از ابتدا در انتخاب همسر خود دقت کافی را داشته باشیم و همسری را انتخاب کنیم که از لحاظ شجاعت و ایثار و گذشت در بالاترین رتبه قرار داشته باشد تا بتواند این صفات و ویژگی های را به فرزند خود منتقل کند و فرزندی مقاوم و شهادت طلب تربیت کند.

۱. متقی، المرشد الی کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، ص ۲۹۶.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۴.

۱-۲. زمینه‌های وراثتی قبل از تولد

آدمی در طول حیات خویش طبق خلیقات خویش عمل می‌کند و اساس خلق و خوی آدمی در ایام کودکی ساخته می‌شود؛ لذا زندگی انسان‌ها دارای مراحل مختلفی است که شامل مرحله قبل از تولد، هنگام تولد، کودکی، نوجوانی، جوانی و مرحله بزرگسالی می‌شود. در این بین دوره قبل از تولد از حساسیت بسیاری برخوردار است و مانند خشت اول ساختمان خواهد بود که اگر کج نهاده شود ساختمان دچار آسیب می‌شود و اصلاح چنین ساختمانی بسیار سخت خواهد بود؛ بنابراین والدین باید از زمانی که تصمیم می‌گیرند که فرزند دار شوند، آگاهی‌های لازم را کسب کنند. ایشان باید آداب خاصی را برای آمیزش رعایت کنند و با ذکر، دعا و درخواست فرزند صالح و شهادت طلب زمینه‌های لازم برای سعادت‌مندی فرزند را فراهم کنند. چنانکه در کتاب وسائل الشیعه در مورد اوقاتی که عمل آمیزش مطلوب است آمده است که شب سه‌شنبه برای آمیزش مطلوب است و به فرزند بعد از سعادت اسلام، شهادت روزی او می‌شود. خداوند او را با مشرکین عذاب نمی‌کند. دهانش خوشبو، دلش رحیم و جوانمرد خواهد بود و زبانش از دروغ، غیبت و تهمت پاک می‌ماند.^۱

به نقل از آقای فلسفی در کتاب «کودک از نظر وراثت و تربیت» آنچه از دانشمندان غربی درباره وراثت از پدران و مادران و اجداد دور و نزدیک به دست آمده است چند مطلب روشن می‌شود:

اول آنکه عامل وراثت ذرات کوچکی به نام ژن است که از پدر و مادر و گذشتگان در سلول نسل وجود دارد، به طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام که حقایق را با نور وحی و الهام می‌دیدند به این قانون عظیم خلقت توجه کامل داشتند. بعضی از روایات درباره این راز بزرگ سخن گفته‌اند و کلمه «عرق» را عامل وراثت معرفی کرده‌اند. به عبارت روشن‌تر همان معنایی را که امروز محافل علمی جهان از کلمه ژن استفاده می‌کنند روایات از کلمه عرق استفاده کرده‌اند و در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده که می‌فرمایند: «انظر فی ای شیء تضع ولدک فان العرق دسّاس».^۲

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، باب ۱۹۰.

۲. متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۵، ص ۸۵۵.

این حدیث در کمال صراحت از قانون وراثت سخن گفته و از عامل وراثت به کلمه عرق تعبیر کرده است. پیامبر در این حدیث به پیروان خود توصیه می‌کند که ببینید نطفه خودتان را در چه محلی مستقر می‌کنید و از قانون وراثت غافل مباشید تا فرزندان شما وارث صفات ناپسند نشوند. همین‌طور امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «حسن الاخلاق برهان کرم الاعراق»؛ سجایای اخلاقی دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است.^۱

دوم اینکه دانشمندان امروز قابلیت وراثت را در فرزندان فقط محصول صفات آبی نزدیک نمی‌دانند و می‌گویند ممکن است فرزند وارث صفات اجداد دوردست و انسان‌های اولیه باشد. روایت نیز به وراثت را مخصوص صفات پدران و اجداد نزدیک تا پنج نسل یا ده نسل نمی‌داند بلکه دامنه این قابلیت را تا انسان اول یعنی آدم ابوالبشر می‌داند. چنان‌که در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «ان الله تبارک و تعالی اذا اراد ان یخلق خلقا جمع کل سورة بینة و بین آدم ثم خلقه علی صورة احدیهن فلا یقولن احد لولده هذا لا یشبهنی و لا یشبه شیئا من آبائی»؛ تمام صورت‌ها و صفات قابل وراثت پدران و اجداد تا آدم ابوالبشر می‌تواند زمینه ساختمان صورت فرزندی باشد که اینک سلول نسل او در رحم مستقر شده است.^۲

سوم صفاتی که از پدر و مادر به فرزند ارث می‌رسد بسیار است مثل دیوانگی، کودنی، رنگ پوست و غیره. همچنین سجایای اخلاقی و صفات پسندیده یا سیئات اخلاقی پدران و مادران نیز در فرزندان زمینه‌هایی را ایجاد می‌کند. پدران و مادران شجاع و فداکار و خدمتگزار اغلب فرزندانی پرمایه و بافضیلت می‌آورند و از خاندان‌های بخیل، زبون، خودخواه و ترسو بیشتر بچه‌هایی پست و فرومایه متولد می‌شوند.^۳

۱-۱-۳. نقش والدین در تربیت فرزند شهادت طلب

در نظام خانواده پس از مسئولیت زن و شوهر نسبت به یکدیگر مهم‌ترین وظیفه آنان در قبال فرزندان است؛ چنان‌که در دیدگاه اسلام بر نقش والدین و مسئولیت آنان در مقابل فرزندشان بسیار تأکید شده است به گونه‌ای که برای آن‌ها ارزش عبادت و پاداش برخی رفتارهای دینی در نظر گرفته شده است؛ بنابراین نقش والدین برای نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در فرزندشان بعد از تولد بسیار حائز اهمیت است و در سیره معصومان (علیهم السلام) آداب و سنت‌هایی یافت می‌شود که والدین با عمل کردن به آن‌ها و اقدام

۱. خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۳۹۲.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۴.

۳. فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ص ۷۰.

به این آداب زمینه‌های مساعد را برای این نهادینه‌سازی فراهم می‌کنند. برخی از این آداب چنین است: گفتن اذان و اقامه در گوش کودک. این کار از سه جهت می‌تواند آثار طبیعی داشته باشد. نخست تأثیرات جسمی و ایمنی از بیماری‌هایی که ممکن است کودک به آن دچار شود چنانکه از حضرت امام صادق (ع) منقول است: در گوش راستش اذان بگو و در گوش چپش اقامه بگو پیش از آنکه نامش را ببرند اگر چنین کنی هرگز ترس به او نرسد.^۱

دوم تأثیرات روحی و معنوی که با دوری شیطان برای کودک حاصل می‌شود، همان‌طور که رسول اکرم (ص) فرمودند هر کس صاحب فرزندی شد در گوش راستش اذان بگوید و در گوش چپش اقامه بخواند به درستی که این عمل باعث دوری شیطان خواهد شد.^۲

سوم آشنایی با مفاهیم اعتقادی و مذهبی و انس گرفتن با آن‌ها، به همین علت گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند باعث می‌شود کودک از همان دوران کودکی با مفاهیم اعتقادی مانند توحید و نبوت آشنا گردد و به تدریج با آموزش دینی و معنوی به کودک زمینه‌های لازم برای سعادتمند شدن و شهادت در راه خدا برای او فراهم گردد. تحنیک یا کام برداشتن با تربت امام حسین (ع) این کار به دلیل قرب و منزلتی که آن حضرت نزد خداوند متعال دارند آثار روحی و معنوی بسیاری دارد لذا امام صادق در روایتی کام برداشتن با تربت امام حسین (ع) را باعث ایمنی فرزند می‌داند: «حنکوا اولادکم بترتبه الحسین (ع) فانه امان».^۳

مستحب است عمل کام برداشتن به دست بزرگان و افراد بالیمان انجام بگیرد که از طرفی نوعی تبرک حاصل شود و از طرف دیگر والدینی که خواهان شهادت در راه خدا و عاقبت به‌خیری هستند از آن بزرگواران تقاضا کنند که برای کودکشان دعا بفرمایند.

۱. مجلسی، حلیۃ المتقین، ص ۱۴۶.

۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۲۴، روایت ۶.

۳. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۸.

پوشش نوزاد

رنگ پوشش نوزاد در سیره معصومین مهم دانسته شده است و تأکید شده که حتماً لباس سفید به نوزاد پوشانیده شود.

نام نیک

یکی از وظایف والدین در قبال فرزندشان انتخاب نام نیکو برای اوست. بهتر است نام‌هایی که متضمن عبودیت خداوند است برای فرزندان خود انتخاب کنند و نام‌گذاری فرزندان به نام‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) نشانه ارادت و اظهار دوستی با آنهاست که همین امر تأثیر بسزایی در هدایت آنها در مسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) و شهادت در راه آنان دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»^۱ نام نیک از چند جهت در انسان تأثیر دارد: نخست آنکه نام هر انسان نماد هویت، شخصیت و فرهنگ است و دیگران نیز متناسب با این فرهنگ با او رفتار خواهند کرد. با توجه به اینکه در هر فرهنگ و ملیتی نام‌ها معنا و مفهوم خاص خودشان را دارند بنابراین با انتخاب نام نیکو برای فرزند به شخصیت او احترام گذاشته‌ایم و احترام دیگران را نسبت به او برمی‌انگیخته‌ایم. نام‌های بد آثار بدی بر فرزندان دارد و ممکن است در دوران جوانی مورد تمسخر قرار بگیرند و از لحاظ روحی و روانی عوارض جبران‌ناپذیر برای آنها داشته باشد.

بنابراین والدین با نام‌گذاری فرزندشان به نام‌های نیک باعث می‌شود که فرهنگ خانواده و جامعه روح دینی به خود بگیرد و این روحیه دینی می‌تواند همان نهادینه شدن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودک است. همچنین بهتر است مادر در هنگام شیر دادن به کودک نگاه کند و با او حرف بزند و در سخنان خود به ایام شهادت و ولادت ائمه (علیهم‌السلام) توجه کند و نگران فهم کودک نباشد. مادری که می‌خواهد فرهنگ‌ساز باشد و فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) را به کودک خود منتقل کند، لازم است خود فرهنگ دینی داشته باشد و با فرهنگ دینی کودک را پرورش دهد.

عقیقه کردن برای فرزند که او را از بلا و شیاطین دور می‌کند به نوعی شکرگزاری در برابر نعمتی است که خداوند به آنها عنایت کرده و تراشیدن موی سر نوزاد و صدقه دادن برای او از آدابی است که والدین هنگام تولد باید رعایت کنند تا بتوانند به هدفی که انتخاب کرده‌اند و به آن ایمان دارند برسند.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۰، روایت ۱۹، باب ۵.

۱-۴. الگوسازی چهره‌های مقاومت

همه انسان‌ها به‌ویژه کودکان و نوجوانان به الگو نیازمند هستند. همانندسازی فرآیندی است که در طی آن کودک چگونگی رفتار و گفتار والدین را در خود پیاده می‌کند. نظام خانواده در اسلام می‌گوید که کودکان در مرحله اول از پدر و مادر خود الگو می‌گیرند و سپس در دوران مدرسه و بعدازآن از هر شخصی که علاقه آنان را برانگیزد الگوبرداری می‌کنند. توجه و شناخت والدین به اینکه فرزندشان چه کسی را به‌عنوان الگوی خود انتخاب می‌کند حائز اهمیت است و به همین جهت از ۳ سالگی تا بزرگسالی باید به دنبال الگوی مناسب برای آن‌ها باشند. این الگو می‌تواند خود والدین یا هر شخص دیگری باشند.

در قرآن بر پیروی از سرمشق‌های مناسبی مثل حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم...»^۱ «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا»^۲ اگر والدین بخواهند رفتاری را به فرزند خود آموزش دهند باید به شکل عملی آن را ارائه کنند. دراین‌باره یکی از روش‌های مناسب تربیتی ارائه الگوی مناسب برای فرزندان است. برای نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان والدین باید فرزندان خود را با افرادی آشنا کنند که اسوه‌ی مقاومت و ایثار و گذشت هستند و بایان داستان‌هایی از زندگی آن‌ها و رفتار نمونه آن‌ها در شرایط مختلف زندگی از شادی‌ها مانند ازدواج تا سختی‌ها مانند جنگ و شهادت به‌طوری‌که بر تربیت آن‌ها کار کنند.

فرهنگ مرزوبوم و ادبیات آن، سرشار از اسطوره‌هایی است که روحیه مقاومت در سراسر زندگی‌شان جریان داشته و آدم‌هایی مهربان و اخلاق‌گرا بوده‌اند. شهادتی که در ۵۰ سال اخیر در کشور داشتیم همگی قابلیت این را دارند که به داستان‌های شبانه برای کودک تبدیل شوند و الگوی خوبی برای نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان شوند. همچنین تصویرسازی صحیح از بسیجی‌ها یا افرادی که در روزگار ما ایثارگری می‌کنند و در سوریه به مقاومت در برابر دشمنان مشغول هستند در ذهن کودک بسیار مهم است تا بتواند آن‌ها را الگوی خود قرار دهد.

۱. ممتحنه، آیه ۴.

۲. احزاب، آیه ۲۱.

با وجود آنکه تعداد جانبازان بازمانده از دفاع مقدس کم است، اما هنوز کسانی که بتوان به عنوان یک مرجع و الگوی زنده به کودک معرفی شوند و همین ارتباط نزدیک با آن‌ها و آشنایی با افرادی که به خاطر آسایش ما خودشان را تا پای جان به خطر انداخته‌اند، اثرات بسیاری دارد. این روزها خانواده‌های شهدای مدافع حرم در اطرافمان هستند، بهتر است والدین از این رشادت‌ها به کودکان بگویند و به دیدار خانواده شهدا بروند و گذارند فرزندانشان با این فضا آشنا شوند. همچنین شایسته است والدین از نشانه‌های مقاومت فاصله نگیرند. مثل بازدید از موزه دفاع مقدس و مناطق جنگی و استفاده از وسایلی که نماد مقاومت هستند مثل سربند، چفیه و...

۲-۱. عوامل اجتماعی

۱-۲-۱. نقش نظام آموزش و پرورش در نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت
فرهنگ ایثار و شهادت از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگ اسلامی است که باعث حفظ و حراست از نظام جمهوری اسلامی می‌شود. همچنین تربیت فرزندان در پرتو فرهنگ شهادت‌طلبی می‌تواند قوی‌ترین ابزار در مقابل تهاجم فرهنگی باشد؛ بنابراین انتقال این فرهنگ به نسل جدید از اهمیت بسیاری برخوردار است. نخستین راه برای نهادینه کردن مفهوم ایثار در کودکان تعلیم و تربیت است و چه بسا تعلیم و تربیت بعد از خانواده در محیط مدرسه و نظام آموزشی صورت می‌پذیرد. نخستین گام برای آموزش و نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت و شهادت آشناسازی مخاطب با آن موضوع است. برای این آشناسازی راهکارهایی ارائه می‌شود:

ملموس سازی

یک مسئله برای آن‌که موردپذیرش یاد آموز قرار بگیرد، باید برای او ملموس باشد. باید توجه داشت که در آموزش مسائل مختلف، به سطح دشواری درک آن مسئله توجه ویژه شود. آموزش موضوعی مثل شهادت و تأثیر مثبت آن در زندگی افراد، مسلماً دشوارتر از آموزش عدالت‌طلبی است، زیرا عدالت برای یک فراگیر خردسال، ملموس‌تر است تا شهادت‌طلبی. عقاید و افکار دانش‌آموزان در سنین قبل از تفکر انتزاعی پیرامون مرگ و شهادت نسبتاً محدود است و احتمالاً نمی‌توانند از شنیدن خبر شهادت کسی بفهمند که بر سر او چه آمده است. بر همین اساس، بهتر است که مفاهیم مربوط به شهید و شهادت در پایه اول که احتمالاً دانش‌آموز به تفکر انتزاعی کامل نرسیده است، کمتر و

در پایه‌های دیگر بیشتر ارائه شود.^۱

تجربی سازی

این یک اصل است که یاد آموز، مسائلی را که خود بارها در زندگی، به شکل‌های گوناگون تجربه کرده است، بهتر فرامی‌گیرد. تجربی بودن، یعنی اینکه کودک، مسئله موردنظر را در میان آشنایان و دوستان خود به‌نوعی دیده باشد و با پیامدهای وقوع آن رخداد، آشنایی داشته باشد؛ مثلاً در زمینه آموزش شهادت‌طلبی، می‌توان از طریق تجربیات کودکانی بهره گرفت که از طریق یکی از اعضای خانواده یا نزدیکان این مسئله را تجربه کرده‌اند. تجربیات این کودکان، منبع مفیدی است برای تمام کودکانی که اصلاً ذهنیتی از این مسئله ندارند.^۲

آموزش از زبان همسالان

ابتکار یک مربی آموزشی باید چنین باشد که تلفیقی از روش‌هایی را به کار ببرد که در آن، هر یک از دانش آموزان، برای یکدیگر نقش یک مربی را ایفا کنند. کودکی که خاطرات پدرش را از جبهه‌های جنگ و نحوه شهادت او برای دوستانش تعریف می‌کند، ترویج فرهنگ شهادت‌طلبی را به بهترین نحو انجام داده است. حتی شاید این کار بهتر باشد از معلمی که هر روز برای دانش آموزان، از خاطرات جبهه خود و شهادت دوستانش برای آنان تعریف می‌کند.^۳

تصویرسازی

آموزشی که به همراه تصویرسازی انجام شود، پذیرش بهتری خواهد داشت. عموماً ارائه مسائل مهمی، چون شهادت‌طلبی، به‌صورت تئوری برای فراگیران، دشوار خواهد بود. یک فیلم آموزشی از شجاعت مجاهدانی که در جبهه‌ها علیه دشمنان به پا خاسته و جان خود را در این راه از دست داده‌اند، یا صحنه‌ای که در آن کودکان پا به پای پدران خود در برابر دشمن ایستادگی می‌کنند، یا به شهادت مارس‌اند، می‌تواند چنان بر روی بیننده مؤثر باشد که چندین کلاس درس، نتواند گوشه‌ای از این تأثیر را در اندیشه فراگیران بیافریند. به‌طورکلی، تصویرسازی در بخش آموزشی ما فقیر است.^۴

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۸۵، شماره: ۱۸۶۷۶.

۲. فرهادیان، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و حدیث، ص ۲۹۶.

۳. مصدقی، مجله رشد معلم، ص ۳۸.

۴. بکائی، پژوهش ماه کودک و نوجوان، شماره ۶۱، ص ۱۲.

تطابق گفتار و کردار

منظور از این اصطلاح آن است که نباید گفتار و کردار آموزگار با یکدیگر تناقض داشته باشد. آموزگاری که خود نتواند به آنچه می‌گوید عمل کند، نمی‌تواند الگوی مناسبی برای فراگیران خود تلقی شود. در بسیاری از موارد، رفتار معلمان و سایر کادر مدرسه بآنان آموزش، قوانین و مقررات نانوشته در محیط مدرسه، ارزش‌گذاری‌های غیررسمی و نظایر آن، ضمن ایجاد یادگیری‌های غیرمستقیم، تأثیر بسیار شگرفی در شکل‌گیری شخصیتی دانش‌آموزان دارد.^۱

آموزش گام‌به‌گام

به دانش‌آموزی که نمی‌تواند درک کند چرا به زمان نیاز است تا انسان جان خود را از دست بدهد، نمی‌توان از فواید درک شهادت‌طلبی و ایثار گفت. در وهله نخست، باید برای این دانش‌آموز، بسترسازی مفهومی کرد. بعدازآن باید برای وی جنبه‌های مختلف این مفهوم را ارائه داد. آموزش گام‌به‌گام به ما می‌گوید که به همه فراگیران به‌مثابه یک کلاس بزرگ نگاه نشود؛ چه‌بسا که عده‌ای از آنان، برای درک مفهوم شهادت‌طلبی نیاز به آموزش‌های ویژه داشته باشند؛ بنابراین، باید به توانایی دانش‌آموزان مختلف توجه داشت.^۲

ایجاد جو مناسب آموزشی

فضاسازی بدان معناست که پذیرش مفهوم شهادت‌طلبی و ایثار برای دانش‌آموز، امری قابل‌درک باشد و محیط یادگیری برای او باید چنان باشد که از آموزش‌هایی که به وی داده می‌شود، احساس لذت کند. همچنین فراهم کردن زمینه برای اردوی راهیان نور و بازدید دانش‌آموزان از مناطق جنگی، روحیه آن‌ها را با فرهنگ شهادت و مقاومت آشنا می‌کند و آن‌ها با آگاهی یافتن از رشادت‌های شهیدان و سختی‌هایی که آن‌ها برای دفاع از اسلام و کشور خود تحمل کرده‌اند، انگیزه بیشتری برای قدم برداشتن در این راه پیدا می‌کنند. همچنین می‌توان در فواصلی از سال که مقارن است با هفته دفاع مقدس است از دانش‌آموزان تقاضا شود که نمایشگاه دفاع مقدس برپا کنند تا از یک‌طرف خود آن‌ها شناخت بیشتری از شهیدان و زندگی‌نامه آن‌ها پیدا کنند و از سوی نوعی فرهنگ‌سازی سالم در آن‌ها انجام شود.

۱. محمودی، بررسی نقش تربیتی فرهنگ شهادت‌طلبی، ص ۲۵.

۲. غزالی طوسی، میزان العمل، ص ۱۲۹.

لذا مدرسه یک برنامه فرهنگی منظم جهت معرفی و تبیین مفهوم ایثار و شهادت به دانش‌آموزان داشته باشد که شامل خواندن وصیت‌نامه شهدا و سیر مطالعاتی زندگی‌نامه آن‌ها باشد.

۱-۲. توجه به ارزش‌های فرهنگ اسلام

یکی از وظایف همه مسلمانان، ترویج فرهنگ اسلام و توجه به ارزش‌های آن است. ارزش‌هایی که اسلام ارائه می‌دهد یا مربوط به فرد و زندگی فردی است یا مربوط به جمع و زندگی اجتماعی. در زندگی اجتماعی، ارزش‌هایی وجود دارد که همه باید آن‌ها را نسبت به هم رعایت کنند و در زندگی فردی، رعایت ارزش‌های اسلامی باعث آرامش روحی و جسمی فرد می‌شود.

همان‌طور که امام خمینی (ره) درباره فرهنگ و تربیت چنین می‌فرمایند: قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید. جوان‌هایی که در این فرهنگ تربیت می‌شوند همان‌هایی هستند که مقدرات کشور در دست آن‌هاست. اگر این‌ها درست بار بیایند همه خدمتگزار به مردم و میل به بیت‌المال و همه این‌ها در تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می‌کند. اگر ما موفق شویم به اینکه فرهنگ ما یک فرهنگ اسلامی بشود مدارس ما یک مدارس اسلامی بشود و آن و افرادی که از آن تحقق پیدا می‌کند و افرادی که تربیت می‌شوند در آن فرهنگ و در آن مدارس انسان هستند.^۱

در دین اسلام گنجینه‌های غنی از فرهنگ و ارزش‌ها وجود دارد که انسان‌ها با تمسک به آن می‌توانند دین و دنیای خود را آباد کنند. ارزش‌هایی که انسان‌ساز است و هریک از آن‌ها به‌نوبه خود اثرات مثبت و قابل‌توجهی در زندگی انسان دارند. از میان این ارزش‌ها و فرهنگ‌ها می‌توان عدالت‌خواهی، ایثار، گذشت، قناعت، نوع‌دوستی و بسیاری از فضایل اخلاقی دیگر را نام برد. ولی بحث ما در مورد فرهنگ مقاومت و شهادت است که اسلام ارزش زیادی برای این فرهنگ قائل است. روایات و احادیث فراوانی در مورد پاداش کسانی که این فرهنگ را در خود نهادینه کرده‌اند و به درجه رفیع شهادت نائل شده‌اند وجود دارد. همان‌طور که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «اغزا تورثوا ابناکم مجدداً» در جبهه‌های نبرد با دشمن همواره آماده و در راه خدا جهاد نمایید که شرف و افتخار را

۱. بیانات امام رحمة الله علیه به وزیر امور خارجه ترکیه، صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۴.

بعد از خود برای فرزندانان به یادگار خواهید گذاشت.^۱

بنابراین طبق این حدیث در اسلام ارزش فرهنگ شهادت نه تنها باعث سعادت‌مندی خود فرد می‌شود بلکه می‌تواند آن را به نسل بعد خود منتقل کند و زمینه را برای نهاده‌سازی این فرهنگ انسان‌ساز فراهم کند.

۱-۲-۳. مبارزه با فرهنگ غرب

طلبه یا دانشجویی که دغدغه فرهنگی دارد و برای مبارزه با تهاجم فرهنگی و جنگ نرمی که دشمن به راه انداخته تمام تلاش خود را می‌کند مطمئناً در دوران کودکی این روحیه در او تقویت شده است که باید با دشمن مبارزه کرد؛ زیرا فرهنگ مهاجم غربی همه‌چیز حتی هویت و شخصیت ما را از بین می‌برد؛ بنابراین، برای مقابله با دشمن باید نهاده‌سازی این فرهنگ را از دوران کودکی شروع کرد تا بتوان نتیجه آن را در دوران بزرگسالی مشاهده کرد. مثلاً از همان زمان خردسالی به خوراک و پوشاک کودک توجه ویژه‌ای شود و تغذیه سالم و حلالی داشته باشند و از مواد غذایی سالم و غیر ترا ریخته استفاده کنند.

اکثر پوشاکی که از طرف غرب وارد ایران می‌شود دارای تصاویری از نمادهایی از هم‌جنس‌گرایی، شیطان‌پرستی و ترویج فرهنگ غرب هستند و تأثیر بسزایی در خلق و خوی انسان و بعد معنوی او دارد؛ بنابراین اگر والدین از همان دوران کودکی پوشاکی را برای کودک خود انتخاب کنند که ایرانی اسلامی باشد و جسم او را با مواد غذایی سالم و حلال پرورش دهند از یک‌طرف با تهاجم فرهنگی غرب مقابله کرده‌اند و از طرف دیگر این روحیه مبارزه با فرهنگ غرب را در کودک خود نهاده‌اند.

اما چه کنیم که فرهنگ غرب نتواند به فرهنگ ما آسیبی وارد کند؟ در جواب این پرسش باید گفت باید قدرت دفاعی فرهنگی خود را آن‌قدر قوی کنیم که فرهنگ غرب نتواند در آن نفوذ کند. قرآن در این باره بیان شیوایی دارد: «علیکم انفسکم لایضرکم من ضلّ اذا اهتدیتم»؛ مراقب خود باشید هنگامی که شما هدایت یافتید، دیگر کسانی که گمراه شده‌اند به شما ضرری نمی‌رسانند؛^۲ یعنی اگر فرهنگ دینی در شما قوی گردد فرهنگ گمراه و گمراه‌کننده غرب به شما آسیبی نمی‌رساند. برای کسب چنین قدرت دفاعی باید از سه‌راه وارد شد:

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹.

۲. مائده، آیه ۱۰۵.

راه اول: اعتقادات توحیدی و اخلاق اسلامی را در جامعه تبلیغ کنیم تا شک‌ها را برطرف سازیم و جامعه از لحاظ اعتقادی و عمل دینی قوی شود و در مقابل تهاجم فرهنگی غرب نفوذناپذیر گردد.

راه دوم: باید با همه عواملی که تعلیم و تربیت اسلامی را متزلزل می‌سازد و زمینه را برای گرایش به فرهنگ غرب فراهم می‌کند مقابله کنیم.

راه سوم: باید با عوامل مستقیم و غیرمستقیم فساد فرهنگی در صورتی که اصلاح نشود برخورد شدید شود. بی‌تردید حوزه و دانشگاه که مرکز پرورش انسان‌های آگاه و تحصیل‌کرده است در مقابله با این تهاجم فرهنگی غرب نقش مؤثری را ایفا می‌کند. روحانی باید بتواند دین و فرهنگ دینی را با آگاهی به زمان و زبان تبلیغ کند؛ به تربیت الگویی و اسوه‌ای عنایت داشته باشد و از وجود خود و زندگی خود الگویی مقدس برای فرهنگ اسلام بسازد تا در کنار تبیین حقایق، تأثیر عملی نیز داشته باشد. دانشگاه نیز باید، با استفاده از قدرت و وجهه علمی و دانشگاهی، در پرتو نیروی ایمان و باورهای ماورایی، سنگر تدریس دانش و معرّق فرهنگی غنی اسلام و قرآن باشد و روحیه مقابله با فرهنگ غرب را در تحصیل‌کرده‌ها افزایش دهد.^۱

بنابراین در صورتی می‌توانیم فرهنگ مقاومت و شهادت را در کودک خود نهادینه کنیم که به‌صورت اساسی با فرهنگ غرب مقابله کنیم تا دشمن نتواند در زندگی دینی و دنیایی فرزندان اثر سوئی بگذارد.

۱-۳. عوامل دینی

یکی از عوامل مؤثر در نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان عوامل دینی هستند که شامل آنچه در قرآن و روایات است می‌شوند.

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که مربوط به ایثار و شهادت است و برای نهادینه کردن این فرهنگ در وجود فرزندانمان باید با استفاده از قرآن و روایات زمینه‌های لازم را فراهم کنیم که به‌تفصیل هرکدام را توضیح خواهیم داد.

۱. مجله فرهنگ کوثر، راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی غرب، شماره ۲۵.

۱-۳-۱. راه‌های نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت از منظر قرآن

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که مربوط به فرهنگ ایثار و شهادت است؛ به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. «ربنا و اجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امة مسلمة لك و ارننا مناسكنا و تب علینا آنك انت التواب الرحیم»؛ پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار داده و از نسل ما امتی فرمان‌بردار خود پدیدآور و آداب دینی ما را به ما نشان بده و بر ما ببخش که تویی توبه پذیر مهربان.^۱

یکی از عوامل مؤثر در تربیت کودک، پرورش روحیه عبودیت در اوست. والدینی که بتوانند کودک خود را عبد خدا تربیت کنند، باعث می‌شود که او فقط تسلیم خدا باشد و از طاغوت پیروی نکند و جان و مال خود را به خاطر خدا فدا کند؛ بنابراین، توجه به نسل و فرزندان، یک دورنگری عاقلانه و خداپسندانه است و حاکی از وسعت نظر و عشق درونی است و بارها در دعای حضرت ابراهیم آمده است «و من ذریتنا»^۲

۲. «رب اجعلنی مقيم الصلاة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب»؛ پروردگارا! من را برپادارنده‌ی نماز قرار ده و از فرزندان من نیز. پروردگارا! و دعای من را بپذیر. پروردگارا! روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای.^۳

در این آیه حضرت ابراهیم از خداوند هفت درخواست دارد؛ یکی از آن‌ها توجه قلوب و افکار مؤمنین نسبت به فرزندان و مکتب او و همچنین بهره‌مند شدن ذریه او از ثمرات است.^۴ بنا بر آنچه گفته شد مؤمنین باید نسبت به فرزند خود و به‌خصوص تربیت، توجه کامل داشته باشند و برای نهادینه‌سازی فرهنگ شهادت و مقاومت در او از مکاتب اهل بیت علیهم‌السلام کمک بگیرند تا بتوانند ثمره و نتیجه آن را مشاهده کنند.

۳. «ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قررة اعین و اجعلنا للمتقین اماما»؛ پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه‌ی روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.^۵

۱. بقره، آیه ۱۲۸.

۲. قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. ابراهیم، آیه ۴۰ و ۴۱.

۴. قرائتی، تفسیر نور، جلد ۶، ص ۲۹۹.

۵. فرقان، آیه ۷۴.

با توجه به آنچه در آیه فوق آمده است، انسان در برابر همه، فرزند و نسل خود متعهد است و باید برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کند. «ربنا هب لنا من ازواجنا»^۱ در تربیت علاوه بر علم و تلاش، باید از خدا نیز کمک خواست که روحیه مقاومت و شهادت را در کودکان نهادینه سازد و به او توفیق مقام بلند شهادت را عنایت فرماید.

۴. «رب اوزعنی ان اشکر نعمتک آلتی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحا ترضاه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین» پروردگارا! بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان. در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم.^۲

در این آیه آمده که انسان با ایمان هنگامی که به ۴۰ سالگی رسید سه چیز را از خدا تقاضا می‌کند: اول اینکه پروردگارا به من توفیق بخش تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به‌جا آوردم. دوم: به من توفیق بده تا عمل صالح به‌جا آورم و در سومین تقاضای خود عرض می‌کند: خداوندا! صلاح و درستکاری را در فرزندان و ذریه من تداوم‌بخش و صلاح و نیکی فرزندان من، چنان باشد که نتایجش عاید من نیز بشود.^۳

۱-۲. راه‌های نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان از منظر احادیث فراهم کردن زمینه رشد و تعالی انسان تعلیم و تربیتی است که باعث به کمال رسیدن بشر می‌شود. آنچه هدف تربیت اسلامی است رسیدن به رستگاری است و از آنجاکه یکی از بهترین الگوهای تربیت فرزند شهادت طلب اهل بیت (علیهم‌السلام) و حضرت علی (علیه‌السلام) است که از نسل آنها نه ستاره درخشان و حضرت حجت در آسمان امامت و ولایت درخشیده‌اند؛ اللهم این‌رو با توجه به نهادینه‌سازی فرهنگ شهادت در کودکان به مواردی از احادیث که مرتبط با تربیت فرزند و تقویت شجاعت در اوست می‌پردازیم.

۱. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «رحم الله من اعان ولده علی بره قال کیف یعینه علی بره قال: یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره و لا یرهقه و لا یخرق به.» خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را در نیکی به خودیاری می‌کند. راوی حدیث پرسید: چگونه فرزند را در نیکی به خودیاری نماید؟ حضرت فرمود: آنچه را که کودک در قوه و توان داشته و انجام داده است از او قبول کند، آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست

۱. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۸۶.

۲. احقاف، آیه ۱۵.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۳۰.

از او نخواهد، او را به گناه و طغیان وادار نکند، به او دروغ نگوید و در برابر او مرتکب اعمال جاهلانه نشود.^۱

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «بادروا احداثکم بالحديث قبلان يسبقکم اليهم المرجئه» احادیث اسلامی را به نوجوان خود بیاموزید و در انجام وظیفه تربیتی تسریع نمایید، پیش از آنکه مخالفان گمراه بر شما پیشی گیرند و آنان را گمراه سازند.^۲

۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «علموا صبيانکم ما ينفعهم الله به و لا يغلب علیهم المرجئه برائی‌ها» به کودکانتان چیزهایی بیاموزید که خداوند با آن چیزها سودشان می‌رساند تا مرجئه با دیدگاهشان بر آنان چیره نشوند.^۳

یکی از مصادیق عاقبت‌به‌خیری شهادت در راه خداست. نیکی به والدین زمینه را برای شهادت فرزند فراهم می‌کند. به عبارت دیگر فرزندی که به والدین خود نیکی کند و آن‌ها را از خودراضی نگه دارد اگر خواهان شهادت در راه خدا باشد دعای والدین در این زمینه برای او به هدف استجابت نزدیک‌تر می‌شود. یکی از عوامل سستی در اعتقادات شبهات بسیار گسترده دشمن در فضای رسانه‌ای و مجازی است و آزش مبنایی و مستدل اعتقادات می‌تواند تا حد زیادی از این امر جلوگیری نماید و کودکان ما را در برابر این‌گونه شبهات مسلح گرداند. نهاده‌سازی آن در دوران کودکی باعث می‌شود فرزند به هنگام نیاز برای حفظ ارزش‌های اسلام از جان خود بگذرد.

همچنین در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه که دعای امام سجاد علیه السلام برای فرزندان است آن حضرت می‌فرماید: «اللهم و منّ علی بقاء ولدی و باصلاحهم لی و بامتاعی بهم، الھی امدد لی فی اعمارهم...» بار خدایا! با بقای فرزندانم و با صالح گردانیدن آنان برای من و با بهره‌مند شدن من از آنان، بر من منت‌گذار؛ و آنان را نیکوکار، پارسا، بینا، شنوا، فرمان‌بردار خود، دوست خیرخواه دوستان خود و دشمن خشمگین همه دشمنانت قرار ده و مرا در تربیت کردن و ادب آموختن و نیکی کردن به آنان، یاری فرما.^۴

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

۳. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۵۰۷.

۴. صحیفه سجادیه، ص ۱۰۵، دعای ۲۵.

۲. راهکارهای ترویج فرهنگ مقاومت و شهادت

برای ترویج و نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت نیاز به شرایط و فضای مناسبی است تا مورد تعامل و شناخت صحیح تمام اقشار مردم از کودکان گرفته تا بزرگسالان و سالمند در سطوح مختلف جامعه قرار گیرد و با اقبال حداکثری روبرو گردد و لذا به کاربست راهکارها و پیشنهادهایی که به عمده‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود در ایجاد این فضای مناسب گام بلندی خواهد بود.

الف- ایجاد ارتباط و تعامل متقابل از سوی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران با جوانان به‌ویژه جوانان دانشگاهی و مدرسه‌ای و نیز ایجاد تعامل سازنده با دیگر نهادهای آموزشی و پژوهشی و استفاده از ایده‌های متخصصان و صاحب‌نظران حوزه دین.

ب- معرفی شهدا و ایثارگران به‌عنوان الگوهای راستین به کودکان و نوجوانان؛ به‌این ترتیب که اگر بخواهیم درباره مصادیق ایثار در رزمندگان و جانبازان کارکنیم و آنان را به کودکان و نوجوانان بشناسانیم باید با سازوکارهای مناسب از جمله تبلیغات رسانه‌ای، اختصاص بخشی از خطبه‌های نماز جمعه به معرفی آنان، اختصاص بخشی از محتوای متون درسی به ایثارگری‌ها و فداکاری‌های شهدا و غیره، آنان را به نسل جوان معرفی کنیم و با ایجاد یک محیط مناسب برای تماس و معاشرت متقابل، می‌توانیم شاهد شکل‌گیری زنجیره‌ای همگون از گروه‌های مرجع، تأثیرگذار و اثرپذیر، در تعامل با یکدیگر به جهت پیوندهای عمیق بین امت و الگوهای راستین باشیم.

ج- رسانه‌های جمعی: عموماً صداوسیما به‌عنوان مهم‌ترین کانال فرهنگ‌ساز که هدایتگری روند کلی فرهنگ جامعه را به عهده دارد، می‌تواند در احیا، رونق و نهادینه‌سازی هرچه بهتر و بیشتر این فرهنگ متعالی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. تردیدی نیست که رسانه‌های جمعی، در کنار سایر عوامل مانند خانواده، محیط‌های آموزشی، کانون‌های مذهبی و سایر بخش‌های جامعه، نقش برجسته‌ای در انتقال فرهنگ و نهادینه‌سازی آن ایفا می‌کنند. فیلم‌ها و زنجیره‌های تلویزیونی با به‌کارگیری بازیگران متعهد و مسئولیت‌پذیر و مؤمن می‌توانند تأثیر عمیقی در وجود کودکان بگذارند. با اجرای تئاتر به‌عنوان نمایشی زنده در مدارس، باهدف شناساندن مجاهدت‌های ایثارگران و شهدا به شکل عینی و ملموس آن‌ها را به این راه هدایت می‌کند.

د-گاهی تصور خانواده‌ها از تربیت فرزندانشان مطابق بافرهنگ مقاومت و شهادت، تصویری دور از واقعیت است. آنان گمان می‌کنند که این نوع پرورش فرزندان، مستلزم رعایت هنجارهای بسیاری است که از توان آن‌ها خارج است. از همین رو کمتر به آن می‌پردازند. در صورتی که چنین نیست و تنها رعایت اصول سفارش شده در متون دینی و تربیتی اهل بیت و سیره عملی معصومین (علیهم‌السلام) و رهنمودهای امام و رهبری عزیز و شهدا و ایثارگران می‌تواند در این مسیر راه گشا باشد.

ه- فرهنگ مقاومت و شهادت نیز مانند سایر فرهنگ‌ها در طول تاریخ تغییر و تحول می‌یابد. پس باید مواظبت و نگهداری شده و همواره مورد پالایش قرار گیرد تا سنت‌های غلط وارد آن نشود و به کارکردهای آن در بستر زمان توجه گردد.

و- با توجه به اینکه امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی ما در زمینه فرهنگ مقاومت و شهادت به تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان از آن مربوط می‌شود، لذا شایسته است در این رابطه توجه ویژه‌ای به نسل جوان بشود و با نیازسنجی و تأمین مطالبات به‌حق آنان و تدوین برنامه‌های جامع، در خصوص آگاهی‌سازی آنان نسبت به هجمه‌های فرهنگی دشمنان اقدام شود. در این خصوص با راه‌اندازی پایگاه‌های اینترنتی، ارتباطی دائمی با این نسل برقرار گردد و به پرسش‌ها و شبهات ذهنی آن‌ها پاسخ داده و توصیه‌های رهبر عزیز در این زمینه عملیاتی شود.^۱

۳. موانع بازدارنده نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان

اصولاً برای این‌که در یک جامعه فرهنگ‌سازی خوبی صورت بگیرد باید موانع این فرهنگ‌سازی شناخته شود تا بتوان با برداشتن این موانع راه را برای رسیدن به هدف هموار کرد. از آنجایی که یکی از بخشه‌ای فرهنگ غنی و ناب اسلام، فرهنگ ایثار و شهادت است، شناخت صحیح و کافی درباره ابعاد گوناگون آن و اشاعه آن، در سطح جامعه علاوه بر شرایط و فضای مناسب فردی و اجتماعی نیازمند شناسایی و رفع اصلی‌ترین موانع و عوامل بازدارنده در این ارتباط است؛ که در این پژوهش به عمده‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف- عدم شناخت صحیح و کافی نسل‌های جدید از فرهنگ ایثار و شهادت به واسطه ایجاد شکاف بین نسل جوان با نسل شهدا و ایثارگران که منشأ بخشی از مشکلات است؛ همین‌طور عدم پاسخگویی به شبهات فکری ایجادشده برای نسل جوان در این زمینه.

۱. محمودی ایوب، بررسی نقش تربیتی فرهنگ شهادت طلبی.

ب- تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی و داخلی در قالب تبلیغات سوء رسانه‌ای و جنگ نرم نسبت به عناصر اصیل فرهنگ اسلامی ازجمله فرهنگ ایثار و شهادت و کمرنگ ساختن پیامدهای مثبت آن برای جامعه.

ج- وجود دغدغه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه و اولویت منافع فردی بر مصالح همگانی که منجر به تضعیف باورهای فرهنگ اسلامی و روحیه ایثار و شهادت طلب نزد اقشار مختلف جامعه می‌شود.

د- نبود ارتباط کافی خانواده‌ها با سازمان‌های فرهنگی و مذهبی ازجمله، بنیاد شهید و امور ایثارگران و همین‌طور روابط اندک این مراکز با نهادهای علمی و پژوهشی خصوصاً دانشگاه‌ها و بالعکس و کمبود محسوس فعالیت‌های پژوهشی در این حوزه.

ه- ضعف ساختار و محتوای سازمان‌ها و نهادهای مذهبی و فرهنگی مرتبط با امور ایثارگران و شهدا از قبیل ضعف مدیریت، برنامه‌ریزی، کنترل، نظارت، آموزش، تبلیغ و غیره و در همین رابطه وجود موازی کاری‌های متعدد که با اتلاف انرژی و منبع مادی و انسانی و نیز وجود بوروکراسی در بین نهادهای مذکور به جهت تسلط برخی از افراد کم‌صلاحیت بر این مراکز که مانع بزرگی بر سر رسیدن به اهداف موردنظر است.

و- نهادینه شدن برخی رفتارهای غلط و افکار نادرست در اذهان بسیاری از مردم به خاطر عدم تبیین صحیح از فرهنگ ایثار و شهادت و نیز برخوردی تند و غلط در این ارتباط که موجب جبهه‌گیری می‌گردد.

م- برخورد سلبی و غیر تربیتی با جوانان و عدم استفاده از زبان مناسب و ضعف در معرفی الگوهای عملی به آنان و کم‌توجهی به نقش سازنده آن‌ها به همراه محکم نبودن پایه‌های فکری و عدم درک صحیح از این مقوله‌ها.

ی- و نهایتاً، عدم توجه به اولویت باندی‌ها، مقتضیات زمانی و عدم شناخت کافی از این موانع و راه‌های مقابله با آن.

بنابراین پرواضح است تا زمانی که این موانع و چالش‌ها مرتفع نگردند، هرگز نمی‌توان انتظار داشت ایثار و شهادت در جامعه اسلامی به‌طور کامل و صحیح اشاعه یابد. این نیازمند بینش و تحلیلی جامعه‌شناختی و الهیاتی است.^۱

نتیجه گیری

ما در این مقاله قصد بررسی موضوع مهمی، همچون راه‌های نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان را داشته‌ایم که در این راستا سعی کرده‌ایم تا با رویکردی دینی و جامعه‌شناختی، به تحلیل مسئله موردنظر بپردازیم. لذا در قالب یک چارچوب مشخص و منسجم پس از تبیین ضرورت و اهداف پژوهش و تشریح مفهوم مقاومت و شهادت و با بررسی مواردی همچون عوامل مؤثر بر نهادینه کردن فرهنگ مقاومت و شهادت، موانع این فرهنگ‌سازی، نهایتاً به ارائه راهکارهای عملی برای ترویج این فرهنگ پرداخته‌ایم. سپس به این نتیجه‌گیری کلی رهنمون شدیم که با اتمام جنگ نباید شهدا، ایثارگران و فداکاری‌های آنان فراموش شود.

چراکه نسل جدید با خاطرات آنان روبه‌روست و باید این نسل را با شهدا، ایثارگران و فرهنگی که به آن پایبند بوده‌اند آشنا کنیم و ارزش و اهمیت کار آن‌ها را در جامعه به‌خوبی روشن سازیم؛ زیرا اگر کودک بتواند آرمان شهدا و ایثارگران و جانبازان را به‌خوبی درک کند، از کارکردهای مثبت آن‌که همانا بهره‌مندی از روحیه شجاعت و مقاومت در برابر فسادها و ناهنجاری‌های جامعه و به تبع آن شکل‌گیری یک شخصیت سالم، مو من و شهادت‌طلب است بهره‌مند می‌شود. تمامی این امور در نهادینه شدن فرهنگ مقاومت و شهادت در کودک متجلی است که از آن می‌توان به‌عنوان دژی محکم برای حفظ دین اسلام استفاده کرد؛ بنابراین، فرهنگ مقاومت و شهادت فرهنگی است که با آزاداندیشی و نهادینه شدن آن در اعماق قلب فراگیر آن جامعه به‌خصوص کودکان و نوجوانان، باعث گسترش آزادی فکر و اندیشه می‌شود. هر فرهنگی مکانیزه‌ای دفاعی مخصوص به خود را دارد؛ ازجمله فرهنگ شهادت‌طلبی که از زیرمجموعه‌های فرهنگ دینی است و از بهترین و قوی‌ترین مکانیسم‌ها در این راستا است. در این میان نظام آموزش و پرورش کشور به‌عنوان متولی امر تعلیم و تربیت می‌تواند نقش سازنده‌ای در ترویج فرهنگ مقاومت و شهادت در کودکان ایفا کند؛ زیرا بهترین مقطع برای نهادینه‌سازی این فرهنگ اصیل اسلامی، دوره‌ای است که کودکان بیشترین تأثیر را از محیط دریافت می‌کنند.

بی‌شک، اگر بتوانیم با راهکارهای اصولی و عملی، فرهنگ غنی مقاومت و شهادت را به فرهنگی جذاب و سازنده تبدیل کنیم که فراگیران در هر مقطعی به آن هم چون امری حیاتی و موردنیاز بنگرند، قطعاً راه دراز مصنوعیت در برابر تهاجم فرهنگی غرب را به‌آسانی طی کرده‌ایم. تلاش برای احیای فرهنگ ایثار و شهادت به برنامه‌ریزی بنیادین نیاز دارد و ما در این مقاله به گوشه‌ای از آن اشاره کرده‌ایم. به امید آنکه با تأسی به فرهنگ غنی مقاومت و شهادت، جامعه اسلامی ما از زیر هجمه‌های تبلیغاتی غرب، خود را نجات داده و راه سعادت و عدالت را در مکتب همیشه جاوید اسلام جستجو کند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن
۲. صحیفه سجادیه
۳. بکایی، حسین، پژوهش ماه کودک و نوجوان، ماهنامه کودک، شماره ۶۱، ۱۳۸۴، ش.
۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ه.ق.
۵. خوانساری، محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش.
۶. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه، غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۱ ش.
۷. صاحبی، محمدجواد، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، بی‌جا: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
۹. غزالی طوسی، ابو حامد امام محمد، میزان العمل، ترجمه: علی‌اکبر کسمایی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. فراهانی، مجتبی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. فراهیدیان، رضا، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: انتشارات موسسه درراه حق، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. کیهان، روزنامه، شماره ۱۸۶۷۶۰، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۶. لویس معطوف، فرهنگ المنجد عربی به فارسی، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی چاپ اول ۱۳۸۷ ش.
۱۷. متقی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۱ ه.ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ترجمه حسن بن محمدولی ارومیه‌ای، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ شمسی.
۱۹. حلیه المتقین، بقیع: موسسه انتشارات نوای دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶.
۲۰. مجله فرهنگی کوثر، راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی غرب، شماره ۲۵، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد، حکمت نامه کودک، مترجم عباس پسندیده، قم: دارالحدیث ۱۳۸۵ ش.
۲۲. محمودی، ایوب، مقاله بررسی نقش تربیتی فرهنگ شهادت‌طلبی، نوید شاهد، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. مصدقی، مجتبی، مجله رشد معلم، شماره ۱۰۵، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۵. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مدرسه آل‌البیت ع، ۱۴۰۸ ه.ق.
۲۶. نوید شاهد، راهکار ترویج فرهنگ شهادت، پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ اینار و شهادت.

پیامدهای تک‌فرزندی در جامعه

سمانه مرادی شاه قاسمی^۱

چکیده

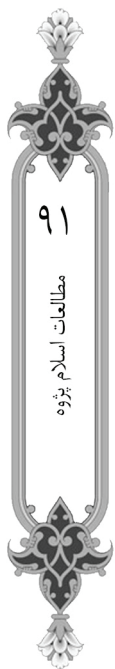
خانواده به عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین رکن پویای اجتماعی، دارای وظایف متعددی است که یکی از تکالیف مهم آن تداوم بقا و ایجاد و تربیت نسلی با برنامه، پویا و اثرگذار است. زادآوری آگاهانه با رعایت مؤلفه‌های سلامت مادر و کودک در شرایط کنونی جامعه مصداق همدلی و هم‌زبانی در یکی از نیازهای پایه جامعه و پاسخگویی به توازن جمعیتی است که مشارکت هدفمند و منطقی مردم را می‌طلبد.

شماری از خانوارهای ایرانی به خاطر پیروی از فرهنگ غرب که داشتن فرزند کمتر را محور برخورداری از زندگی بهتر قلمداد می‌کنند، فرزندان خود را از موهبت داشتن عمو، عمه، دایی و خاله محروم کرده‌اند و این خلأهای عاطفی، کمرنگ شدن حلقه‌های ارتباط فامیلی و پناهجویی به عرصه مجازی و یا تنهایی را به نسل جوان تحمیل کرده است. رواج تک‌فرزندی باعث می‌شود که جمعیت کشور رو به کاهش و پیری برود و فضای جوانی و شادابی کمتر دیده شود. کاهش نسل جوان و پیر شدن جمعیت، می‌تواند چرخه تولید و اقتصاد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به تحقیقاتی صورت گرفته، تک‌فرزندی دارای پیامدهای فراوان و غیرقابل جبران اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، فرهنگی و مذهبی است و کشور را با آسیب‌ها و مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. مشکلاتی همچون پیری جمعیت، فروپاشی خانواده، به هم خوردن تعادل جنسیتی، کاهش روابط اجتماعی، بحران سالمندی، کاهش جمعیت فعال و نخبه، تضعیف قدرت و اقتدار کشور، کاهش نیروی نظامی امنیتی و عدم توسعه اقتصادی را به دنبال دارد و اگر تک‌فرزندی در جامعه‌ای گسترش یابد، لطمه بزرگی بر پیکره آن وارد می‌کند و موجب ضعف و انحطاط آن جامعه می‌شود. محور اصلی این پژوهش بررسی پیامدهای اجتماعی تک‌فرزندی از جهت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی بوده است که به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: خانواده، جامعه، تک‌فرزندی، پیامد

۱. دانش آموخته سطح دو مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع): moradialireza@gmail.com



مقدمه

خانواده بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نهاد جامعه است که در جوامع صنعتی به لحاظ ساختار تغییرات زیادی کرده است و از شکل گسترده به شکل هسته‌ای تبدیل شده است و امروزه اعضای خانوار به سه یا چهار نفر کاهش یافته است و عوامل گوناگونی موجب گردیده تا والدین تمایل کمتری به داشتن بیش از یک فرزند داشته باشند و به عبارتی دیگر پدیده تک‌فرزندی نسبت به گذشته رواج بیشتری یابد تک‌فرزندی یا به‌طور کلی عدم فرزند آوری از گسترش خانواده‌ها می‌کاهد و این امر موجب تغییر شکل الگوی خانواده و از بین رفتن انسجام خانواده می‌شود و لطمه بزرگی بر پیکره جامعه وارد می‌کند؛ و افراد همچون ماشین فقط و فقط به خود فکر می‌کنند و پیامد آن ورود افراد منزوی و افسرده به جامعه است؛ و موجب به وجود آمدن جامعه سرد و سرخورده می‌شود و مشکلات عدیده جمعیتی و اقتصادی و فرهنگی و... در جامعه به دنبال خواهد داشت. لذا در این پژوهش سعی می‌شود پیامدهای این پدیده بیان شود تا مورد استفاده مردم و مسئولین قرار گرفته شود و قبل از اینکه این پدیده منجر به انحطاط و شکست جامعه شود برای حل این مشکل چاره‌ای اندیشیده شود.

در طول تاریخ همواره روش تک‌فرزندی غیرعادی ارزیابی شده است و نگاه غیرعادی به آن بوده و متأسفانه این فرهنگ غلط در جوامع اسلامی در حال گسترش است در حالی که تک‌فرزندی پیامدها و مشکلات غیرقابل جبرانی را به دنبال خواهد داشت و استحکام و سلامت جوامع اسلامی را به خطر می‌اندازد و سرمایه‌های جامعه از بین می‌روند و موجب اقتصادی تک‌بعدی و مشکلات سیاسی و فرهنگی فراوانی می‌شود لذا در این مقاله سعی می‌شود تا پژوهشی در رابطه با پیامدهای اجتماعی تک‌فرزندی در حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی از منظر آیات و روایات صورت گیرد. تا مسئولان و مردم با آشنایی با این پیامدهای سهمگین آن جلوی این فرهنگ غلط را بگیرند. پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی فرزند آوری و تک‌فرزندی نوشته شده است.

۱. کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکره مسلمین اثر محمدحسین حسینی تهرانی به صورت کلی به مسئله کاهش جمعیت که یکی از عوامل آن تک‌فرزندی است پرداخته است و در آن مسئله کنترل جمعیت از دیدگاه قرآن و اسلام مورد تحلیل قرار گرفته است.
۲. کتاب روانشناسی تک‌فرزندی از علی اسلام زاده که به برخی از ویژگی‌ها و معایب تک‌فرزندی و به بایدها و نبایدها می‌پردازد و به پیامدهای اجتماعی این پدیده نیز

به صورت مختصر اشاره می‌کند و وظایف والدین تک‌فرزند را بیان می‌کند.

۳. کتاب آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی اثر کریم دژ برابر به شناخت آسیب‌ها و چالش‌های تک‌فرزندی در زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌پردازد و از روش توصیفی تحلیلی کتابخانه‌ای استفاده می‌کند؛ و برخی از پیامدهای تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی را بیان می‌کند.

همچنین در برخی از کتاب‌ها و مقالات دیگر به صورت عام و تیتروار به این مسئله اشاره شده است. این تحقیق به طور خاص به مسئله تک‌فرزندی می‌پردازد و موضوع را به صورت تخصصی از منظر دین اسلام مورد بررسی قرار می‌دهد و از سایر آثار گذشته بهره می‌گیرد و نظر دین اسلام را به صورت واضح بیان می‌کند.

فرزند پروری یکی از وظایف مهم خانواده است و از طرف دیگر امروزه بسیاری از کارکردهای خانواده دچار تغییرات اساسی شده است و رواج تک‌فرزندی را در جوامع اسلامی شاهد هستیم. تک‌فرزندی یا به طور کلی عدم فرزند آوری موجب تغییر شکل خانواده و از بین رفتن انسجام و استحکام خانواده می‌شود و لطمه بزرگی بر پیکره جامعه وارد می‌کند.

چنانچه این پدیده در جامعه‌ای رواج یابد و جلوی آن گرفته نشود آن جامعه را به انحطاط و نابودی می‌کشاند.

تک‌فرزندی موجب ورود افراد منزوی و افسرده به جامعه است و موجب تشکیل جامعه‌ای سرد و سرخورده می‌شود و مشکلات فراوان سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و ... را به دنبال خواهد داشت.

۱. پیامدهای اجتماعی تک‌فرزندی از منظر آیات و روایات چیست؟

۲. پیامدهای جمعیتی تک‌فرزندی از منظر آیات و روایات چیست؟

۳. پیامدهای فرهنگی مذهبی تک‌فرزندی از منظر آیات و روایات چیست؟

۴. پیامدهای اقتصادی تک‌فرزندی از منظر آیات و روایات چیست؟

۵. پیامدهای سیاسی تک‌فرزندی از منظر آیات و روایات چیست؟

هدف این پژوهش به دست آوردن پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... تک‌فرزندی از منظر آیات و روایات تا در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

مفهوم شناسی

۱. اجتماعی

اجتماعی در لغت به معنی منسوب به اجتماع، همگانی و عمومی است.^۱ و در اصطلاح اجتماعی مقابل فردی است و به کاری که به اجتماع و همگان بستگی داشته باشد می‌گویند. آنچه مربوط به گروهی باشد که باهم زندگی می‌کنند مانند مؤسسات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و مانند آن‌ها است.

۲. تک‌فرزندی

از دو واژه تک و فرزند تشکیل شده است که تک در لغت به معنی اندک و قلیل و کم است و فرزند در لغت به معنی نسل است و پسر و دختر هر دو را گویند.^۲ تک‌فرزند در اصطلاح پدیده‌ای است که طی آن خانواده‌ها (مرد و زن) میزان باروری خود را به حداقل تولید نسل و داشتن یک فرزند پایین می‌آورند و به داشتن تنها یک فرزند اکتفا می‌کنند و این فرزند خواهر و برادری ندارد.

۳. پیامد

پیامد در لغت به معنی آثار و عواقب است^۳ و در اصطلاح حالت یا پدیده‌ای است که ممکن است در نتیجه تحقق یک فرایند یا اقدام برای جامعه یا سازمان یا وضعیت فرد رخ دهد و آثار متفاوتی را به دنبال داشته باشد.

پدیده تک‌فرزند که امروزه در جوامع اسلامی خصوصاً کشور ایران در حال گسترش است پیامدهای فراوان و غیرقابل جبرانی را از جنبه‌های مختلف به دنبال دارد که در این مقاله سعی بر این است که پیامدهای اجتماعی آن را تحت چهار عنوان کلی به صورت مختصر بیان کنیم.

۱. معین، لغت نامه معین، باب حرف ا.

۲. دهخدا، لغت نامه دهخدا، باب حرف ت.

۳. www.vajehyab.com

۱. پیامدهای جمعیتی

۱-۱. پیری جمعیت

از عوارض تک‌فرزند، پیری نسل کشورها است؛ چون تعداد نوزادان کاهش یافته، به دنبال آن، تعداد نوجوانان و جوانان کم خواهد شد و جامعه آینده شامل جوانانی کم در برابر عده زیاد مردان و زنان پیر و کهن‌سال خواهد بود. این مشکلی است که امروز دامن‌گیر برخی از کشورهای اروپایی همچون: فرانسه، انگلستان، ایتالیا و ... شده است. کشورهای غربی با معضلات زیادی مواجه شده‌اند که یکی از آن‌ها کمبود جمعیت و پیری کشور است. کشورهای پیر فاقد تحرک، پویایی، خلاقیت، ابتکار و شادابی هستند و دچار رکود، جمود، ایستایی و یکنواختی می‌گردند.^۱

برابر اعلام رسمی سازمان ملل، جمعیت ایران اگر روند فعلی را طی کند در هشتاد سال آینده یعنی در سال ۱۴۷۰ ش، به ۳۱ میلیون نفر کاهش می‌یابد که ۴۷ درصد آن را افراد بالای شصت سال تشکیل می‌دهد.^۲

۱-۲. به هم خوردن تعادل جنسیتی

فرهنگ جوامع نسبت به جنسیت متفاوت است. در برخی جوامع و فرهنگ‌ها گرایش بسیاری به فرزند پسر وجود دارد که می‌توان این نوع تفکر را آشکارا در دوران جاهلیت دریافت کرد.

در برخی جوامع دیگر، گرایش ویژه‌ای به جنسیت فرزند وجود ندارد و صرف فرزند داشتن اهمیت دارد.

گرچه دین اسلام تبعیض جنسیتی مردم درباره فرزندان را نکوهش و از آن نهی کرده است و تمام انسان‌ها را دارای یک قدرت برای رسیدن به کمال می‌داند، شوربختانه تفکر تبعیض جنسیتی در برخی افراد جامعه و گرایش به جنس خاص هم چنان وجود دارد.

۱. <https://www.ziaossalehin.ir>

۲. فولادی، کاهش جمعیت آخرین راهبرد غرب، ص ۱۰۹۵.

افرادی که اقدام به تک‌فرزندی می‌کنند، اصولاً به دنبال فرزندى هستند که بتواند تمام خواسته‌های آنها را که با چند فرزند حاصل می‌شود محقق کند، از این رو با توجه با پیشرفت علوم پزشکی به خصوص در این زمینه، شرایط را برای تولد فرزندى با جنس موردعلاقه که اصولاً پسر بودن فرزند است فراهم می‌کند؛ بنابراین، در آینده با مشکل عدم تعادل جنسیتی در جامعه روبرو می‌شویم و در زمینه‌های مختلف دچار کمبود نیروی انسانی برای ازدواج و برخی مشاغل که حضور زنان را می‌طلبد خواهیم شد.^۱

۱-۳. کاهش جمعیت نخبه

از اصلی‌ترین پایه‌های پیشرفت و توسعه کشور، نیروی انسانی است. کشوری که با پیری جمعیت روبرو شود، خودبه‌خود جمعیت جوان و نخبه آن دچار آسیب می‌شود و این کشور مهم‌ترین برگ برنده خود را در توسعه از دست خواهد داد. همان‌طوری که بسیاری از کشورهای پیشرفت این جمعیت نخبگانی را بامغزهای متفکر جوانان کشورهای جهان سوم جبران می‌کنند.

۱-۴. بحران سالمندی

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در خانواده‌های تک‌فرزند، تحمل بار نگهداری والدین سالمند و به دوش کشیدن زحمات بیماری آنها از یک سو و سنگینی هزینه‌های درمانی والدین از سوی دیگر است که موجب می‌شود سرانجام والدین را به خانه‌های سالمندان بپارند، یا دولت، هزینه‌های نگهداری درمان آنها را بر عهده گیرد و یا باید یگانه فرزند خانواده، به تنهایی تمام این هزینه‌ها و زحمات را متحمل شود.^۲

۱-۵. کمبود نیروی افتخارآمیز

نیروی نخبه از جمعیت کثیر به دست می‌آید که با رواج تک‌فرزندى از این نیروی افتخارآمیز و فعال در عرصه‌های مختلف کاسته خواهد شد که عبارت‌اند از:
الف: علمی و فرهنگی: از بعد علمی، زمانی که جمعیت کاهش پیدا کند بسیاری از مراکز علمی و پژوهشی تعطیل خواهد شد؛ بنابراین نیروهای نخبه و قوی‌تر در این زمینه زاده نمی‌شوند و جمعیت علمی جامعه با کمبود نیرو مواجه می‌شود.

۱. دژبرار، آسیب شناسی تک‌فرزندى از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعى، ص ۱۱۹.

۲. <http://payamesemnan.com>.

ب: ورزشی و ملی: در زمینه ورزشی که جایگاه خاص خود را در عرصه‌های بین‌المللی دارد، دچار کمبود نیرو و تعطیل شدن برخی مراکز خواهیم شد که این کمبود نیرو می‌تواند منجر به از بین رفتن برخی رشته‌های افتخارآمیز و از بین رفتن نیروی فعال در این زمینه شود.

ج: شکاف نسلی: از جمله عوارض کاهش جمعیت و تک‌فرزندی، ایجاد شکاف نسلی بین افراد جامعه است.

جامعه سالمندان اگرچه به‌عنوان معلم و استاد تجربه می‌تواند در پیشبرد اهداف یک جامعه مفید باشد، در این صورت تعداد مشاوران از مراجعات بیشتر می‌شود! وقتی درصد افراد سالمند بالا برود، به‌موازات آن علاقه به محافظه‌کاری بیشتر و نوعی وابستگی به سنت‌های اجتماعی پیدا می‌شود.

پیدایی محافظه‌کاری و مقاومت در برابر تغییرات موجب درجا زدن و عقب‌ماندگی می‌شود. همچنین خطرپذیری در چنین سنی کاهش یافته، با جامعه‌ای که در ابداع و پذیرش نوآوری و اصلاحات از خود مقاومت نشان دهد، روبرو خواهیم شد.

همچنین سالمندان انتظارهای خاص خود را دارند، درحالی‌که نیروی جوان، افزون بر این‌که نیز دارای سلیقه‌های متفاوت با سالمندان است، تعداد فرزندان نیز خلقیاتی ویژه دارند که با ایجاد شکاف نسلی پدید خواهد آمد.^۱

۲. پیامدهای فرهنگی

۲-۱. کم شدن روابط اجتماعی

فضای زندگی خانوادگی توأم با فرصت‌های کافی برای روابط متقابل متنوع بوده، برای فرزندان الگوهای رفتاری و زمینه‌های تبادل تجارب و تمایلات و عواطف را به وجود آورده و از عوامل مؤثر در بهبود مهارت در روابط اجتماعی است؛ اما در خانواده‌های هسته‌ای و محدود و با فرزندان کم و به‌خصوص تک‌فرزند، برخورداری از فضای زندگی خانوادگی ممکن نیست. گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش‌ازحد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی و ترس یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی از جمله خصوصیات تک‌فرزندهاست.

۱. دژبرار، آسیب شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، ص ۱۲۱.

محدودیت روابط اجتماعی در خانواده‌های تک‌فرزند می‌تواند دنیای روانی و اجتماعی افراد را محدود جلوه دهد و در این شرایط اگر مشکلی برای فرد به وجود آید ممکن است پیامدهای تهدیدکننده‌ای پدید آورد، زیرا فرد می‌ترسد با از دست دادن یک نقطه امید و اتکا نتواند به کانون دیگری چشم امید داشته باشد. همچنین وقتی روابط محدود است جزییات آن می‌تواند اشتغال ذهنی زیادی برای افراد ایجاد کند.^۱

۲-۲. فروپاشی خانواده‌ها

وارد شدن آسیب به تک‌فرزند مثل معلولیت یا مرگ وی می‌تواند بنیان خانواده را نابود کند و چنانچه در مواردی مشاهده هم شده است موجب عدم امکان ادامه حیات اجتماعی برای پدر و مادر شوند. در بسیاری موارد امکان فرزندآوری نیز برای پدر و مادر فراهم نیست و سرنوشت نامعلومی را برای آن‌ها رقم می‌زند. «خانواده، به‌ویژه خانواده پراولاد موجب تقویت و توسعه سجایای اخلاقی پدر و مادر و فرزندان می‌گردد و جامعه هم طبعاً از استحکام خانواده‌ها بهره‌مند می‌شوند».^۲

۳-۳. تضعیف شبکه ارتباطی

خویشاوندی، تجربه و ادراک مستقیم روابط انسانی در قالب زندگی (خانوادگی) به شکل سنتی آن، احساس ناشی از داشتن خواهر یا برادر و در شبکه روابط خویشاوندی مثل عمو، عمه، دایی و خاله است که عامل پیوندها و ثبات عاطفی در روابط اجتماعی نخستین هستند. سیاست تک‌فرزندی می‌تواند تبعات مخرب عاطفی داشته و نسل برآمده از این خانواده‌ها به سمت انزوا و تنهایی سوق داده می‌شوند. به‌علاوه خانواده‌هایی با فرزندان بیشتر بانشاط‌تر هستند و در یک خانواده کامل که به‌مثابه یک سیستم است هر نسبتی اعم از برادر، خواهر، عمو، عمه، خاله و دایی در آن حضور دارند. بر اساس تحقیقات روان‌شناسان، رفتارهای پسری که خواهر دارد به‌هنگام از رفتارهای پسری است که خواهر ندارد.^۳

۱. <https://www.hidoctor.۱>

۲. کتابی، جمعیت‌شناسی، ص ۲۶.

۳. <https://www.hidoctor.ir>

۴-۲. محرومیت از پاداش‌ها

در روایات، پاداش‌های بسیاری برای پدر و مادرانی قرار داده شده که اقدام به فرزند آوری می‌کنند. از جمله اینکه: فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است.^۱ زمانی که نعمت بهشتی در زندگی افراد زیاد شود در آخرت نیز این گل‌ها نشانه زیبایی هستند که هر چه این گل‌ها بیشتر باشند مسلماً بهشتی زیباتر برای والدین ایجاد خواهد شد.

۲-۵. کم شدن برکات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خانه‌ای که در آن کودک نیست برکت ندارد.^۲ این روایت تک‌فرزندی را نفی می‌کند زیرا خانواده تک‌فرزند، فقط در یک مقطع که تک‌فرزند آن‌ها کودک است از برکات کودک بهره‌مند می‌شوند و در غیر آن مقطع، از این برکت محروم هستند و برکات کودک شامل حال آن‌ها نمی‌شود.

۲-۶. احساس سرخوردگی والدین در اجتماع

انسان، نیازمند شکوفایی است تا به خودباوری برسد. از آنجایی که خداوند متعال قابلیت فرزند آوری را به مردان و زنان داده است اگر آن‌ها به هر دلیلی از این قابلیت بهره‌مند نشوند، به نوعی احساس سرخوردگی کرده و به آرامشی که باید نمی‌رسند؛ و این موهبتی است که خداوند مهربان به همه بندگانش عنایت کرده است. امام سجاد (ع) می‌فرماید: باید بدانی که فرزند از تو و ثمره وجود توست.^۳ بنابراین باید کسی را داشته باشی تا از ثمره وجودت به آن ببخشی و به آن افتخار کنی و این همان حس مفید بودن است.^۴

۷-۲. کاهش صله رحم

در فرهنگ اسلام، اصالت خانوادگی، رفت‌وآمد بین فامیل و صله ارحام، اهمیت و ارزش فوق‌العاده‌ای دارد و آیات متعدد قرآنی و روایات فراوان توصیه به صله ارحام نموده‌اند. صله ارحام با کثرت فرزندان در یک خانواده و فامیل ارتباط مستقیم دارد و کاهش فرزندان به یک یا دو بچه، موجب حذف تدریجی واژه‌های زیبای دایی، عمو، عمه و خاله در فرهنگ اسلامی ایرانی می‌شود.

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۲۵، ص ۴۴۴.

۲. رساله حقوق امام سجاد (ع)، حق فرزند

۳. فولادی، کاهش جمعیت آخرین راهبرد غرب، ص ۱۴۱

پدر و مادرانی که یک یا دو فرزند دارند باید بدانند که در آینده، نسلی تنها و منزوی از خود به یادگار خواهند گذاشت؛ و چنین بچه‌هایی با خاله و دایی و عمو و عمه خداحافظی می‌کنند و درک صحیحی از داشتن آن‌ها ندارند.^۱

۸-۲. کاهش جمعیت شیعیان

یکی دیگر از اقدام‌های پنهانی استکبار علیه تشیع توصیه به افزایش جمعیت تکفیری‌ها، هم‌زمان با کاهش جمعیت شیعیان است. در شرایطی که تمامی اقدامات کنترل (کاهش) جمعیت بر روی جمعیت ایران متمرکز بوده، نه تنها هیچ‌یک از کشورهای منطقه و اقلیت‌های مذهبی در ایران به این توصیه‌ها عمل نمی‌کردند، بلکه در جهت افزایش جمعیت خود توصیه‌ها و کمک‌های فراوانی را دریافت و به شدت تلاش می‌کردند.^۲

عمده فعالیت آمریکا در مورد کنترل جمعیت، بر روی محدود کردن جمعیت کشورهای جهان سوم و در کنار آن، کشورهای اسلامی متمرکز است که از طریق صندوق جهانی پول و سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن صورت می‌گیرد.

از امور قابل توجه این است که سازمان‌هایی که در زمینه سیاست‌های جمعیتی (کنترل جمعیت) مشغول به فعالیت هستند در کنار فعالیت‌های مخصوص به خود به سیاست‌های تنظیم جمعیت در کشورهای اسلامی نیز می‌پردازند. نقشه‌های کنترل جمعیت کشورهای اسلامی از سوی گروهی که در پشت این سازمان‌ها قرار دارند طرح‌ریزی می‌شود.

دخالت‌های بیگانه در ترسیم و اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی به دو گونه (دخالت‌های مالی، دخالت‌های فرهنگی) صورت می‌گیرد.^۳

در صورتی که کاهش جمعیت ایران که در حال حاضر مهم‌ترین مرکز شیعیان در جهان است ادامه پیدا کند، در آینده نه‌چندان دور مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) در منطقه خاورمیانه متزلزل خواهد شد. هدف اصلی و هابیت تکفیری به سرکردگی، تبدیل نمودن جمعیت اکثریت شیعه به اقلیتی ضعیف در آینده است.^۴

۱. همان، ص ۱۰۸.

۲. همان، ص ۷۰.

۳. حسینی طهرانی، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، ص ۹۳.

۴. فولادی، کاهش جمعیت آخرین را هبرد غرب، ص ۷۱.

ایران یک قدرت شیعه در جهان قلمداد می‌شود که در سالیان گذشته در کنترل جمعیت و کاهش زادوولد رتبه برتر دنیا را کسب کرده و از طرف سازمان‌های جهانی تشویق شده است! اکنون نیز نرخ رشد ایران کاهش پیدا کرد. در صورتی که جامعه شیعه ایران و دیگر شیعیان به تک‌فرزندی روی بیاورند به درصد جای‌گزینی جمعیت هم نخواهیم رسید.^۱ در حالی که کشورهای اسلامی به سیاست کنترل جمعیت روی آورده‌اند، صهیونیست‌ها با حيله‌گری، یهودیان و حتی غیر یهودیان کشورهای دیگر را بانام یهود به اسرائیل می‌آورند تا جمعیت اسمی آن زیاد شده و مسلمانان فلسطین را در اقلیت قرار دهند.^۲

۳. پیامدهای اقتصادی

۳ - ۱. کاهش تولید

نیروی کافی، نقش مهمی در استخراج مواد اولیه و تبدیل آن به کالاهای مختلف دارد. در صورتی که نیروی کافی وجود نداشته باشد باید معادن و مراکز تولیدی را تعطیل کرد که منجر به کاهش تولید و رکود اقتصادی خواهد شد. برخی از جمعیت‌شناسان عامل جمعیت را بزرگ‌ترین عامل رشد و گسترش اقتصاد یک ملت می‌دانند^۳، زیرا در این حالت سطح فعالیت برای فرآوری و کالا سازی و میزان مصرف جامعه افزایش می‌یابد. افزایش تقاضا از کالاهای مصرفی به تولید کالاهای اقتصادی و سرمایه‌ای می‌انجامد و این در سازوکارهای شتابنده.

در کوتاه‌مدت و میان‌مدت و درازمدت، به گسترش اقتصادی می‌انجامد. با افزایش جمعیت فعال افزایش می‌یابد که خود موجب پویایی در کیفیت و کمیت فراوری و تقاضا می‌شود؛ و از طرفی هزینه‌های همگانی و زیربنایی تولید را بر جامعه فعال بیشتر می‌کند و سنگینی بار آن بر جامعه کاهش می‌یابد.^۴

۱. دژبرار، آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، ص ۱۴۵.

۲. حسینی طهرانی، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، ص ۱۱۴.

۳. تهرانی، جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی و برنامه ریزی نیروی انسانی، ص ۵۰۳.

۴. دژبرار، آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، ص ۱۲۴.

۳-۲. عدم رشد و توسعه اقتصادی

مهم‌ترین نیاز برای توسعه اقتصادی، وجود نیروهای جوان، فعال و کارآمد است، بنابراین کاهش زادوولد، کاهش نیروی جوان و کارآمد را به دنبال دارد که خود مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود. به‌طور مشخص می‌توان گفت که جمعیت در سن کار از سال ۱۳۹۰ روند کاهش خود را آغاز نموده است. با پایین آمدن نیروی کار، چه‌بسا شاهد تعطیلی بسیاری از کارخانه‌ها باشیم و یا برای جلوگیری از این تعطیلی، مجبور به واردکردن نیروهای مهاجر کارگر شویم که مضرات اقتصادی و یا حتی فرهنگی و اجتماعی آن فراوان است؛ علاوه بر آن تولید داخلی رو به کاهش می‌گذرد و برای مایحتاج معمولی، نیازمند واردات خواهیم شد و ارز برای چیزهایی از کشور خارج خواهد شد که در حال حاضر به‌سادگی در کشور تولید و عرضه می‌شود.^۱ قسمت عمده سرمایه‌گذاری جدید از ازدیاد جمعیت نشئت می‌گیرد. کارخانه‌های بزرگ، سدهای عظیم، گسترش سطح کشت، تحت تأثیر رشد جمعیت پدید می‌آیند.^۲

۳-۳. اقتصاد تک‌محصولی

در برخی کشورها شیوه اقتصاد تک‌محصولی رواج دارد که عامل رکود و ضعف اقتصاد است آسیب تک‌فرزندی در این زمینه چنین است که با تک‌فرزندی نیروی کار کاهش می‌یابد و نیروی کم در قسمت پر درآمد اقتصادی متراکم می‌شوند و با تولید تک‌محصولی یا محصولات محدود مواجه خواهیم شد.

فرانسو پرو، اقتصاددان معروف فرانسوی، جمعیت را در شمار انگیزه‌های بنیادی برای گسترش اقتصاد می‌داند. به عقیده او چهار سازه در گسترش اقتصاد نقش دارد:

- نیروی پویای مردم
 - نیروی بهره‌گیری از اختراعات و روش‌های نو
 - نیروی برتری جویی اقتصادی
 - پویایی گروه‌های اجتماعی^۳
- بنابراین فشار و انبوهی جمعیت عامل اصلی کار و کوشش و فناوری است و برعکس، کندی جمعیت سبب ایستایی اقتصاد و رکود می‌شود.^۴

۱. فولادی، کاهش جمعیت آخرین راهبرد غرب، ص ۱۱۰.

۲. نادری، کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، ص ۴۲.

۳. تهرانی، جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی و برنامه ریزی نیروی انسانی، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۴. دزبیر، آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، ص ۱۲۵.

۳-۴. هزینه زیاد سالمندی

تک فرزندی از عوامل کاهش جمعیت و پیری جمعیت و افزایش تعداد مستمری‌بگیران می‌شود و این مسئله فشار اقتصادی زیادی بر دولت وارد می‌کند زیرا وقتی تعداد مستمری‌بگیران زیاد می‌شود تعداد کسانی که بیمه پرداخت می‌کنند و مالیات می‌دهند کم می‌شود. همچنین مشکلات اقتصادی را نیز برای خانواده به وجود می‌آورد چون مسئولیت مراقبت و نگهداری از والدین بر عهده تک‌فرزند است؛ و یکی از پرهزینه‌ترین خدمات، هزینه نگهداری از سالمندان است. این درحالی‌که است که در خانواده‌های دارای چند فرزند هزینه نگهداری از والدین بین فرزندان تقسیم‌شده و فشار اقتصادی کم‌تری بر فرزند وارد می‌شود. هزینه خدمات سلامت یک سالمند از صندوق بیمه کشور، حدود ده تا پانزده برابر یک غیر سالمند است.^۱

طبق برآورد گزارش سازمان ملل (۲۰۱۵) بر اساس روند کنونی جمعیت، افراد سال‌های طولانی‌تری زندگی می‌کنند و فرزندان کمتری هم برای نگهداری از خود در سال‌های پیری دارند.

این وضعیت سبب می‌شود تا هر سال بر بار مالی دولت‌ها برای نگهداری از سالمندان و ارائه خدمات بازنشستگی افزوده شود و بار مالی هنگفت سالمند شدن بر دوش دولت‌ها است.^۲

۴. پیامدهای سیاسی

۴-۱. کاهش نیروی نظامی و امنیتی

اگر فرهنگ تک‌فرزندی در جامعه رواج پیدا کند، در نسل‌های بعد شاهد پیری جمعیت خواهیم بود. مسلم است که از گروه سالمند نمی‌توان انتظار فعالیت نظامی و فیزیکی در عرصه‌های دفاعی و نظامی داشت و چه‌بسا خود این افراد نیاز به مراقبت و نگهداری داشته باشند (بر اساس گزارشی که اخیراً سازمان جاسوسی آمریکا منتشر کرد، تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی کمتر از تعداد فرزندان در یک خانواده اسرائیلی است. سازمان جاسوسی آمریکا در ادامه این خبر می‌افزاید زنان ایرانی با دارا بودن ۷۸/۱ فرزند در رتبه ۱۴۴ جدول جهانی قرار دارد، این در حالی است که اسرائیل با رتبه ۷۵، آمریکا ۱۲۲ و انگلیس ۱۳۸ در مکان‌های بالاتر از ایران قرار دارند).^۳

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. مجله تحلیلی قلمرو رفاه، ص ۱۸.

۳. پوریانی و سبحانی نیا، افزایش جمعیت نگرش‌ها و راهبردها، ص ۷۴.

نیروی جوان افزون بر فعالیت‌های نظامی در دیگر زمینه باهم باید ایفای نقش کند، به همین دلیل در زمینه نظامی در دو جهت دچار کمبود نیرو خواهیم شد:

الف) درون‌مرزی: اساسی‌ترین نیازی که دولت و حکومت متکفل انجام آن هستند، نظم و امنیت داخلی است که زمینه‌ای برای دیگر فعالیت‌های داخلی و حتی خارجی است. با توجه به وسعت سرزمینی و جغرافیایی ایران و نیز وجود بزهکاران در هر جامعه، این نیاز تشدید خواهد شد. در صورتی که به سمت تک‌فرزندی برویم، جامعه متشکل از افراد سالمند به دلیل نبود نیروی فعال در عرصه امنیتی و نظامی دچار آشوب و در سطح کلان، منجر به تزلزل حکومت خواهد شد چون فقط نیروی جوان می‌تواند جلو تشنج‌های سیاسی و فرهنگی را بگیرد و در عرصه‌های میدانی و از بعد عملی امنیت را برای جامعه به ارمغان آورد

ب) مرزی: از جهت مرزی نیز نیروی نظامی رو به کاهش خواهد رفت^۱ «رشد منفی جمعیت از هم‌اکنون پادگان‌های نظامی را تحت تأثیر قرار داده و چنانچه ادامه یابد در پانزده سال آینده ارتش و سپاه برای تأمین نیرو با مشکل مواجه خواهند شد. این در حالی است که طبق گزارش‌ها رشد جمعیت اسرائیل به ۲۸/۵ رسیده است. بر اساس آمار جهانی جمعیت این رژیم هرساله متوسط ۸/۲ درصد افزایش داشته است که بالاترین میزان رشد در جهان است»^۲.

۴ - ۲. کاهش قدرت و اقتدار

از نظر سیاسی و نظامی، کشوری که جمعیت بیشتر و جوان‌تری دارد، کشوری قدرتمند است که قادر به حفظ امنیت خود نیز است؛ و چنانچه آن کشور پهناور باشد، لازمه اقتدار و ثبات و امنیتش، جمعیت فراوان، جوان و فعال است. به عنوان مثال شعار ارتش بیست‌میلیونی که در زمان جنگ هشت‌ساله توسط امام خمینی (ره) مطرح شد.^۳ لرزه بر اندام دشمن وارد ساخت و آنان را از فکر اشغال ایران برای همیشه مأیوس نمود.

چنانچه پدیده تک‌فرزندی در کشور رواج پیدا کند موجب کاهش اقتدار کشور ما در عرصه‌های بین‌المللی می‌شود زیرا تک‌فرزندی منجر به کاهش جمعیت و پیری جمعیت می‌شود؛ و بدیهی است در صورتی که کشور پهناور ایران با هزاران کیلومتر مرز مشترک با کشورهای همسایه دچار دو آفت مهم یعنی کاهش جمعیت و پیری جمعیت شود، چشم طمع دشمنان را مجدداً بازخواهد نمود.^۴

۱. دژبرار، آسیب شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، ص ۱۳۴.

۲. پوریانی و سبحانی نیا، افزایش جمعیت نگرش‌ها و راهبردها، ص ۹۱-۹۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

۴. فولادی، کاهش جمعیت آخرین راهبرد غرب، ص ۸۴.

خداوند متعال نیز در قرآن کریم در سوره بنی اسرائیل یکی از عوامل قدرت را فرزندان معرفی می‌کند «ثم رددنا لکم الکرة علیهم و امددنا کم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا» آنگاه شمارا به روی آن‌ها برگردانیدیم و بر آن‌ها غلبه دهیم و به مال و فرزندان مدد بخشیدیم و عده جنگ جویان شمارا بسیار گردانیم.^۱ طبرسی در مجمع‌البیان نیز راجع به «جعلناکم اکثر نفیرا» می‌فرماید: و جمعیت شمارا بیشتر از جمعیت دشمنانتان گردانیدیم.^۲

اگر ما درصدد ایجاد ایرانی اسلامی، قوی و کارآمد سیاسی، اقتصادی، نظامی هستیم و اگر ما به دنبال ایجاد یک ابرقدرت سیاسی از کشورهای اسلامی هستیم و اگر ما به دنبال فتح دنیا ایجاد حکومت واحد جهانی هستیم؛ آیا این بدون جمعیت فراوان و توازن نفری امکان‌پذیر است؟! آیا دفع تهاجمات و فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی دنیای استکباری از انقلاب و کشور بدون توان و نیروی فردی و جمعیتی امکان دارد؟! آیا امکان دارد که کشوری با تعداد نیروی محدود، به ابرقدرت سیاسی و اقتصادی و نظامی تبدیل شود؟!^۳

۳-۴. کاهش نسل ایثارگر و انقلابی جامعه

با توجه به اینکه بیشترین نقش در شروع، تثبیت، تحکیم و صدور انقلاب را اقشار پایین اقتصادی جامعه -که غالباً از رشد جمعیتی نسبتاً فراوان برخوردارند- بر عهده داشته‌اند بنابراین در صورت موفقیت طرح کنترل جمعیت باید شاهد کاهش افراد انقلابی جامعه در آینده باشیم.^۴ در خانواده‌های دارای تک‌فرزند وابستگی بیشتری نسبت به خانواده‌های چند فرزند بین والدین و فرزند وجود دارد و خانواده‌های تک‌فرزند کم‌تر حاضر می‌شوند تنها ثمره زندگی خود را به حضور در صحنه‌های خطرناک بفرستند. اگر خانواده‌ای یک اولاد داشته باشد این تک‌اولاد را چقدر سخت است به جبهه بفرستد، برخلاف آن‌ها که تعداد آن‌ها ده تا باشد.^۵ تحقیقاتی نیز که مسئولان کشور چین انجام دادند به این نتیجه رسیدند: چینی‌های متولد دهه ۱۹۸۰ (ایام رواج تک‌فرزندی) با انبوه تبلیغات میهن دوستانه حاضر نیستند خود را فدای کشورشان کنند.^۶

۱. بنی اسرائیل، آیه ۶

۲. طبرسی، مجمع‌البیان، ص ۸۹

۳. حسینی طهرانی، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، ص ۱۱۹.

۴. همان، ص ۱۱۸.

۵. دژبرار، آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، ص ۱۳۵.

۶. محمد زاده، توسعه مدیریت، ص ۴۴.

نتیجه گیری

موضوع تحقیق پیامدهای اجتماعی تک‌فرزندی از منظر آیات و روایات است که با توجه به اینکه یکی از کارکردهای اصلی خانواده فرزند آوری و تربیت فرزند است و امروزه بسیاری از کارکردهای خانواده دچار تغییرات اساسی شده است لذا پژوهش در این زمینه از اهمیت بسزایی برخوردار است و با توجه به تحقیقاتی که صورت گرفت تک‌فرزندی پیامدهای اجتماعی فراوانی را در حوزه‌های اقتصادی، جمعیتی، سیاسی و فرهنگی مذهبی به دنبال دارد.

پیامدهایی همچون: کاهش جمعیت فعال و نخبه، پیری جمعیت و بحران سالمندی، عدم توسعه و رشد اقتصادی، تضعیف قدرت و اقتدار کشور و... که خسارت‌های زیادی را به کشور وارد می‌کنند؛ و وجود این پیامدهای خطرآفرین به ارزش پژوهش در این موضوع می‌افزاید؛ و این پدیده از طریق تهاجم فرهنگی و توطئه‌های استکبار در جوامع اسلامی بخصوص کشور ایران در حال گسترش است و برای جلوگیری از گسترش آن باید مسئولان و مردم را نسبت به عواقب و مشکلات آن آگاه نمود و این مسئله ریشه‌یابی شود تا بتوان برنامه‌ای جامع و کامل در مقابل آن تدوین و اجرا نمود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن.
۲. افشاری، محمدحسین، رساله حقوق امام سجاد (ع)، انتشارات مشهور، چاپ سوم ۱۳۹۰ ه ش.
۳. آشفته تهرانی، امیر، جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی نیروی انسانی، تهران: پرشکوه، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه ش.
۴. پوریانی، محمدحسین، سبحانی نیا، محمد، افزایش جمعیت نگرش‌ها و راهبردها، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۳۹۲ ه ش.
۵. حسینی تهرانی، محمدحسین، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه ش.
۶. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۷، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه ش.
۷. دژبرار، کریم، آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۶ ه ش.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع‌البیان، بیروت: دار المعرفه، چاپ دوم، ۱۹۸۸ م.
۱۰. فولادی، مجید، کاهش جمعیت آخرین راهبرد غرب، قم: موسسه اندیشه مسطور، چاپ پنجم، ۱۳۹۴ ه ش.
۱۱. کتابی، احمد، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ ه ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم: دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه ش.
۱۳. محمد زاده، عباس، توسعه مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه ش.
۱۴. معین، محمد، لغت‌نامه، تهران: زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه ش.
۱۵. نادری، فرج‌الله، کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۲ ه ش.
۱۶. هندی، متقی بن حسام‌الدین، کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله، ج ۲۵، ۱۴۰۹ ه ق.
۱۷. غفاریان، متین، ماهنامه تحلیلی قلمرو رفاه، هنر سرزمین سبز، چاپ سوم، شماره ۲۶ و ۲۷، ۱۳۹۶ ه ش.
۱۸. سایت اینترنتی www.payamesemnan.com
۱۹. سایت اینترنتی www.ziaossalehin.ir
۲۰. سایت اینترنتی www.hidoctor.ir
۲۱. سایت اینترنتی www.vajehyab.com



معرفی کتاب



کتاب «زن و بازیابی هویت حقیقی» با بهره‌گیری از گزیده‌ی سخنرانی‌ها و پیام‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه‌السلام، در چهار بخش و ۳۱۱ صفحه به تبیین مسائل مختلف مربوط به حوزه‌ی زنان با موضوع بازیابی هویت حقیقی و با نگاهی به شرایط موجود در جوامع مختلف، خصوصاً جوامع اسلامی و جوامع غربی پرداخته است.

این کتاب با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه زن در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در چهار بخش توسط جمعی از محققان و پژوهشگران، زیر نظر مؤسسه پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی تهیه شده است. بخش اول این کتاب به «کلیات مباحث زن و خانواده» در چهار فصل پرداخته است. در بخش دوم آن موضوع «سیمای زن در بعد فردی» در پنج فصل مورد بررسی قرار گرفته است. «سیمای زن در بعد خانوادگی» موضوع بخش سوم این کتاب است که در هفت فصل تهیه و تدوین شده است.

«سیمای زن در بعد اجتماعی» موضوع بخش چهارم کتاب «زن و بازیابی هویت حقیقی» است. در بخشی از این کتاب با استفاده از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها‌السلام در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۸۶ آمده است: «این ما هستیم که (به دنیای غرب) می‌گوییم شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت کرده‌اید؛ با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن و دامن زدن به آتش زیاده‌روی‌های جنسی بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه، آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان».

خودسازی معنوی زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه - از هر نوع جهاد و مبارزه‌ای - پیش‌قدم باشد؛ نسبت به زخرف دنیا و تجملات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به‌خودی‌خود دفع کند.

۱. مؤلف: محسن کربلایی نظر، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۹۰



مصاحبه



بانوی نخبه

خانم دکتر طاهره لباف در سال ۱۳۳۰ در اصفهان متولد شد. آموزه‌های دینی چاشنی تحصیلات عالییه او شد و پس از دوران ناآرام تحصیل و اخراج از دانشگاه، فوق تخصص زنان و زایمان و نازائی را بر دوش گرفت و با توکل بر خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) و خانواده‌ای مهربان توانست بانوی نخبه سال ۱۳۸۷ شود.

خانم دکتر لطفاً از خودتان بگوئید.

این جانب طاهره لباف متولد ۱۳۳۰ هستم، آموزه‌های دینی من علاوه بر خانواده و محیط مذهبی مدرسه و دبیرستان، در دوران دبیرستان از طریق جلسات مذهبی خانم توران انصاری که از شاگردان استاد محمدتقی جعفری بود شکل گرفت و سپس از طریق جلسات هفتگی مرحوم آیه الله شاه‌چراغی که اکثر اعضای این جلسه را دانشجویان تشکیل می‌دادند کامل تر شد.

دوران پرفرازونشیب تحصیلات دانشگاه چگونه گذشت؟

پس از گذراندن دوره دبیرستان در سال ۱۳۴۷، در کنکور سراسری در داروسازی دانشگاه اصفهان، رشته پزشکی دانشگاه ملی آن زمان (شهید بهشتی) و رشته ریاضی دانشگاه پهلوی آن زمان (دانشگاه شیراز) قبول شدم. به دلیل علاقه مفرط به ریاضی با دیپلم طبیعی، نفر دوم رشته ریاضی در دانشگاه شیراز شدم و لذا دانشگاه شیراز را انتخاب و مشغول به تحصیل شدم.

شاید بتوان گفت که یکی از دوره‌های پرفرازونشیب زندگی من دوران دانشجویی‌ام بوده، چون من سال اول در دانشگاه شیراز رشته ریاضی بودم که به خاطر شرکت در اعتصابات و داشتن حجاب اخراج شدم، سال دوم دانشگاه در مشهد دوباره کنکور دادم و قبول شدم و باز درترم دوم چون در اعتصابات شرکت کرده بودم اخراج شدم سال سوم مجدد کنکور دادم و در دانشگاه اهواز رشته پزشکی قبول شدم، در سال دوم در اعتصابات دانشجویی ضربه مغزی شدم و مورد ضرب و شتم پاسگان دانشگاه قرار گرفتم و فراری شدم و بعد از مدتی دوباره برگشتم و یک بازجویی ۱۸ ساعته را داشتم و با گرفتن تعهدات سفت‌وسخت ادامه دادم.

دو سال بعد باز به من اطلاع دادند که تحت تعقیب ساواک هستم و ساواک در دانشگاه آمده بود، در بیمارستان فیروز گر بودم در تهران که آمده بود از مسئول آموزش سؤالاتی راجع به من کرده بود، خدا خیرشان بده آن آقای دکتر به من با زبان بی‌زبانی گفتند بعضی‌ها آمدن راجع به تو سؤال کردند و اگر رساله آقای خمینی در خانه شما هست آن را بردار، بلافاصله من باهمسر تماس گرفتم و رفتیم دو چمدان کتاب‌ها و وسایلی که از نظر آن‌ها جرم بود آن‌ها را دادیم بیرون و همان عصر آن روز ساواک ریختند خانه ما و خلاصه دنبال مدارکی می‌گشتند که خوشبختانه چیزی پیدا نکرده بودند و همان مسئله باعث شد که ما فراری شویم، در سال ۵۴ و به‌عنوان یک سفری که به‌ظاهر برای خرید ماشین بود به فرانسه رفتیم، یک مبلغی را پدرم در اختیار ما گذاشتند و ما از ایران خارج شدیم.

یک مدتی فراری بودیم در انگلیس و فرانسه و ایتالیا و جاهایی مختلف و با دوستان همسر که در آنجا مشغول فعالیت بودند آشنا شدیم، در حقیقت آن‌ها پذیرای ما بودند تا بعد که اطلاع پیدا کردیم خلاصه کمی وضع بهتر شده برگشتیم و آمدیم و در سال ۵۷ در بحبوحه انقلاب من دکترا گرفتم.

دو سال از سال ۵۷ تا ۵۹ فقط فعالیت‌های اجتماعی و انقلابی داشتم، مثل اعزام نیرو برای ستاد جنگ‌های نامنظم مرحوم دکتر چمران، در آن موقع من معاون ایشان بودم. من در تهران با آقای مهندس چمران برادر ایشان اعزام نیرو می‌کردیم و یک مقدار از فعالیت در احیای مساجد بود و کمی هم به‌عنوان عضو گروه پزشکی ستاد انقلاب فرهنگی بعد از تعطیلی دانشگاه‌ها، مشغول برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها بودیم تا سال ۶۰ که در امتحان رزیدنتی شرکت کردم در رشته جراحی زنان و زایمان تحصیلات تخصصیم را ادامه دادم و در سال ۶۴ از آنجا فارغ‌التحصیل شدم.

ماجرای اخراج از دانشگاه چه بود؟

پس از یک سال به دلیل فعالیت‌های سیاسی از دانشگاه مشهد نیز اخراج و برای بار سوم در کنکور شرکت نمودم و در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز (شهید چمران) در رشته پزشکی پذیرفته شدم.

در اهواز توسط آیه الله هاشمی نژاد با انجمن اسلامی دانشگاه نفت آبادان - که آن زمان مسئول آن شهید تندگویان بود - آشنا شدم و از آنجاکه اسکانم در اهواز بود برای شرکت در جلسات آن‌ها اکثراً از اهواز به آبادان می‌رفتم که البته بعد از مدتی با خانواده حاج آقا مباحثی آشنا شدم و اسکانم در آبادان در منزل ایشان بود.

در سال دوم به دلیل فعالیت‌های سیاسی و شرکت در اعتصابات و تعقیب گارد دانشگاه و اصابت باطوم به سرم، ضربه مغزی شدم و پس از به هوش آمدن در بیمارستان فراری شده و مجبور شدم دانشگاه را ترک کرده به تهران برگردم.

وقتی به تهران آمدم، با محاصره منزلان توسط ساواک مواجه شدم و لذا توانستم تا ۲-۳ هفته داخل منزل شوم و بعداً فهمیدم که این محاصره به دلیل فراری شدن برادر دومم از دست مأموران ساواک اتفاق افتاده بود؛ که البته پس از ۶ ماه، مجدداً به دانشگاه برگشتم.

پس از پایان دوره علوم پایه، به دلیل قرار گرفتن جزء دانشجویان ممتاز، به تهران منتقل شده و دوره بالینی خود را در بیمارستان فیروز گر تهران گذراندم. در این دوران دانشجویی با برگزاری ۴ دوره کلاس‌های اعتقادی به فعالیت‌های دینی و مذهبی خود ادامه می‌دادم. در سال ۱۳۵۵ مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و در سال ۱۳۵۷ هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان پزشک عمومی فارغ‌التحصیل شدم.

مدت دو سال تا سال ۵۹ در فعالیت‌های انقلابی از جمله فعالیت‌های مردمی نخست‌وزیری، جامعه زنان انقلاب اسلامی، ستاد احیاء مساجد تحت نظر شورای روحانیت مبارز تهران، بسیج نیرو برای جنگ در ستاد جنگ‌های نامنظم، مشغول به کار شدم.

در سال ۵۹ به عضویت گروه پزشکی ستاد انقلاب فرهنگی (برای برنامه‌ریزی دانشگاه‌های علوم پزشکی) درآمد و یک سال بعد در امتحانات رزیدنتی شرکت و در رشته جراحی زنان و زایمان قبول شدم. در سال ۶۴ در امتحانات برد تخصصی شرکت و دانشنامه تخصصی خود را به‌عنوان جراح زنان و زایمان (دانشگاه شهید بهشتی) دریافت نمودم. پس‌از آن به مدت ۱۸ ماه در بیمارستان ایزدی استان قم و مدتی در بیمارستان عشایری خرم‌آباد و سپس همراه با دایر نمودن مطب در بیمارستان هدایت تهران به مدت ۲ سال و بیمارستان کیان، فعالیت پزشکی داشتم. هم‌زمان به‌عنوان دادیار نظام پزشکی و هم‌زمان در شورای عالی پزشکی به‌عنوان عضو گروه تخصصی رشته زنان مشغول فعالیت شدم.

در سال ۷۰ در بیمارستان شریعتی تهران برای گذراندن دوره IVF (نازایی) مشغول شدم. پس از گذراندن حدود ۱۰ تا ۱۱ ماه از دوره IVF جهت عضویت در هیئت‌امنی دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم دعوت شدم و سپس به‌عنوان رئیس دانشگاه از بهمن‌ماه ۷۱ تا سال ۷۹، رسماً شروع به کار نمودم. این دانشگاه دارای سه دانشکده و ۱۰ رشته مختلف پزشکی و پیراپزشکی با حدود ۱۰۰۰ دانشجوی دختر بود. استادان، اعضای هیئت‌علمی و کارکنان دانشگاه را کلاً بانوان تشکیل می‌دادند. در این دوره ۸ ساله علاوه بر مسئولیت ریاست دانشگاه و تدریس در رشته تخصصی خود، به تدریس دروس بهداشت عمومی ۱ و ۲، اخلاق پزشکی و تدریس بالینی نیز اشتغال داشتم.

از زندگی‌تان بگوئید، آیا از فرزندان‌تان کسی به پزشکی روی آورده؟

در سال ۵۲ متأهل شده و دارای همسر و ۶ فرزند هستم. پنج پسر و یک دختر یکی از بزرگ‌ترین الطاف الهی خداوند که خیلی لطف به بنده‌هایش دارد از جمله به من اینکه تقریباً می‌توانم بگویم که همه فرزندانم هم سو و هم هدف با ما هستند.

پسر بزرگ من متخصص و جراح گوش و حلق و بینی است و سه فرزند دارد پسر بزرگش که کلاس سوم دبستان است جزء ۳۰ قرآن را از حفظ است و همسرش دندان‌پزشک و حافظ کل قرآن است و خودش هم ۱۷ الی ۱۸ جزء قرآن را حفظ کرده. فرزند دوم علی آقا حافظ کل قرآن است و ایشان هم جراح هستند همسرش جراح و متخصص بیماری‌های زنان است و همان رشته خود من را دارد و دو فرزند دارد و فعلاً هم در بوشهر مشغول خدمت‌رسانی و گذراندن طرحشان هستند.

فرزند سوم محمد آقا هستند که حافظ کل قرآن و طلبه است در مرکز جامع علوم اسلامی تدریس می‌کند، مدرس حوزه علمیه است و به درجه اجتهاد رسیده و در فقه تخصصی اقتصاد مشغول پژوهش و فعالیت است و همسرشان کارشناسی ارشد جامعه الزهرا (س) را دارد و هر دو حافظ کل قرآن هستند و ایشان هم دو فرزند دارد. فرزند چهارم حسین آقا است و ایشان بیست جزء قرآن رو حفظ هستند، کارشناسی ارشد ارتباطات از دانشگاه امام صادق علیه السلام گرفته‌اند و تصمیم داشت که دوره دکترا را ادامه دهد ولی بنا به ضرورت های جامعه طلبگی را برگزید و الآن طلبه است و در حیطه فعالیت های جهان اسلام تلاش دارد و در سفری به نیجریه و سوریه رفته و در این زمینه ها در حد بضاعتش مشغول فعالیت است و همسرشان هم کارشناسی ارشد مطالعات زنان از دانشگاه الزهرا علیها السلام را دارد.

فرزند پنجم کاظم آقا است که دوازده جزء قرآن را حفظ و رشته مهندسی صنایع بوده و ازدواج کرده و هنوز فرزندی ندارد. فرزند ششم زهرا خانم است که قبل از اینکه به سن تکلیف برسد به لطف خدا حافظ کل قرآن شد و در رشته پزشکی سال آخرشان است و ۶ ماه دیگر از دانشگاه شهید بهشتی فارغ التحصیل می‌شود و عضو بسیج فعال دانشگاه است و سه فرزند دارد و متولد ۷۱ است.

فعالیت های علمی داشته‌اید؟

بله قسمتی از فعالیت های علمی این جانب، به این شرح است: شرکت در اجلاس بین المللی اخلاق پزشکی، سخنرانی درباره انطباق امور پزشکی با موازین شرعی، شرکت در کارگاه بررسی روش های ارتقاء سلامت زنان، حضور در کارگاه مشورتی سه روزه، شرکت در کارگاه آموزش پزشکی جامعه نگر در دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سخنرانی در کنگره سرا سری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی در معاونت امور دانشجوی وزارت بهداشت، سخنرانی در کنگره اخلاق پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، سخنرانی در سمینار اخلاق پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی فسا، سخنرانی در کارگاه متدولوژی تحقیق در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، شرکت در کارگاه مراقبت های اولیه بهداشتی و پزشکی جامعه نگر، سخنرانی در سمینار نقش بیمارستان در مراقبت های اولیه، سخنرانی در سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی در دانشگاه مشهد، سخنرانی در کارگاه OSCE در امتحانات بالینی در دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه و غیره...

به عنوان یک بانوی موفق انقلابی، رمز موفقیت در زندگی خودتان را در چه می دانید؟
 هذا من فضل ربی، خدا می داند که تمام اعتقاد بر این است ولی در عین حال به لطف
 خدای بزرگ عوامل مختلفی که در این زمینه مؤثر بوده اند:

یکی داشتن پدر و مادر خوب و فداکار که واقعاً کمک من بودند و حتی می دانید که
 من ۸ سال رئیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه در قم بودم و آن موقع من پنج تا فرزند
 داشتم و ششمین آن ها در راه بود ولی واقعاً کمکی که پدر و مادر من کردند خیلی مؤثر
 بود در اینکه من بتوانم فعالیت های اجتماعی ام را ادامه بدهم.

دوم داشتن همسر هم فکر و فداکار و همکار که باز این خیلی مؤثر بود و اگر که
 یک شاخصه اصلی بگویم در تربیت فرزندانم توکل و توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام)
 بخصوص امام زمان (علیه السلام) بود، چون وقتی من می خواستم قم برای دانشگاه فاطمیه بیایم،
 دخترم شیرخوار بود و خیلی کوچک بود و یک پسر دیگرم هم زیاد اهل مدرسه رفتن
 نبود، ۲ یا ۳ ساله بود ولی پسرهای دیگرم ۴ تا پسر من در یکی از مدارس مذهبی تهران
 درس می خواندند که هم از نظر درسی و هم از نظر مذهبی خیلی بالا بود، یکی از این ها
 مجبور بود در تهران بماند که درسشان را بخواند و خودم بیایم، خیلی به من هشدار
 می دادند، حتی دوستان خوبم می گفتند تو فرزندان اینجای را کردی و رفتی که دخترهای
 مردم را بسازی، فردا اگر این پسرهای تو در محیط های اجتماعی منحرف شدند اگر
 یکی شان معتاد شد اگر یک مشکلی پیدا کردند خدا تو را مواخذه می کند، تو اول باید
 خانواده ات را بسازی بعد سراغ دیگران بروی، این ها آن قدر برای من اضطراب ایجاد
 می کرد که می گویند عذو شود سبب خیر اگر خدا خواهد و باعث توکل و توسل بیشتر
 من می شد.

بارها و بارها می شد من دستانم را می بردم بالا می گفتم یا امام زمان تو که می دانی
 من برای چه آمدم قم، من نه طرح داشتم و نه مجوز مطب می خواستم و نه مشکلی داشتم
 فقط به خاطر یک لبیک به یک ندای اسلامی بود که آمدم قم، خدایا تربیت فرزندان من
 را به دست امام زمان (علیه السلام) بسپار و خودت آن ها رو کمک کن.

یعنی اگر من فهرست وار بخواهم به شما بگویم عوامل مؤثر در تربیت فرزندان
 من غیر از پدر و مادر خوب و همسر خوب، اول از همه توکل بود و بعد توسل به ائمه
 بعد طبیعتاً سعی می کردم چون من از نظر کمی، کم می توانستم به فرزندانم برسم، من در
 دانشگاه فاطمیه روزی ۱۷ یا ۱۸ ساعت کار می کردم، خب از نظر کمی کم است ولی تفکر

بود، مرتب فکر می‌کردم راجع برنامه تربیتی اینجا، برنامه‌ریزی داشتم برای این‌ها، حتی اگر هر نکته‌ای، هر چیزی به نظر من می‌آمد که می‌تواند در تربیت آن‌ها مؤثر باشد آن را بکار می‌بردم، کتاب می‌خواندم، حتی یاد می‌آید که در آن زمان من یک کتاب دیدم به اسم مادر یک دقیقه‌ای و این خیلی برام جالب بود چون احساس کردم منم همین‌طورم و نمی‌توانم برسم؛ و این کتاب را یک انگلیسی نوشته بود به اسم اسپنسر جانسون که حالا کتاب‌های زیادی دارد و واقعاً من که همان را خواندم خیلی نکات را از آن یاد گرفتم، احساس کردم که چگونه محبت یک مادر یا همکاری یا صمیمیت یک مادر چطور می‌تواند باشد که جای آن کمبود کمی را بگیرد؟ چطور می‌تواند اگر یک نگرانی مادر از فرزندش دارد عنوان کند؟

البته من کتاب‌های اسلامی مثل کتاب آقای دکتر قائمی در زمینه تربیت فرزند مطالعه کردم ولی می‌خواهم بگویم که حتی یک کتابی که یک نفر غیرمسلمان هم نوشته است اگر در آن نکته ایی را می‌یافتم مطالعه می‌کردم، طبیعتاً من استراحت خانم‌های خانه‌دار را هیچ‌وقت نداشتم، تلاش زیادی می‌کردم یعنی من خیلی وقت‌ها وقتی برنامه این‌طور بود که دو شب در هفته من تهران می‌رفتم، دو شب در هفته همسرم می‌آمد قم و فرزندان پیش پدر و مادر بودند، دو شب هم من قم بودم ایشان تهران بود و فقط شب‌های جمعه بود که ما دورهم جمع بودیم، ولی بعضی شب‌ها که من می‌رفتم آن‌قدر دیر می‌رسیدم که فرزندانم خواب بودند ولی همان موقع سعی می‌کردم بروم و برای فردایشان یک غذایی درست کنم که فردا آن‌ها طعم غذای من را بچشند، به بالای سرشان می‌رفتم و نوازششان می‌کردم، دفترهای آن‌ها را ورق می‌زدم نگاه می‌کردم مثلاً وضعیتشان چطور است، یعنی واقعاً تلاش زیادی به لطف خدا می‌کردم و یکی دیگر هم صمیمیت با فرزندانم که الحمدلله همین الآن هم همین‌طور است البته نه فقط با فرزندانم بلکه همسرانشان، یکی از توفیقات من این است که عروس‌هایم مسائلشان را حتی گلیه‌های زندگی‌شان را مثلاً اگر از همسرشان گله ایی دارند با من در میان می‌گذارند درحالی‌که معمولاً خانواده‌های دیگر طرف با مادر خودش می‌گوید و به مادر شوهر نمی‌گوید، یعنی به لطف خدا این فضای صمیمیت از فرزندانم؛ یعنی مثلاً فرزندانم اگر یک روز من پیش آن‌ها بودم وقتی از مدرسه می‌آمدند، هر آنچه اتفاق افتاده را به من می‌گفتند و باهم دیگر حرف می‌زدیم مشورت می‌گرفتیم، من به آن‌ها نظر می‌دادم و چون همیشه بالاخره من را به عنوان یک الگو و یک اسوه قبول داشتند خودشان می‌آمدند از من نظر می‌خواستند و به نظر من

اینکه یک پدر و مادر باید کاری بکنند که همان ارزش‌هایی که در ذهنشان است، آن‌ها برای فرزندانشان ارزش باشد.

خیلی می‌تواند مؤثر باشد یا به‌رحال من قابل نبودم ولی بالاخره ایثاری که داشتم، من گاهی اوقات ساعت یک بعد از نصف شب (همین الآن هم همین‌طور) از بیمارستان می‌آیم مثلاً عمل سزارین انجام می‌دهم، تازه می‌آیم و برنج پاک می‌کنم برای فردای بچه‌ها، چون اصلاً معتقد به غذای بیرون خوردن به آن صورتی که الآن خانواده‌ها استفاده می‌کنند نیستیم. منتها غذای ما معمولاً غذاهایی خیلی سریع است که زود هم درست شود، وقتی را هم نگیرد، بعد طبیعتاً رعایت کردن مسائل معنوی برای یک مادر به نظر من می‌تواند خیلی مؤثر باشد می‌دانید که یکی از توفیقات من اینکه از سال ۷۸ تاکنون یعنی شاید حدود ۲۰ سال این بوده که من در کلاس‌های درس حضرت آیت‌الله مظاهری شرکت می‌کنم، همراه یک‌بار تا قبل از این کرونا شرکت می‌کردم و ذکر کثیر ایشان صلوات بود و این باعث شده بود که من برای برکت پیدا کردن وقتم، برکت پیدا کردن کارم حتی برکت پیدا کردن آن غذایی که درست می‌کنم، آن ظرفی که می‌شورم، آن خونه ایی که تمیز می‌کنم با صلوات باشد و همیشه توصیه ایشان به دائم الوضو بودن بود این‌ها خیلی مؤثر بود در موفقیت‌م و یکی از توفیقاتی که من داشتم و فکر می‌کنم خیلی چیزها را به دست آوردم دعای مریض‌هایم بوده که همیشه لطف دارند نه اینکه من کاری برایشان انجام داده باشم ولی دعای آن‌ها خیلی وقت‌ها، وقتی یک مشکلی داشتم اثر دعای آن‌ها را در رفع آن مشکل دیدم، این مجموع‌هایی بود فهرست‌وار از عواملی که به‌طورکلی مؤثر بوده در موفقیت من بخصوص در تربیت فرزندانم.

تکالیف زنان را در راستای سبک زندگی اسلامی و گام دوم انقلاب اسلامی در چه چیزی می‌دانید؟

من فکر می‌کنم یکی از مجاهدت‌های جدی خانم‌ها در این زمان فرزند آوری هست. ببینید مادر سال ۶۴ نرخ باروری مان ۶/۸ دهم بوده یعنی یک پدر و مادر بین ۶ تا ۷ فرزند داشتند. در آن زمان چون مسئله جنگ بود جوان‌ها به جبهه می‌رفتند و در آنجا شهید می‌شدند، یک احساسی برای خانواده‌ها پیش آمده بود که باید جای این شهدا گرفته شود و بعد از همان سال سازمان ملل دادوفریاد راه انداخت که جمعیت ایران به حد انفجار رسیده، باید کم شود، اگر همین‌طور پیش رود دیگر آن‌قدر جمعیت زیاد می‌شود که ما امکانات بهداشتی نداریم، امکانات درمانی نداریم، امکانات آموزشی

نداریم و خلاصه ایران به بدبختی می‌افتد و قرار بود تا سال ۷۱ یک کنگرهایی در قاهره مربوط به کنترل جمعیت برگزار شده بود که از مسئولین ایرانی قول گرفته بودند که تا سال ۹۰ نرخ باروری را به ۲/۱ دهم برسانند، ببینید نرخ باروری به معنای فرزندان زنده ایی است که یک خانم در طول زندگی‌اش به دنیا می‌آورد، یعنی ببینید یک خانم و آقا دو نفرند از نظر جمعیت این‌ها اگر دو تا را به‌جای خودشان به وجود بیاورند جمعیت ثابت می‌شود، البته از نظر جمعیت‌شناسی می‌گویند ۲/۱ دهم باید نرخ باروری باشد، ۰/۱ دهم برای حوادث غیرمنتظره.

جالب این است که سازمان ملل از ایران خواسته بود که تا سال ۹۰ نرخ باروری به ۲/۱ دهم برسد و ایران در سال ۷۱ یعنی مسئولین خائن ما به‌جای کلاه، سر بردن برای سازمان ملل در سال ۷۱ نرخ باروری ما به ۲/۱ دهم رسید و الآن که من در خدمت شما هستم نرخ باروری ایران حداکثر ۱/۷ دهم است یعنی اگر ما به همین وضع پیش‌بریم در سال ۲۰۴۰ جمعیت ما از ۸۵ میلیونی که داریم به ۳۲ میلیون نفر می‌رسد و از این ۳۲ میلیون نفر ۴۷٪ درصدشان افراد بالای ۶۰ سال هستند؛ یعنی شما می‌دانید افرادی که بالای شصت سال هستند بیماری‌های مختلف دارند و دیگر آن تلاش جوان‌ها را ندارند، مصرف‌کننده هستند و تولیدکننده برای جامعه نیستند، نه سطح فکری خاصی دارند که مثلاً در دانشگاه‌ها و در صنعت و در جاه‌های دیگر بتوانند خلاق باشند. و شما ببینید با این همه دشمنی که ما داریم ایران برسد به یکجایی که ۳۲ میلیون نفر باشد آن وقت این ۳۲ میلیون نفر چه کسانی هستند؟

اکثراً آن تک‌فرزندانی هستند که گل‌های باران ندیده هستند به همین دلیل که تک بودند و پدر و مادر همه تلاش‌هایشان را برای آن‌ها گذاشتند، همه نیازمندی‌هایشان را تأمین کردند، این‌ها با بچه‌های دیگر بار نیامدند که زدو خورد و تعاملات اجتماعی، سازش و این نوع چیزها را بفهمند، با کوچک‌ترین مشکلی که در جامعه پیدا می‌کنند افسرده می‌شوند، عقده پیدا می‌کنند و می‌روند کنار و نمی‌توانند تلاش کنند، یعنی شما اگر بدانید دشمن برای کنترل جمعیت چطور برنامه‌ریزی کرده، ببینید آن قدر مسئله هرم پیری و کسری جمعیت مهم است که مقام معظم رهبری از سال ۹۰ تا الآن که ۹ سال می‌شود، ۴۲ بار درباره مسئله جمعیت حرف زده و آن قدر اهمیت دارد که من فکر می‌کنم یک ضرورت بسیار مهم خانم‌های ما فرزند آوری است بخصوص من یک پیامی دارم به دهه شصتی‌ها آن‌هایی که بین سال ۶۰ تا ۷۰ متولد شدن، اینجا یک فرصت طلایی دارند.

فرصت طلایی آنها چیست؟

اگر هرکسی ۱/۵ فرزند در همین یکی دو سال اخیر به دنیا بیاورد البته نه بعد چون دیگر فایده ای ندارد چون دهه شصتی ها یک یا دو سال دیگر می روند بالای ۴۰ سال و امکانات باروری شان پایین می آید، جلوی آن هرم پیری گرفته می شود و دغدغه مقام معظم رهبری که می گویند مسئله جمعیت آن قدر مهم است که اگر آدم درست به آن فکر کند تنش می لرزد. ما اگر واقعاً حزب اللهی هستیم اگر ولایتی هستیم اگر می خواهیم تن رهبرمان نلرزد باید یک فرزند بیاوریم، حداقل یکی و خیلی سریع تا فرصت از دست نرفته است.

من یک توصیه ای دارم، چند وقت قبل یک مطالعه ای کردم دیدم ما ۹ هزارتا خانم بسیجی داریم و این تعداد خیلی زیاده، این ها می توانند یک انقلاب در زمینه جمعیتی ما ایجاد کنند نمی خواهم بگویم همه آنها در سن باروری هستند، بعضی از آنها ازدواج نکردند، تعدادی یائسه شدن، برخی ها هم هنوز به سن باروری نرسیدند اما هر بسیجی این تلاش را داشته باشد که در عرض ۱ یا ۲ سال، یک فرزند اضافه کند، اگر خودش می تواند خودش بیاورد اگر نمی تواند به اطرافیان و دوستانش بگوید و تا یک نفر با توصیه های او به جمعیت اضافه نشد از پا نشیند، باور کنید مشکلاتمان حل می شود. ما با داشتن این نیروی عظیم بسیج می توانیم فعال باشیم و به نظر من هیچ چیز مانع اراده این که یک بچه آورده شود نیست، الآن ببینید اتفاقاً در خانواده هایی که امکانات مالی شان بیشتر است کمتر بچه دارند، این نیست که بهانه ما بله مشکلات اقتصادی هست، بله گرانی هست، بله تورم هست و واقعاً برای همه هم مشکل است، ولی آن قدر بچه خودش با خودش برکت می آورد، مگر قرآن نیست که می گوید: نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ و اَیَّاهُمْ، ما اشتباه می کنیم که می گوییم من باید خرج فرزندم را بدهم نه این طور نیست، روزی بچه که دست من نیست خدا می دهد، منتها خدا این را از طریق من می دهد و خدا خودش روزی را می آورد و من خیلی از مریض هایی دارم که می آیند و این را اقرار کردند می گویند: ما فرزند اولمان را که آوردیم یک آپارتمان خیلی کوچک و محقری را اجاره نشستیم دومی را که آوردیم الحمدلله خدا لطف کرد یک کاشانه بزرگ تر و سومی را که آوردیم رفتیم یکجایی را

خریدیم، خدا می‌داند آن قدر فرزند برکت دارد آن هم وقتی باهدف باشد.
خانم دکتر ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، در پایان چه توصیه‌ای به
طلاب عزیز دارید؟

بنده هم از شما متشکرم؛ طبیعتاً قشر طلبه ما الگو و اسوه‌های این جامعه هستند
به عبارت دیگر حجت‌های الهی هستند، این‌ها باید از نظر رفتار، از نظر اخلاق، از نظر منش
طوری باشند که بتوانند جامعه را به طرف خودشان جذب کنند و باز توصیه می‌کنم یکی از
دغدغه‌های مهم، ولی امر مسلمین، مسئله جمعیت است یعنی این تبلیغ در حوزه بشود و
گفته بشود و کارها و امکانات رفاهی برای طلبه‌هایی که باردار می‌شوند و برای مسئولینی
که باردار می‌شوند گذاشته شود که ان شاء الله این مشکل برطرف شود.



معرفی تحقیق پایانی



آسیب‌های فضای مجازی بر تربیت نوجوانان

مریم حامدی^۱

چکیده

ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی در عصر حاضر به همراه تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آورده است بسیاری از کارکردهای خانوادگی و اجتماعی را متحول کرده است. فضای مجازی می‌تواند در جهت مثبت و منفی به کار گرفته شود؛ اما این فضا به دلیل محبوبیت در بین نوجوانان و جوانان از اهمیت خاصی برخوردار است و آسیب‌های ناشی از آن گریبان گیر این قشر و به‌طور کلی جامعه و خانواده‌ها شده است. دانش‌آموزانی که بیشتر وقت خود را صرف شبکه‌های مجازی می‌کنند پیوند کمتری با خانواده و گروه همسالان خود دارند و تأثیرپذیری بیشتری از این فضا دارند. شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند آثار مخربی بر تعلیم و تربیت نوجوانان داشته باشد و تا زمانی که فضای امن برای حضور نوجوانان ایجاد نشود چالش‌ها و تهدیدهایی در حوزه تعلیم و تربیت رو به افزایش است ولی به دلیل گسترش و نفوذ روزافزون استفاده از این فضا در تعاملات اجتماعی، تولید محتوا، زمینه‌های شغلی و اطلاعاتی و... نمی‌توان تأثیر این ابزار را در خانواده و اجتماع نادیده گرفت چراکه موجب ایجاد تغییراتی در نوع ارتباطات و هویت فرد و ساختار خانواده و... شده است و ناگزیر از پذیرش آن هستیم. مطمئناً ارائه راهکارهای پیشگیرانه در این زمینه موجب فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه شده و موجبات ایجاد بستر مناسب برای استفاده از این ابزار می‌شود. ازجمله راهکارها برای پیشگیری از این آسیب‌ها؛ تمرکز بر شناخت و برطرف کردن مشکلات نوجوان و جوانان، مقابله با ایجاد و نشر شایعه‌های برانداز، قانونمند کردن مقابله با جرائم سایبر و آگاه‌سازی خانواده‌ها، مراقبت و کنترل والدین، اولیای مدرسه و دوستان و همسالان است. هم‌چنین آگاه‌سازی مردم از طریق رسانه‌های مختلف به‌خصوص تلویزیون در کاهش آسیب‌های ناشی از این فضا نقش دارند.

واژگان کلیدی: آسیب‌ها، فضای مجازی، تربیت، نوجوانان

۱. طلبه سطح ۳ رشته کلام اسلامی با گرایش امامت مدرسه علمیه حضرت آمنه (علیها السلام) : با همکاری
نسرین کردنژاد مدرس حوزه و دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه قم n.kordnejad@yahoo.com

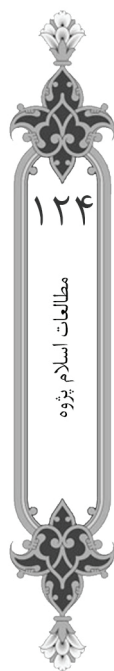
نقش زن در تحصیل رضایت همسر با تأکید بر آیات و روایات

مرضیه ساجدی فرا^۱

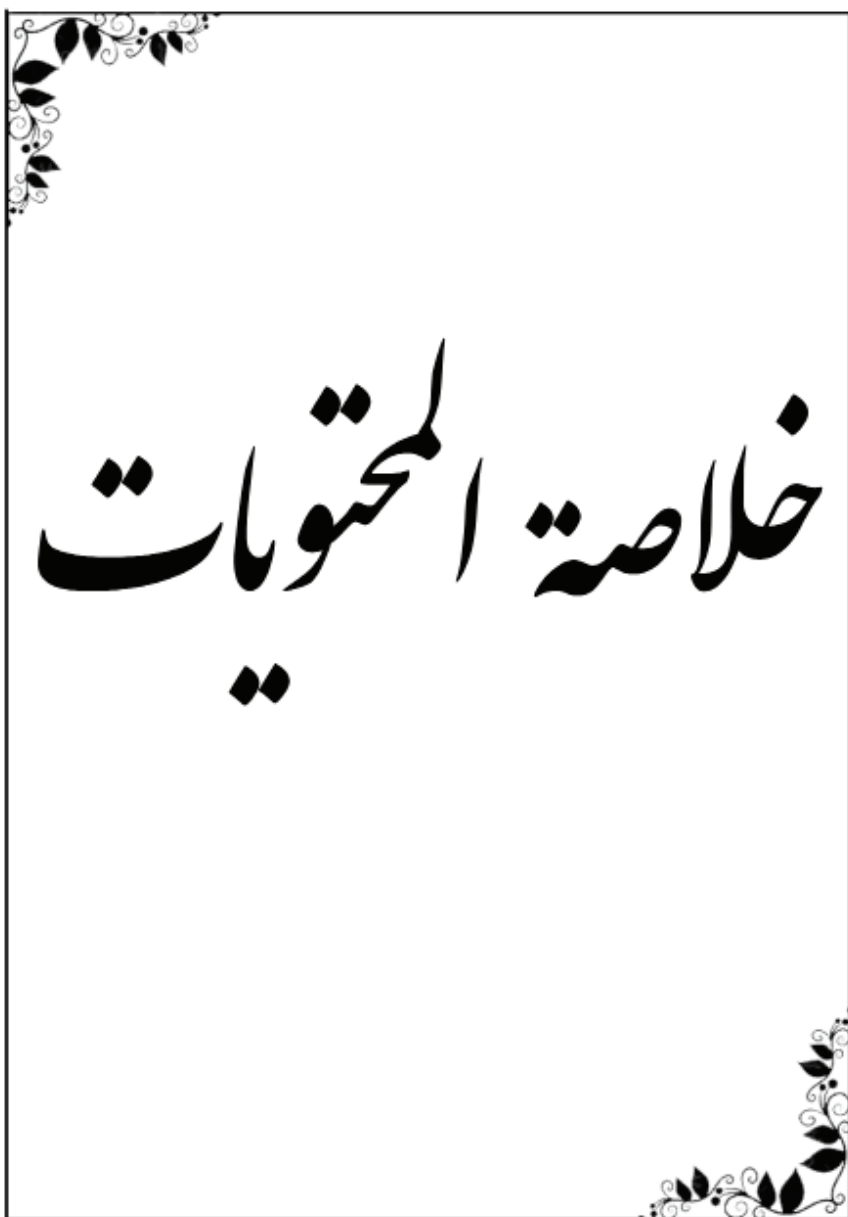
چکیده

بررسی مباحث مربوط به خانواده و زنان، ازجمله مباحث جدید قرن حاضر است که توجّه بسیاری از صاحب‌نظران و دانشمندان را به خود جلب کرده است. شناخت شیوه‌ی درست مهارت‌های زندگی یا به عبارتی کسب مهارت‌های ارتباط با همسر مستلزم شناخت صحیح و دقیق فرد از ویژگی‌های زن و مرد، نقش‌های آن‌ها در رابطه و ابعاد این نقش‌ها هست. این نوشتار به رویکرد اسلام در مورد لزوم کسب رضایت همسر در زندگی پرداخته و نقش مؤثر زن را با توجّه به آموزه‌های دینی (قرآن و روایات) بیان می‌کند؛ و برای کسب رضایت همسر، فرد باید ابتدا شناخت کاملی از ویژگی‌ها و تفاوت‌های جسمی و روانی خود داشته باشد تا با استفاده مناسب از نقاط ضعف و قوت خود در ایفای نقش‌های خود در خانواده موفق عمل کند. در نتیجه زنان با اشراف به ویژگی‌های خود و با توجّه به راهکارهای عملی توصیه‌شده، می‌توانند نقش مؤثری در کسب رضایت همسر داشته باشند.

واژگان کلیدی: رضایت، زن، نقش



۱. طلبه سطح ۳ رشته کلام با گرایش امامت مدرسه علمیه حضرت آمنه علیها السلام، با همکاری رقیه شاه میرزالدو سطح ۲ رشته مطالعات اسلامی زنان.



خلاصة المحتويات



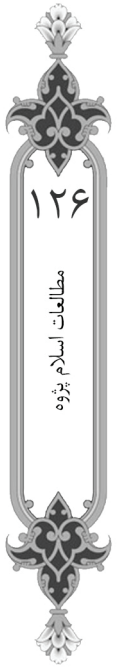
دور الأم في محاربة العلل الاجتماعية من وجهة نظر المرشد الأعلى

أكرم كريمي^١

نبذة مختصرة

الأسرة هي المؤسسة الاجتماعية الأولى والأم عنصرها الأساسي. دأسته لها دور بناء، ودور الأم مهارة تؤخذ جنباً إلى جنب مع المبادئ الدقيقة لوجود المرأة، فالأم فضيلة سماوية تتجلى في وجود العالم المقدس في وجود الإنسان الدنيوي وبلغ فيه أعلى درجاته وفي لقد أنفق طريق الخير والسعادة للأسرة. للأم دور خاص في التربية يحرم الآخرون منه ولم يحل محله أحد، وبينما تعد الأضرار الاجتماعية إصابة لعبت الأم دوراً رئيسياً في منعها، في المقال التالي، من أهمية دور الأم في التربية الاجتماعية (السنوات الأولى من حياة الطفل، ارتباطات الطفل العاطفية، احتضان أبعاد حياة الطفل، التنشئة الاجتماعية للطفل) وكذلك مكانة الأم على حد تعبير المرشد الأعلى (واجبات الأم، خطة الأم لمنع الأذى الاجتماعي، عدم الإفراط في مناقشة النشاط الاجتماعي) وكذلك تعزيز مؤسسة الأسرة ومكانة الأم فيها من تصريحات القيادة (إيجاد اضطرابات، قضايا إعلامية، التواصل مع المسجد، الأمن النفسي، إلخ، تجنب الرفاهية) وأخيراً دور الأم في تمت دراسة الوقاية من الأضرار الاجتماعية، وتم جمع هذه المقالة بطريقة وصفية تحليلية، بطريقة المكتبة.

الكلمات المفتاحية: اضرار اجتماعية، مجتمع، طرق كفاح، ام



١. خريج المستوى الثاني في مدرسة حضرة أمينة اللاهوتية (عليها السلام): fatemehsadat937@gmail.com

معوقات الإنجاب فى العصر الحاضر والخروج منه

زهرا مجاورى^١

نبذة مختصرة

تعتبر الخصوبة والنمو السكانى ووجود دولة بها سكان من الشباب من القضايا المهمة من حيث الدين والفرد والأسرة والحكم ؛ لكن فى إيران الإسلامية ، أدت عوامل مختلفة إلى تقليل الإنجاب فى السنوات الأخيرة. وبحسب الخبراء ، إذا لم يتوقف هذا الاتجاه ، فسوف يتحول إلى أزمة سيكون لها العديد من الآثار السلبية على البلاد والدين الشيعى. لذلك ، من أجل منعه ، يجب فحص الحواجز التى تحول دون الإنجاب وينبغى النظر فى طرق التغلب عليها. يمكن معالجة العوائق فى القطاعات السياسية والاقتصادية والاجتماعية والثقافية ، وهناك عدة حلول لكل منها ، وأحياناً ذات بعد واحد ، مثل الإقراض ؛ وأحياناً يهدف إلى حل بأبعاد مختلفة ، مثل إنشاء مقر وطنى ، وهو المحور الرئيسى لهذا البحث ، وهو تحليلى وصفى ؛ يتم ذلك بطريقة المكتبة.

الكلمات المفتاحية: السكان ، الإنجاب ، الاقتصاد ، الثقافة

١. خريج المستوى الثانى فى مدرسة حضرة أمينة اللاهوتية عجلت الله تعالى فرجه : zarimoji2.22@gmail.com

علم الأمراض من قلة حب الأطفال

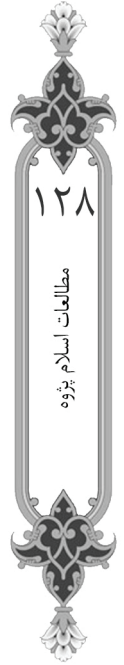
نجمة أدبيى لاريجاني^١

نبذة مختصرة

من أهم احتياجات الطفل الشعور بالأمان العاطفى الذى يأتى من حب الطفل والموافقة عليه. يجب أن يشعر الطفل أن والديه والآخرين يحبونه بصدق ويوافقون عليه كشخص. يمكن أن يكون لديه موقف إيجابى ودائم تجاه الحياة إذا تلقى حباَ وموافقة دائمين من عائلته. لذلك، يجب على الآباء وأفراد الأسرة الآخرين توخى الحذر لتلبية هذه الحاجة للطفل من خلال توفير الحب للطفل والأمن العقلى والاحتياجات العاطفية. يؤدى عدم تلبية الاحتياجات الطبيعية للطفل إلى الكثير من الضرر النفسى. من طرق الوقاية من أضرار عدم حب الأطفال معرفة أسباب هذه الأضرار والمضاعفات والمشاكل التى تنشأ للأطفال فى مختلف المجالات. الهدف من هذا المقال هو التعرف على أثر الأسرة فى تربية الأبناء ودورها فى محبة الأبناء ودرء قلة الحب ومضاعفاته. وفى هذا الصدد نوقش دور الأسرة فى محبة الطفل ونصحته فى تربية الطفل فى الإسلام وعلم النفس. تؤكد بعض نتائج هذه الدراسة على الحب فى جميع مراحل النمو وخاصة الطفولة، ويتم التعبير عن الحب كعامل من عوامل النمو العاطفى واحترام الذات لدى الأطفال، كما أن قلة الحب سبب لمشاكل جسدية ونفسية واجتماعية وتدنى احترام الذات. الآباء الذين لديهم نمو عاطفى جيد وحميمية وحب بينهم، قاموا بتربية أطفالهم بالطريقة الصحيحة ولم يتضرر هؤلاء الأطفال فى مجالات التربية والأخلاق والسلوك وأيضاً طرق منع مثل هذه الأضرار بطريقة وصفية تحليلية؛ يتم ذلك بأسلوب المكتبة.

الكلمات المفتاحية: علم الأمراض، قلة الحب، الأسرة، الأطفال

١. خريج المستوى الثانى فى مدرسة حضرة أمينة عليها السلام اللاهوتية anvarishayan@gmail.com



طرق مؤسسة ثقافة المقاومة والاستشهاد لدى الطفل

مريم مرتضى نصب^١

نبذة مختصرة

يعتبر الاستشهاد من أسمى القيم الإنسانية في الدين الإسلامي وقد تم التأكيد عليه دائماً. هذه المفاهيم العميقة عبر التاريخ تحدد دائماً مصير الإنسان وأنقذه من الدمار الروحي. في ثقافتنا الإسلامية، كان الاهتمام بهذه المفاهيم دائماً شائعاً وبلغ ذروته بعد الثورة الإسلامية وفي ثمانى سنوات من الدفاع المقدس. ولهذه القضية أهمية خاصة لأن ثقافة التضحية بالنفس والاستشهاد كظاهرة اجتماعية ودينية، إضافة إلى التأكيد على ضرورتها في الفترة المعاصرة، قد تمت الإشارة إليها كمثال منذ نزول القرآن. بحيث تكررت كلمة الاستشهاد ومشتقاته ١٥٠ مرة في القرآن، وهي علامة على ارتفاع قيمة الاستشهاد. في غضون ذلك، يحتاج الأطفال، بصفتهم صناع المستقبل للإنسان الغد، إلى التعرف على هذه المفاهيم وحتى الرغبة في تحقيقها من أجل بناء مجتمع حر وإسلامي. إن ثقافة الاستشهاد هي ثقافة إنسانية، ومن أجل بناء هذه الثقافة، يجب أن نؤسسها في الأطفال منذ البداية، حتى يتمكن من تربية الأطفال الباحثين عن الاستشهاد والصمود. هدفت هذه الدراسة إلى التعرف على طرق مؤسسة ثقافة المقاومة والشهادة لدى الأطفال. تعتبر النظرة الأساسية للمقاومة والاستشهاد عند الأطفال، والعوائق التي تحول دون هذه الثقافة، واستراتيجيات التعامل مع هذه العوائق والعوامل التي تؤثر على هذه الثقافة، بما في ذلك العوامل الفردية والاجتماعية والروحية، المحاور الرئيسية لهذا البحث الذي هو منهج وصفي تحليلي، مكتبة لقد تم تناولها.

الكلمات المفتاحية: ثقافة، مقاومة، استشهاد، طفل

عواقب الزواج الأحادي في المجتمع

سمانة مرادی شاه قاسمی^۱

نبذة مختصرة

للأسرة، باعتبارها الركيزة الأصغر والأكثر أهمية للدinاميكية الاجتماعية، العديد من المهام ، من أهمها استمرار البقاء على قيد الحياة وخلق وتربية جيل ببرنامج ديناميكي وفعال. إن التكاثر الواعي من خلال مراقبة مكونات صحة الأم والطفل في الظروف الحالية للمجتمع هو مثال على التعاطف واللغة المشتركة في أحد الاحتياجات الأساسية للمجتمع والاستجابة لتوازن السكان الذي يتطلب مشاركة هادفة وعقلانية من الناس.

حرم عدد من العائلات الإيرانية أطفالها من نعمة الأعمام والعمات والعمت بسبب اتباع الثقافة الغربية ، التي تعتبر إنجاب عدد أقل من الأطفال هو مركز حياة أفضل. مفروضة في الساحة الافتراضية أو وحدها على جيل الشباب. يؤدي انتشار الأطفال غير المتزوجين إلى انخفاض عدد سكان البلاد وكبر سنهم، ويقل جو الشباب والحيوية.

يمكن أن يؤثر تدهور جيل الشباب وشيخوخة السكان على دورة الإنتاج واقتصاد المجتمع. وفقاً للبحث ، فإن الطفل الوحيد لديه العديد من النتائج الاقتصادية والسياسية والديموغرافية والثقافية والدينية التي لا رجعة فيها ويسبب العديد من الأضرار والمشاكل للبلد. مشاكل مثل شيخوخة السكان ، وتفكك الأسرة ، وعدم التوازن بين الجنسين ، وتدهور العلاقات الاجتماعية، وأزمة الشيخوخة ، وانخفاض عدد السكان النشطين والنخبة، وإضعاف قوة وسلطة الدولة، وتقليل قوة الأمن العسكري والافتقار إلى التنمية الاقتصادية، وإذا كان هناك طفل واحد في المجتمع إذا تمدد ، فسوف يسبب ضرراً كبيراً لجسمه ويسبب ضعفاً وانحطاطاً لذلك المجتمع. كان التركيز الرئيسي لهذه الدراسة هو دراسة الآثار الاجتماعية للطفل الواحد من الناحية الثقافية والسياسية والاقتصادية والدينية ، والتي تم تناولها بطريقة وصفية تحليلية ومكتبة.

الكلمات المفتاحية: الأسرة، المجتمع، الطفل الوحيد، النتيجة

۱۳۰

مطالعات اسلام پژوه

۱. خريج المستوى الثاني من مدرسة حضرة أمينة عليها السلام اللاهوتية : moradaliireza@gmail.com



Abstracts



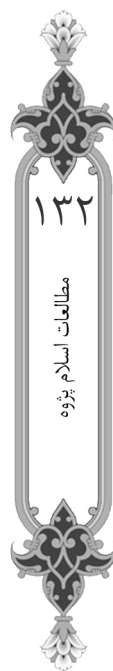
The role of the mother in combating social harms

Akram Karimi¹

Abstract

The family is the first social institution and the mother is its essential element. It has a constructive role of a skill mother who, along with the exact principles taken from the existence of a woman, is a heavenly virtuous mother who manifests herself in the earthly human being from the holy world and has reached her highest degree and spent it for the good and happiness of the family. The mother has a special role in upbringing that others have been deprived of and no one has replaced it, and while social harms have been a harm that the mother has played a key role in preventing, in the present article the importance of the mother's role in social education (first years of life) The child, the child's emotional attachments, embracing the dimensions of the child's life, socializing the child) as well as the mother's place in the Supreme Leader's speech (mother's duties, the mother's plan to prevent social harm, not going to extremes in discussing social activities) The institution of the family and the position of the mother in it from the statements of the leadership (finding disorders, media issues, communication with the mosque, mental security, etc., avoiding a luxurious life) and finally the role of the mother in preventing social harms are examined. The method is descriptive-analytical and collected in the style of libraries.

Keywords: social harms, community, ways of struggle, mother



1. Graduate of the second level of Hazrat Amina Theological School (peace be upon her):
fatemehsadat937@gmail.com.

Barriers to childbearing in the present age and the way out of it

Zahra mogaveri¹

Abstract

Fertility, population growth and having a country with a young population are important issues in terms of religion, individual, family and governance; But in Islamic Iran, various factors have reduced childbearing in recent years. According to experts, if the trend of this recession is not stopped, it will turn into a crisis that will have many negative effects on the country and the Shiite religion; Therefore, in order to prevent it, barriers to childbearing should be examined and ways to overcome it should be considered. Barriers can be addressed in the political, economic, social, and cultural sectors, and there are several solutions to each one, sometimes one-dimensional, such as lending; And sometimes it aims at a solution with different dimensions, such as the creation of a national headquarters, which is the main focus of this research, which is descriptive-analytical; It is done in a library way.

Keywords: population, childbearing, economy, culture.



1. Graduate of the second level of Hazrat Amina Theological School (peace be upon her):
zarimoji2.22@gmail.com.

Pathology of lack of love for children

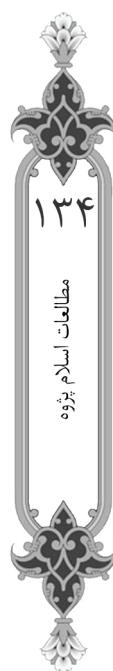
Najmeh Adibi Larijani ¹

Abstract

One of the most important needs of a child is the feeling of emotional security that comes from loving and approving the child. The child should feel that the parents and those around him sincerely love him and approve of him as an individual. He can have a positive and lasting attitude towards life if he receives lasting love and approval from his family; Therefore, parents and other family members should be careful to meet this child and meet the child's psychological security and emotional needs by showing love to the child. Failure to meet the natural needs of the child causes a lot of psychological damage. One of the ways to prevent the harms of not loving children is to know the causes of these harms, complications and problems that are created for children in different contexts. The purpose of this article is to investigate the effect of families in raising children and their role in loving children and preventing lack of love and its complications. In this regard, the role of the family in loving the child and advising love in raising the child in Islam and the science of psychology have been discussed. Some of the findings of this study emphasize love at all stages of development, especially childhood, and love is expressed as a factor of emotional development and self-esteem of children, and lack of love is a cause of physical, psychological, social and self-esteem problems. Parents who have a good emotional development and intimacy and love between them, raised their children in the right way and these children were not harmed in educational, moral, behavioral fields, and also ways to prevent such harms in a descriptive-analytical way; It is done in the style of a library.

Keywords: pathology, lack of love, family, children

1. Graduate of the second level of Hazrat Amina (peace be upon him) Theological School: anvarishayan@gmail.com.



Ways to institutionalize the culture of resistance and martyrdom in the child

Maryam Mortezaei Nasab¹

Abstract

Martyrdom has been considered as the highest human values in the religion of Islam and has always been emphasized. These profound concepts throughout history have always determined the destiny of mankind and saved him from spiritual destruction. In our Islamic culture, attention to these concepts has always been common and reached its peak after the Islamic Revolution and in the eight years of holy defense. This issue is of special importance because the culture of self-sacrifice and martyrdom as a social and religious phenomenon, in addition to emphasizing its necessity in the contemporary period, has also been mentioned as an example from the time of the revelation of the Qur'an; So that the word martyrdom and its derivatives are repeated 150 times in the Qur'an, which is a sign of the high value of martyrdom. In the meantime, children, as the future makers of human tomorrow, need to be familiar with these concepts and even the desire to realize them in order to build a free and Islamic society. The culture of martyrdom is humanizing, and for this culture-building, we must institutionalize it in children from the very beginning, so that we can raise children who are martyrdom-seeking and resilient. The aim of this study was to investigate the ways of institutionalizing the cultureConsequences of monogamy in society of resistance and martyrdom in children. A fundamental view of resistance and martyrdom in children, barriers to this culture, strategies to deal with these barriers and factors affecting this culture, including individual, social and spiritual factors, are the main axes of this research, which is a descriptive-analytical method, library method. It has been addressed.

Keywords: culture, resistance, martyrdom, child



1. Graduate of the second level of Hazrat Amina (peace be upon him): vahidghafi@gmail.com.

Consequences of monogamy in society

Samaneh Moradi Shah Ghasemi ¹

Abstract

The family, as the smallest and most important pillar of social dynamism, has several tasks, one of the important tasks of which is the continuation of survival and the creation and education of a generation with a dynamic and effective program. Conscious reproduction by observing the components of maternal and child health in the current conditions of society is an example of empathy and common language in one of the basic needs of society and responding to the balance of the population that requires purposeful and rational participation of people. A number of Iranian families have deprived their children of the blessings of having uncles, aunts, uncles and aunts because of following Western culture, which considers having fewer children to be the axis of a better life. Imposed in the virtual arena or alone to the younger generation. The prevalence of single children causes the population of the country to decrease and grow old, and the atmosphere of youth and vitality is less seen. The decline of the young generation and the aging of the population can affect the production cycle and the economy of the society.

According to research, single child has many irreparable economic, political, demographic, cultural and religious consequences and causes many injuries and problems to the country. Problems such as population aging, family breakdown, gender imbalance, declining social relations, aging crisis, declining active and elite population, weakening the power and authority of the country, reducing the military security force and lack of economic development follow. If it expands, it will cause great damage to its body and cause the weakness and degeneration of that society. The main focus of this study was the study of the social consequences of one-child in cultural, political, economic and religious terms, which has been addressed in a descriptive-analytical method and in a library manner.

Keywords: family, society, single child, outcome



1. Graduate of the second level of Hazrat Amina (peace be upon him): moradialiireza@gmail.com.

